



انجمن پژوهش‌های ادبی و فرهنگی

سخن نسل عدالت

گاهنامه علمی - فرهنگی

سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۴۰۳



رهنمودهای مرجعیت سخنرانی‌ها

مبانی فقهی راه‌حل‌های بحران سیاسی افغانستان

علل اساسی بحران سیاسی افغانستان از منظر شهید مزاری (ره)

راه‌حل‌های بحران سیاسی افغانستان در اندیشه شهید مزاری (ره)

ادب و هنر

گذشته‌ی افتخار و ایستادگی

اندیشه‌های ماندگار

شهید مزاری در نگاه دیگران و ...

گزارش‌ها

همایش هزاره؛ دانایی و نسل‌زدایی

گزارش بیست و نهمین سالگرد شهادت استاد عبدالعلی مزاری (ره)

نمایشگاه گل سرخ و ...



پشتاد اندیشه





گاهنامه علمی فرهنگی سخن نسل عدالت



صاحب امتیاز:

انجمن علمی فرهنگی نسل عدالت

مدیر مسئول:

دکتر محمد عوض اعتمادی

جانشین مدیر مسئول:

پایانده محمد صادقی

سر دبیر:

محمد رضا شفاپی

مدیر اجرایی:

محمد صادق انوری

ویراستار:

علی آقا محسنی

طراح و صفحه آرا:

محمد رضا شفاپی

عکاس و تصویر بردار:

علی محمد دانش و مجتبی علوی

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):

محمد حسین احمدی، جواد اسلامی، عزیزالله باقری، ماشاءالله برهانی، اسلم تقدسی، عبدالحسین رضایی، قربان علی حکیمی، عزیزالله شهپور، جمال غواصی، علی رضا فیاض، علی محمد مبلغ، قربان علی مبلغ، سلیمان محقق، عزیز مدبر، محمد ناصر نبوی، عبدالرثوف نوری، یاسین یوسفی.

یاد آوری:

مسئولیت مطالب مندرج در گاهنامه به عهده نویسندگان است.

استفاده از گاهنامه با ذکر منبع بلا مانع است.

اداره گاهنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

در این شماره می خوانید:

مستقیم از دست

مزاری و رسالت ما / سر دبیر ۷

و بشنوی ای سرحد

حضرت آیت الله العظمی فاضل بن بهودی (دام ظلّه) ۱۵

مستقیم از دست

مبانی فقهی راه حل های بحران سیاسی افغانستان /

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حیات الله رسولی ۲۵

علل اساسی بحران سیاسی افغانستان از منظر شهید مزاری (ره) /

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی جوینا (شریفی) ۵۱

راه حل های بحران سیاسی افغانستان در اندیشه شهید مزاری (ره) /

دکتر محمد امان فصیحی ۶۷

عبر از روی دانا

یست و نهمین سال یاد شهادت استاد عبدالعلی مزاری (ره) ۸۳

همایش هزاره دانایی و تسل زدایی ۹۱

یست و نهمین سال یاد شهادت استاد عبدالعلی مزاری (ره) ۹۷

نمایشگاه گل سرخ ۱۰۵

آتش و شمع

گذشته ای افتخار و استادگی ۱۱۳

اندیشه های ماندگار ۱۳۳

شهید مزاری (ره) در نگاه دیگران ۱۳۷

آینه در آینه

گزارش تصویری از یست و نهمین سال یاد شهادت رهبر شهید (ره) ۱۵۷



«ما افغانستان را سرزمین مان می دانیم. برای آزادی این خاک بیش از یک میلیون شهید دادیم. از وجب به وجب از این میهن دفاع می کنیم و بدین معنی نیست که ما حق نداشته باشیم، ما سرنوشت خود را تعیین نکنیم. اگر بی تفاوت باشیم، اتحاد خود را حفظ نکنیم، می توانند ما را ۳۰۰ سال دیگر باز حذف کنند.»

(چراغ راه، ص ۷۰)



بنیاد اندیشه
۱۳۸۸

۴ سخن نخست / شهید مزاری (ره) و رسالت ما

تاریخ معاصر افغانستان، شاهد تحولات خونین و نقش آفرینی رهبرانی بوده است، که تعیین نسبت با آن‌ها برای نسل امروز ما دشوار است. یکی شخصیت‌های تاریخ معاصر افغانستان، که نقش عمده در تاریخ جهاد افغانستان و مقاومت مردم هزاره علیه بی‌عدالتی، ظلم، استبداد و انحصارطلبی داشت، شهید عبدالعلی مزاری (ره) است.

پرسش‌های که در این زمینه مطرح می‌شود این است: شهید مزاری (ره) کی بود؟ چه می‌خواست؟ و چه کرد؟ و حال رسالت ما در قبال او چیست؟ در زیر به فراخور مجال و توان، تلاش می‌شود تا به پاسخ این پرسش‌ها اشاره شود.

۱. عدالت به مثابه اصل بنیادین در اندیشه شهید مزاری (ره)

عدالت از واژگان سهل ممتنع است؛ زیرا در نگاه اول به نظر می‌رسد، که معنای آن ساده و قابل درک است؛ اما وقتی به عمق مفاهیم و کاربردهای آن در حوزه‌های مختلف مانند اخلاق، حقوق، فلسفه و دین می‌پردازیم، پیچیدگی‌های بسیاری آشکار می‌شود.

عدالت در ساده‌ترین تعریف به معنای «دادن حق به صاحب حق» یا «قرار دادن هر چیزی در جای خود» است؛ اما این تعریف‌ها در موقعیت‌های گوناگون و با توجه به دیدگاه‌های مختلف، معنای متفاوتی پیدا می‌کنند. مثلاً در حقوق، عدالت به رعایت قوانین و تطبیق آن بالای همه به دور از تبعیض تعبیر می‌شود. در اخلاق و دین، عدالت با مفاهیمی مانند تقوا، انصاف و رحمت گره خورده است. بنابراین، امتناع و غربت عدالت در تاریخ معاصر افغانستان





زمانی به‌طور عریان ظاهر شد، که به‌علاوه‌ی استمرار ظلم و استبداد حاکمان، هزینه‌ی کودتاها و جنگ‌های بازی تاج و تخت، فشار مضاعف بر دوش مردم وارد کرد. در چنین وضعیتی رهبر شهید باب‌ه مزاری^(ره) و هم‌فکران او عدالت و نه گفتن به تبعیض و استبداد را از حالت امتناع به ضرورت تبدیل کردند. شهید مزاری^(ره) عدالت را از مفهوم انتزاعی صرف به یک ضرورت حیاتی و اصل بنیادی برای بقا و توسعه‌ی جامعه افغانستان گفتمان‌سازی کرد و در این راستا عدالت اجتماعی را صرفاً به یک خواسته سیاسی نگاهید، بلکه به‌عنوان یک ضرورت اخلاقی و انسانی معرفی کرد. او باور داشت، که عدالت بنیادهای یک جامعه‌ی پایدار را شکل می‌دهد، که تنها به توزیع عادلانه‌ی منابع محدود نمی‌شود، بلکه شامل عدالت در تقسیم قدرت، تصمیم‌گیری، دسترسی به فرصت‌ها و احترام به کرامت انسانی نیز، می‌شود. راهبردهای عملی ایشان را در این راستا، وحدت ملی، گفت‌وگو، هم‌پذیری، تعامل میان اقوام و احترام به تنوع فرهنگی، قومی و مذهبی شکل می‌داد. به همین علت، انحصارطلبی، نفی همدیگر، ظلم و تبعیض را علت تمام بدبختی‌های افغانستان می‌دانست. رهبر شهید^(ره) در دو سطح ملی و درون قومی برای تحقق عدالت کوشید. او در ابتدا گروه‌های هشت‌گانه‌ی جهادی مردم شیعہ را در قالب «حزب وحدت اسلامی افغانستان» متحد کرد. بعد از تشکیل حزب وحدت اسلامی، در حالی که شهید مزاری^(ره) در مسافرت به سر می‌برد و مرده زنده بودنش، به‌درستی روشن نبود، اعضای شورای مرکزی این حزب، او را به پاس تلاش‌های بی‌شائبه‌اش، به رهبری حزب، برگزیدند. در سطح ملی نیز وحدت ملی، هم‌پذیری، تعامل، مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور، حق تعیین سرنوشت، دوری از انحصارطلبی و اجتناب از سیاست حذف را به‌عنوان راه‌حل بحران و راهبردهای تحقق «عدالت اجتماعی»، مطرح کرد. در این راستا اولین اقدام عملی ایشان به‌منظور رفع مظلومیت از ملت‌های محروم در معاهده‌ی «جبل السراج»، متبلور گردید. این معاهده به‌دلیل بدعهدی طرف



مقابل، به سرانجام نرسید. اقدام دوم ایشان در جهت ترمیم شکاف‌های تاریخی و اجتماعی در دوران مقاومت غرب کابل به تشکیل «شورای هماهنگی» بین «حزب وحدت اسلامی»، «حزب اسلامی» و «جنبش ملی اسلامی»، انجامید. در تمام این موارد از مرحله‌ی نظر گرفته، تا عمل و هم‌چنین از سطح درون قومی گرفته تا سطح ملی تلاش‌های دل‌سوزانه‌ی شهید مزاری^(ره) برای تحقق اصل بنیادین «عدالت» در افغانستان به روشنی پیداست. با توجه به مطالب مذکور، به پرسش دوم منتقل می‌شویم. رسالت ما در قبال شهید مزاری^(ره) چیست؟

۲. رسالت ما

در گام نخست، مهم‌ترین رسالت ما فهم دقیق و عمیق شهید مزاری^(ره) و اندیشه‌های ایشان است، نه خوانش سطحی و ظاهری. توجه به بنیادهای فکری و اصولی که او به آن باورمند بود و راهبردهایی که در جهت تحقق آن اصول به‌کار بست، ضروری و لازم است.

در گام دوم، معرفی چهره‌ای واقعی آن شهید والامقام و آرایه تصویر روشن از وی است. استاد شهید مزاری^(ره) فرزند حوزه علمیه و به تعبیر دکتر علی شریعتی، از کنج حجره‌های تنگ و تاریک حوزه‌های علمیه، برخاسته بود و چهره‌ای واقعی‌اش، هم‌تراز و قرین عدالت‌طلبی، صلح‌خواهی، زندگی مسالمت‌آمیز، برای همه و در عین حال درایت، قاطعیت، باور به جایگاه مردم و... بود.

انجام و تحقق این رسالت مهم، تنها در پرتو واکاوی‌های علمی در قالب همایش‌ها، نشست‌های علمی و نشر آن‌ها امکان‌پذیر و میسر خواهد بود. از این رو، دوستان ما در «انجمن علمی - فرهنگی نسل عدالت»، بر آن شدند، که محصول نشست علمی سال گذشته‌اش، را در قالب گاهنامه‌ای با عنوان «نسل عدالت» منتشر نمایند و به‌عنوان «برگ سبز، تحفه‌ای درویش» در اختیار



علاقه‌مندان قرار دهند و از این ره‌گذر به ماندگاری و ثبت تاریخ شدن آن و در نتیجه، انجام گوشه‌ای از رسالت خویش در قبال رهبر شهید استاد مزاری^(ره) گام هرچند کوچکی برداشته باشند.

سومین رسالتی که برای نسل امروز می‌توان برشمرد، الگوبرداری از رهبر شهید است. وضعیت امروز ما از حیث انحصارطلبی، ظلم و استبداد تفاوت چندانی با گذشته‌ها ندارد. ادبیات شهید مزاری^(ره) و نحوه‌ی مبارزه او برای تحقق عدالت در جامعه افغانستان، در دوسطح ملی و درون قومی، خلق خودباوری برای مردم تحت ستم و توجه به آینده‌ی مطلوب، الگوی موفق و نقشه‌ی راه برای تداوم مبارزه و مقاومت علیه ظلم و بیداد است.

۳. نیم‌نگاهی به گاهنامه «سخن نسل عدالت»

همان‌گونه که اشاره شد، گاهنامه‌ی «سخن نسل عدالت»، محصول، نتیجه و برون‌داد نشست علمی سال گذشته‌ی «انجمن علمی - فرهنگی نسل عدالت» است، که به ترتیب زیر ساختار بندی و تنظیم یافته است:

۱.۳. رهنمودهای مرجعیت

در این بخش، رهنمودهایی از مرجع عالی‌قدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضلی بهسودی^(دام‌طه) را که اعضای انجمن علمی - فرهنگی نسل عدالت در تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۸ به محضر ایشان حضور یافته بودند، مطالعه خواهید کرد.

۲.۳. سخنرانی‌ها

در این بخش، فایل صوتی سخنرانی‌های کارشناسان محترم حجج اسلام آقایان: دکتر حیات‌الله رسولی (یوسفی)، دکتر محمدعلی جويا (شریفی) و دکتر امان‌الله فصیحی به متن تبدیل شده‌است، سپس بازخوانی، ویرایش و پس

از بازیستی و بعضاً تکمیل آن‌ها توسط کارشناسان، چاپ و نشر شده‌است که مطالعه خواهید کرد.

۳.۳. گزارش‌ها

در این بخش، گزارش‌های فعالیت‌ها و کارکرد «انجمن» در محورهای زیر ترتیب یافته است:

۱.۳.۳. گزارش از همایشی به مناسبت بیست و ششمین سال‌یاد رهبر شهید استاد مزاری و یاران شهیدش، با عنوان «بحران‌های فعلی و چشم اندازهای فردا در اندیشه شهید مزاری^(ره)»، ۲۸ حوت ۱۳۹۹ ش.

۲.۳.۳. گزارش از همایشی به مناسبت گرامی‌داشت و تجلیل از شهدای مرکز آموزشی کاج در غرب کابل، با عنوان «هزاره؛ دانایی و نسل‌زدایی»، ۱۶ میزان ۱۴۰۱ ش.

۳.۳.۳. گزارش از نشست علمی به مناسبت بیست و نهمین سال‌یاد رهبر شهید باب‌ه مزاری^(ره) و یاران با وفایش، با عنوان «بحران سیاسی افغانستان و راه‌حل‌های آن در اندیشه شهید مزاری^(ره)»، ۱۷ حوت ۱۴۰۲ ش.

۴.۳.۳. گزارش از نمایش‌گاه گل سرخ، که هم نشست علمی و هم نمایش‌گاه، فوق‌العاده مورد استقبال و تحسین بازدید کنندگان قرار گرفت و در صدا و سیمای قم (شبکه نور)، هم بازتاب و انعکاس یافت.

۴.۳. ادب و هنر

در این بخش، شعر شاعر جوان و دردمند مردم ما آقای دکتر محمد شریف عظیمی، تحت عنوان «ادب»، دلنوشته‌های اشتراک کنندگان در بیست و نهمین سال‌یاد شهادت رهبر شهید در دفتر یادبود با عنوان «دیدگاه‌ها» و تابلوهای هنری، با عنوان «هنر»، در پنج دسته زیر بازتاب یافته‌است:

۱.۴.۳. تابلوهای حاوی تصاویر، سخنان، جملات و کلمات قصار رهبر



ادب و هنر / شهادت

شهید استاد مزاری^(۵۶) ناظر به مسایل کشور، راه‌حل‌ها و راه‌کارهای بیرون رفت از بحران کشور.

۲.۴.۳. تابلوهایی حاوی دیدگاه‌ها و سخنان شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی افغانستان و کشورهای اسلامی درباره شهید مزاری^(۵۷) با عنوان «شهید مزاری از نگاه دیگران».

۳.۴.۳. تابلوهایی حاوی خاطرات برخی از یاران و هم‌سنگران شهید، تحت عنوان «شهید مزاری در آیین‌های خاطرات».

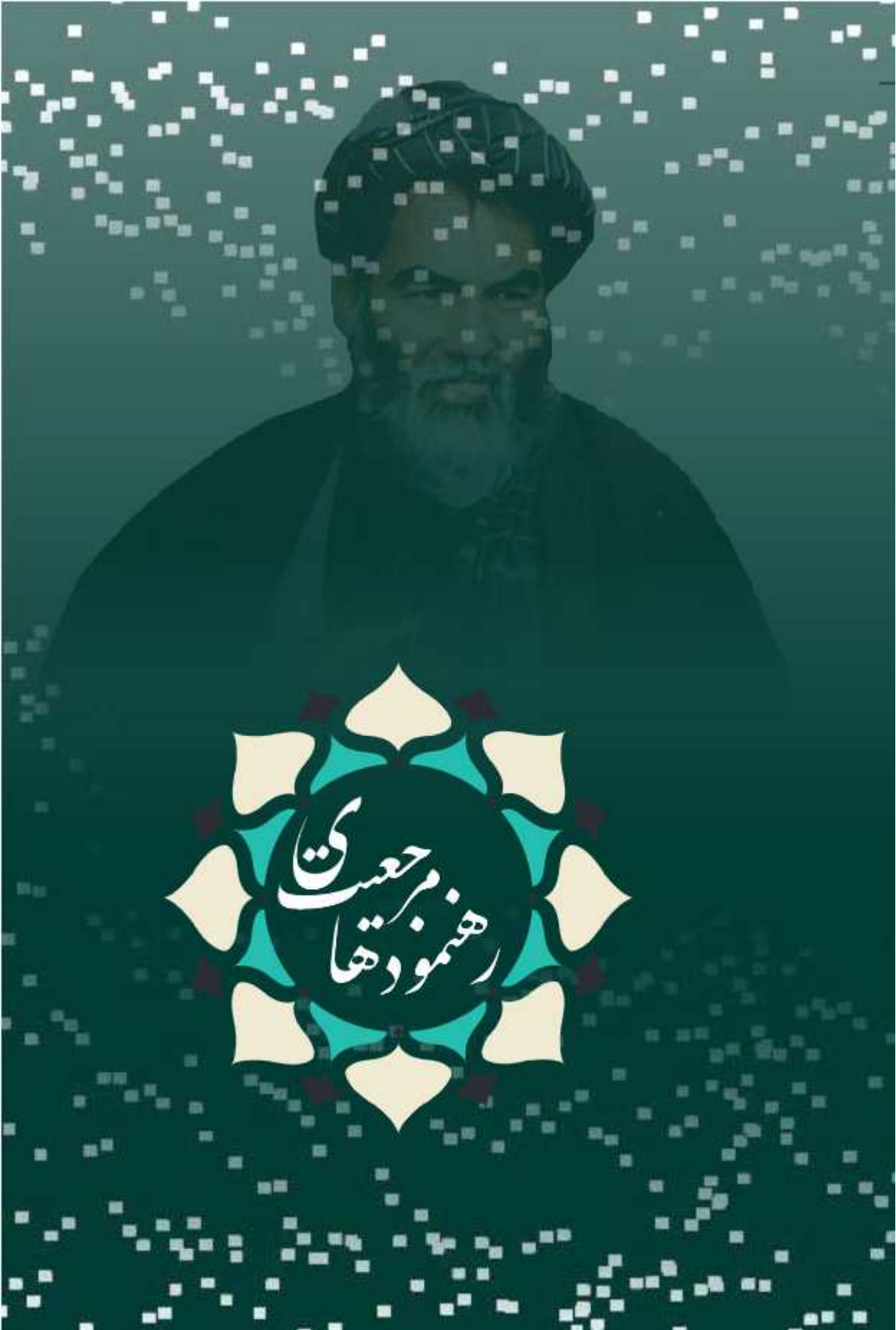
۴.۴.۳. تابلوهایی تحت عنوان «پیش‌تازان عدالت‌خواهی»: در این بخش، گزیده‌ای از زندگی‌نامه‌ها و کارنامه‌های یاران شهید مزاری^(۵۸) مانند فرمانده دلیر و نستوه شهید ابوذر غزنوی، حجج اسلام شهید ابراهیمی بهسودی، شهید اخلاصی جاغوری و شهید سیدعلی علوی، شهید قوماندان حاج جان محمد ترکمنی و شهید عباس جعفری لومانی آمده است.

۵.۴.۳. تابلوهایی با عنوان «پیش‌گامان عدالت‌خواهی»: در این بخش، خلاصه و گزیده‌ای از زندگی‌نامه‌ها و کارنامه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و مبارزاتی برخی از هم‌فکران، هم‌سنگران، استوانه‌های جهاد، مبارزه و مقاومت عدالت‌خواهانه کشور، تجلی یافته است.

۶.۴.۳. آیین در آیین

در این بخش، نشست علمی بیست و نهمین سال‌یاد رهبر شهید استاد مزاری^(۵۹) با عنوان «بحران سیاسی افغانستان و راه‌حل‌های آن در اندیشه شهید مزاری^(۶۰)»، در آیین‌های تصاویر انعکاس و بازتاب داده شده است.

انجمن علمی - فرهنگی نسل عدالت»، امیدوار است، گوشه‌ای از رسالت خود را در قبال رهبر شهید استاد مزاری^(۶۱) انجام داده باشد و موجب خشنودی روح بلند و ملکوتی آن شهید عزیز و یاران با وفایش و هم‌چنین رضایت خوانندگان و مخاطبان گاهنامه را فراهم کرده باشد. ضمناً از انتقادات و پیشنهادات سازنده‌ی دوستان به‌گرمی استقبال می‌کند.





«بدیهی است که ملت حق شناس ما، مخصوصاً شیعیان افغانستان که در متن حوادث خونین استقامت کرده اند، فداکاری‌های مسئولین محترم را که در کنار آن‌ها در سخت‌ترین شرایط مقاومت نموده‌اند، صلاحیت عملی و کفایت سیاسی از خود نشان داده‌اند، فراموش نخواهند کرد.»

(هفته نامه وحدت، ۲۹ ثور ۱۳۷۳، شماره ۱۳۵، ص ۵)



بنیاد اندیشه
۱۳۷۳



۴ رهنمودهای مرجعیت

حضرت آیت الله العظمی فاضلی بهسودی (دام ظلّه)

اشاره

آیت الله العظمی شیخ محمدباقر فاضلی بهسودی (ره) از مراجع برجسته تقلید شیعیان افغانستان، در سال ۱۳۳۷ ش، در منطقه بهسود افغانستان متولد شد و فعلاً ساکن شهر قم ایران است.

ایشان پس از تکمیل تحصیلات خود، به تدریس و تألیف پرداخت و آثار متعددی هم چون: القواعد والفروق، المباحث الصریقه، اجوبه المسائل و رشوه از دیدگاه اسلام را به رشته تحریر درآورد. پس از درگذشت آیت الله العظمی محقق کابلی (ره)، وی با توصیه ایشان و درخواست علما و مردم، مسئولیت مرجعیت را پذیرفت و هم اکنون از چهره های تأثیرگذار در هدایت دینی و فرهنگی شیعیان افغانستان به شمار می رود.

اعضای «انجمن علمی - فرهنگی نسل عدالت» به تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۸ ش، به محضر ایشان حضور یافتند. در نخست، جناب استاد پاینده محمد صادقی که این دیدار را هماهنگ کرده بود، به معرفی جمع پرداخت. پس از آن، آقای دکتر محمدعوض اعتمادی، ریاست محترم انجمن، کارکردها و فعالیت های این جمع را به محضر مرجع عظیم الشان تقلید، بیان کرد.

پس، حضرت آیت الله العظمی فاضلی بهسودی (ره) در ادامه ی این دیدار رهنمودهایی را بیان فرمود که در گاهنامه «سخن نسل عدالت» نشر و به خوانندگان محترم «گاهنامه»

تقدیم می شود.

در آستانه ی ۲۲ بهمن سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و هم چنین در آستانه ی فرارسیدن سی امین سالگرد شهادت شهید عبدالعلی مزاری (ره) و یاران ایشان قرار داریم. به همین مناسبت و به منظور گرامی داشت از یاد



و خاطره بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (قدس سره)، مرجع عالی‌قدر، حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی (ره) و تمامی شهدای اسلام و حق‌جویان، سلام و صلوات خود را به روح پرفتوح آنان نثار می‌کنیم.

شهید عبدالعلی مزاری (ره) یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های جهادی و سیاسی افغانستان بود، که با تکیه بر آرمان‌های اسلامی و انقلابی، در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق مردم افغانستان، به‌ویژه شیعیان تلاش کرد. وی از پیش‌گامان مبارزه در افغانستان بود، که با روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر و استقامتی مثال‌زدنی، در برابر بی‌عدالتی‌ها ایستادگی کرد.

۱. آشنایی با شهید مزاری و ارتباطات اولیه او با رهبران انقلاب اسلامی

شهید مزاری (ره) در دوران تحصیل خود در حوزه علمیه قم، در جلساتی که در اوایل انقلاب اسلامی ایران در مسجد عشقلی (واقع در چهارمردان قم) برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد. این جلسات که پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها برگزار می‌شد، محل گردهمایی رهبران احزاب افغانستانی و بررسی مسایل انقلاب افغانستان بود. شهید مزاری (ره) در این نشست‌ها حاضر می‌شد و با شخصیت‌های انقلابی ارتباط برقرار می‌کرد؛ اما ارتباط او با برخی رهبران عمدتاً از طریق این جلسات شکل گرفت و او از نزدیک با همه‌ی آن‌ها تعامل نداشت.

وی همچنین در دوران تحصیل در نجف، به دیدار امام خمینی (ره) مشرف شد. با رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌طه) نیز، هم در مشهد و هم در تبعید، ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی داشتند. آن‌طور که در زندگی‌نامه‌شان آمده، ساعت‌ها باهم درباره مسائل اسلام و انقلاب صحبت می‌کردند. شهید مزاری با انقلابیونی نظیر شهید منتظری، جلال‌الدین فارسی

و ... هم در ارتباط بودند. همه این روابط پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران برقرار شده بود.

۲. فعالیت‌های مبارزاتی قبل از انقلاب افغانستان

پیش از کودتای کمونیستی در افغانستان و آغاز جهاد، شهید مزاری^(ه) در کنار گروهی از مبارزان انقلابی، در تلاش برای روشن‌گری و سازماندهی نیروهای اسلامی بود. من با شهید ابراهیمی و شهید بصیر مالستانی، در مدرسه محمدیه کابل هم مدرسه بودم و آنان را از نزدیک می‌شناختم. آن‌ها با شخصیت‌هایی مانند شهید اسماعیل مبلخ، استاد شفق و شهید واحدی در ارتباط بودند.

این گروه از مبارزان، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در جهت بیداری مردم افغانستان تلاش می‌کردند و به‌ویژه شهید مزاری با پشت‌کار و استقامت ویژه‌ای در این مسیر گام برمی‌داشت. او نه تنها یک مبارز سیاسی بود، بلکه به‌عنوان یک چهره‌ی تأثیرگذار، همواره به دنبال گسترش آگاهی اسلامی و انقلابی در بین مردم بود.

۳. ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی شهید مزاری^(ه)

شهید مزاری^(ه) از جمله افرادی بود، که در مبارزه خود، از استقامت و پایداری بالایی برخوردار بود. او نه تنها فردی انقلابی و فعال بود، بلکه با صبر و تلاش فراوان، برای تحقق اهداف خود گام برمی‌داشت. برخی افراد ممکن است در برهه‌ای از زمان فعال باشند، اما استقامتی که شهید مزاری^(ه) داشت، ویژگی متحصر به‌فرد او در میان مبارزان بود.

از نکات قابل توجه در شخصیت شهید مزاری^(ه)، ساده‌زیستی و عدم استفاده شخصی از امکانات عمومی و وجوهای شرعی بود. در دورانی که بسیاری از طلاب از شهریه‌های حوزه استفاده می‌کردند، او ترجیح می‌داد،



انجمن اسلامی



روی پای خود بایستد و از این وجوہات برای امرار معاش استفاده نکند. هم‌چنین زمانی که در رأس احزاب جهادی قرار گرفت، هرگز از امکانات بیت‌المال برای منافع شخصی خود و خانواده‌اش، بهره نبرد. همین ویژگی‌ها موجب شد، که مردم او را به‌عنوان یک رهبر خالص و مخلص بشناسند و احترام خاصی برایش قایل شوند.

۴. دفاع از عدالت اجتماعی و حقوق مردم افغانستان

یکی از مهم‌ترین آرمان‌های شهید مزاری^(ره)، تحقق عدالت اجتماعی برای همه مردم افغانستان بود. او نه تنها از حقوق شیعیان دفاع می‌کرد، بلکه برای تمامی اقوام و مذاهب افغانستان حق مساوی قایل بود و در این مسیر تلاش می‌کرد.

وی در برابر احزابی که به حقوق مردم بی‌توجه بودند، ایستادگی کرد و با صراحت مسأله‌ی عدالت اجتماعی را مطرح کرد. این دیدگاه او سبب شد، که محبوبیت‌اش، محدود به جامعه شیعه نباشد، بلکه بسیاری از اهل سنت نیز به‌خاطر نگاه عدالت‌محورانه‌اش، او را محترم بشمارند. اگرچه برخی کارشکنی‌ها و فتنه‌ها مانع از تحقق کامل آرمان‌های او شد، اما شهید مزاری^(ره) همواره در مسیر دفاع از حقوق مردم تلاش کرد و با قاطعیت، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها را به چالش کشید.

۵. شهادت و مظلومیت شهید مزاری^(ره) و سایر شهدای افغانستان

شهید مزاری^(ره) هم‌چون بسیاری از شهدای افغانستان، در مظلومیت به شهادت رسیدند. برخلاف کشورهایمانند ایران که برای خانواده شهدا احترام و حمایت ویژه‌ای قایل هستند، در افغانستان نه تنها از شهدا تجلیل مناسبی نمی‌شود، بلکه خانواده‌های آن‌ها نیز، اغلب مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند.



با این حال، شهید مزاری^(ه) به دلیل فعالیت‌های گسترده و خدمات بی‌وقفه‌اش، برای مردم، بدون نیاز به تبلیغات حکومتی، در دل مردم جا گرفت. مراسم سال‌گرد شهادت او در بسیاری از کشورها به صورت خودجوش برگزار می‌شود و هر ساله بر میزان تجلیل از او افزوده می‌شود. این امر نشان می‌دهد، که صداقت، استقامت و عدالت‌خواهی او حتی پس از شهادتش نیز، در میان مردم زنده مانده و الهام‌بخش آزادی‌خواهان افغانستان است.

۶. ضرورت استمرار مسیر شهید مزاری^(ه)

شهید عبدالعلی مزاری^(ه)، عمر خود را وقف جهاد و مبارزه برای عدالت و احقاق حقوق مردم کرد. او نه تنها یک روحانی مبارز، بلکه رهبر سیاسی برجسته‌ای بود، که در مسیر تحقق آزادی و عدالت به شهادت رسید. با این حال، گرامی‌داشت شخصیت او نباید صرفاً محدود به گذشته باشد، بلکه باید اندیشید که چگونه می‌توان راه او را ادامه داد و چه کسانی می‌توانند، این مسئولیت خطیر را بر دوش بگیرند؟

امروز، وظیفه ما از دوران جهاد نیز سنگین‌تر است. افغانستان در شرایطی حساس قرار دارد و حمایت از مظلومان و مبارزه برای حقوق آنان مسئولیتی است، که بر دوش همه ماست. برای این منظور، باید چهره‌های توانمند و متعهدی را شناسایی و تربیت کرد، که بتوانند مانند شهید مزاری^(ه)، رهبران شایسته‌ای برای جامعه باشند.

۷. ضرورت تربیت نخبگان در عرصه‌های مختلف

هیچ فردی، به تنهایی نمی‌تواند، در همه‌ی حوزه‌ها نخبه باشد، اما با پرورش و حمایت از نخبگان در بخش‌های گوناگون، می‌توان آینده‌ای روشن برای افغانستان رقم زد:



۱. استادان و اندیشمندان: افرادی که استعداد علمی دارند، باید در حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها نقش مؤثری در تربیت نسل آینده ایفا کنند.
 ۲. خطیبان دینی و سخن‌وران: جامعه به خطیبان آگاه و توان‌مندی نیاز دارد، که بتوانند افکار عمومی را هدایت کرده و ارزش‌های اسلامی و انسانی را ترویج دهند.
 ۳. اهل قلم و نویسندگان: حمایت از نویسندگان و پژوهش‌گرانی که می‌توانند اندیشه‌های دینی، اجتماعی و سیاسی را به درستی منتقل کنند، ضروری است.
 ۴. متخصصان نظامی و امنیتی: در جامعه‌ای که نیاز به دفاع از حقوق خود دارد، وجود افراد آگاه و کارآزموده در عرصه‌ی نظامی امری حیاتی است.
- در سال‌های گذشته، هر زمان که مردم افغانستان فرصت حضور فعال در عرصه‌های مختلف را یافتند، شاهد رشد و شکوفایی آنان بوده‌ایم. نباید امید را از دست داد و باید با برنامه‌ریزی صحیح، این روند ادامه یابد و زمینه‌ساز پیش‌رفت و استقلال کشور شود.

۸ مرجعیت و رهبری دینی در افغانستان

عالمان دینی و طلاب علوم اسلامی، همواره نقش اساسی در هدایت فکری و معنوی مردم افغانستان داشته‌اند. در حوزه علمیة نجف، شخصیت‌های برجسته‌ای از افغانستان تربیت شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به آیت‌الله محقق کابلی، آیت‌الله محقق خراسانی، آیت‌الله فیاض، آیت‌الله ربیع یکاوونگ، آیت‌الله شیخ سلطان، آیت‌الله افشار، اشاره کرد. این بزرگان در تربیت طلاب و هدایت جامعه نقش مؤثری داشتند. به‌ویژه مرحوم آیت‌الله محقق خراسانی که با وجود داشتن مدارک شناسایی ایرانی، همواره خود را افغانستانی، دانسته و فعالیت‌های علمی و اجتماعی خود را در خدمت مردم افغانستان قرار داد. او در کتاب «المؤلفون الأفغانیون المعاصرون» بیش

از ۲۵ عالم برجسته افغانستانی را معرفی کرده و تأکید کرده است که اگر این عالمان در نجف می ماندند می توانستند، به جایگاه استادشان حضرت آیت الله خویی دست یابند، ولی آن ها مسیر بازگشت به وطن برگزیدند تا در خدمت مردم خود باشند.

آیت الله خراسانی، علاوه بر تدریس و تألیف، در عرصه ی خطابه نیز شخصیتی کم نظیر بود. ایشان در مسجد مرحوم انصاری که حضرت امام خمینی ^(ره) در آن جا نماز جماعت برگزار می کرد، سخنرانی می کرد. حضرت امام گاهی اوقات و شهید مصطفی خمینی اکثر اوقات به پای سخنرانی های ایشان می نشستند. ایشان در ایام محرم و رمضان، در بزرگ ترین محافل علمی و مذهبی حوزه نجف به ایراد سخن می پرداخت و از چهره های شاخص علمی و دینی به شمار می رفت.

شخصیتی با این عظمت پیش قدم شد و حضرت آیت الله محقق کابلی را به اعلان مرجعیت تشویق و ترغیب کرد. سخن آیت الله خراسانی در این زمینه این بود: شما با تدریس در حوزه علمیه نجف و تألیف تقریرات استادان آیت الله خویی که ایشان در تقریظ خود از شما به عنوان «رکن الإسلام» یاد می کند، دو قدم اساسی را در مسیر مرجعیت برداشته اید و تنها قدم سوم مانده است که اگر به آن هم اقدام کنید، رهبری دینی و در کنار آن رهبری سیاسی جامعه افغانستان تثبیت می شود. آیت الله خراسانی نه تنها در شهرهای ایران حتی در شهرهای پاکستان به تبلیغ مرجعیت مرجع فقید پرداخت.

در عرصه ی سیاسی نیز، ایشان پیش قدم بود. در جلسات بزرگ، مردم را تشویق می کرد که به دنبال حقوق تان باشید و دست از مطالبه گری برندارید. مخصوصاً در دوران ظاهرشاه که راه کریملا باز بود، زایران زیادی به عراق می آمدند. شهید سید اسماعیل بلخی بعد از آزادی از زندان نیز، به نجف آمد و حسینیه امام مجاهد را تأسیس کرد. برای این که فضای حسینیه وسیع باشد من هم قسمتی از زمین خانه ی خود را به حسینیه وقف کردم. در



انجمن اهل سنت



آنجا سخنرانی‌های پرشور و با جمعیت زیاد برگزار می‌شد. آیت‌الله محقق خراسانی مردم را به درک شرایط کشور و تلاش برای مطالبه حقوق شان ترغیب می‌کرد.

در همان سال ابراهیم خان گاو سوار از شارستان و فرقه مشرف فتح محمد خان از بهسود نیز، به زیارت عتبات عالیات آمدند، حضرت آیت‌الله خراسانی خوانین افغانستان را نیز، به مطالبه حقوق شان تشویق و ترغیب می‌کرد. با توجه به این مطالب، حضرت آیت‌الله خراسانی به موازات مرجعیت دینی به مرجعیت سیاسی نیز اهتمام می‌ورزید. الحمدلله ایشان در زمان حیات خود به هردو خواسته‌اش، (تثبیت مرجعیت دینی و مرجعیت سیاسی مردمش) دست یافت.

۹. ضرورت تربیت نسل آینده

امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تربیت نسل جدیدی از رهبران، اندیشمندان و متخصصان هستیم که بتوانند مسیر شهدای بزرگ و عالمان برجسته را ادامه دهند. برای این منظور، باید از نخبگان حمایت کرده و زمینه رشد و پیشرفت آنان را فراهم آورد.

طلاب افغانستان در حوزه‌های علمیه از استعدادهای درخشانی برخوردارند. بیش از سی سال پیش، مدیر حوزه‌های علمیه، آیت‌الله فاضل لنکرانی در دیدار با آیت‌الله فیاض تأکید کرد که طلاب افغانستانی در تمامی سطوح علمی حضور دارند و هیچ کمبودی از نظر استعداد ندارند. این حقیقت امروز نیز صادق است. در تمامی زمینه‌ها، از تدریس و نویسندگی گرفته تا سخنرانی و فعالیت‌های اجتماعی، نخبگان افغانستانی حضور دارند. وظیفه ماست، که این ظرفیت‌ها را تقویت کرده و از آنان حمایت کنیم.

السلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته!





خواست ما تامین عدالت، برابری و برادری
میان مردم افغانستان است.



۴ مبانی فقهی راه حل های بحران سیاسی افغانستان

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حیات الله رسولی

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، الحمد لله رب العالمین والصلاه والسلام علی سیدنا ونبینا، ابوالقاسم المصطفی محمد (ص) و آله الطیبین الطاهرین المعصومین ولعنه الله علی اعدائهم و متکبری فضائلهم من الآن الی قیام یوم الدین.

لاحول ولا قوه الا بالله العلی العظیم واستغفرالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم، الرحمن الرحیم، ذو الجلال والاکرام وأنوب الیه السلام علیکم ورحمت الله.

قال الله تبارک وتعالی: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ.

با سلام و احترام خدمت سید و مولای مان، آقا امام زمان (عج) و ارواح طیبه عالمان کرام، مراجع عظام، روح بلند حضرت امام خمینی (ره)، استادان گران قدر و هم چنین شهدای عزیز اسلام و شهدای قهرمان و غیور کشور، به ویژه شهدای



جنبش عدالت‌خواهی افغانستان و بنیان‌گذار این جنبش، عالم مجاهد، شهید عدالت، استاد عبدالعلی مزاری^(ره) و تمامی شهیدان عزیز و همراهان ایشان از جمله شهید ابوذر غزنوی، شهید اخلاصی، شهید ابراهیمی بهسودی، شهید جان محمد ترکمنی، شهید سیدعلی علوی و شهید عباس جعفری لومانی.

خداوند رحمت کند و رضوان الهی شامل حال شان باد. ما به تمامی این عزیزان دین و مسؤولیت داریم و وظیفه ادامه دادن راه آنان بر دوش ما است. خوشا به حال کسانی که با عزت و سبک‌بالی از این دنیا رخت برستند و ما در پیچ و خم زندگی باقی ماندیم. از خداوند می‌خواهیم که شرمندگی آنان نباشیم و مسؤولیتی که بر دوش داریم، به درستی ادا کنیم. عهد می‌بندیم که با توفیق الهی، راه آنان را ادامه دهیم و به برکت خون شان، عنایات الهی شامل حال ما و شما گردد.

از دست‌اندرکاران برگزاری این جلسه تقدیر و تشکر می‌کنم. بسیاری از آنان را از نزدیک می‌شناسم و از دردمندی، تعهد، صداقت و توانایی آنان آگاه هستم. هم‌چنین به آن‌هایی که نمی‌شناسم نیز، احترام و ارادت دارم. این بزرگواران سرمایه‌های علمی و فرهنگی جنبش عدالت‌خواهی افغانستان هستند. بسیار از زحمات و تلاش‌های آنان قدردانی می‌کنم و مردم ما نیز، به آنان افتخار می‌کنند. این جوانان متعهد، باید راه جنبش عدالت‌خواهی شهید مزاری^(ره) را ادامه دهند و مسؤولیت سنگین نگه‌داری و تداوم این جنبش بزرگ بر دوش همه‌ی ما و آنان است.

ما به‌خوبی زحمات و ارزش چنین جلساتی را درک می‌کنیم. برگزاری این‌گونه جلسات به راستی نیازمند تلاش و دوندگی بسیار است. ما از نزدیک می‌دانیم که چقدر باید رایزنی کرده و مراحل مختلف را طی نمود، تا چنین جلسه‌ای به سرانجام برسد. با این حال، این بخشی از مسؤولیت ما در قبال شهدای عدالت‌خواهی است و این تنها آغاز راهی است، که باید ادامه دهیم. از مجموعه دانشگاه المصطفی و مسؤولان محترم مدرسه که در برگزاری

این جلسه، کمک و مساعدت کردند، تشکر می‌کنم. هم‌چنین احترام خود را به عالمان حاضر در مجلس، عرض می‌کنم. از فرمایشات استادان گران‌قدر که پیش از من صحبت کردند، بهره‌بردم و از خداوند می‌خواهم که توفیقات آنان را بیش‌تر کند.

وظیفه‌ی عالمان دینی، طلاب و نجیبان فکری همین است. تفاوت ما با سایر نیروهای فعال در جنبش عدالت‌خواهی افغانستان، مانند سیاست‌مداران، نظامیان و دیگر فعالان، در این است که کار ما بیش‌تر به مسایل تئوریک، علمی و فرهنگی مربوط است. این کارها با زحمات زیاد و فراوان دوستان عزیز ما در مدارس و طلاب عزیز انجام می‌شود و خداوند به آنان خیر دهد.

موضوع بحث امروز، «بحران سیاسی در افغانستان از منظر شهید مزاری (ره)، علل و راه‌حل‌ها و مبانی فقهی راه‌حل‌ها» یا به عبارتی دیگر، توجیه فقهی این راه‌حل‌هاست. استاد جويا در این زمینه، بحران را تعریف کردند و دکتر فصیحی نیز، بحث را ادامه دادند. مباحث ارایه شده بسیار خوب بودند.

من در این جا نمی‌خواهم به‌طور مستقیم وارد بحث‌های تئوریک شوم. بلکه قصد دارم موضوع را کمی عینی‌تر و ملموس‌تر مطرح کنم. در افغانستان و به‌طور کلی در نظام‌های سیاسی که دچار بحران می‌شوند، وقتی از بحران سیاسی صحبت می‌کنیم، در یک تعریف ساده و ملموس، بحران به‌معنای یک وضعیت غیرمتعادل و غیرمعمول است، که کارایی‌های جامعه را مختل کرده‌است.

در چنین شرایطی، جریان عادی جامعه متوقف می‌شود و امکان پیش‌بینی وضعیت آینده نیز، بسیار دشوار می‌گردد.

۱. تعریف و نوع بحران

بحران را می‌توان به‌معنای وضعیتی دانست، که جامعه در یک حالت غیرعادی، غیرمتعادل و تقریباً درگیر مرگ و زندگی قرار می‌گیرد. وقتی از



انجمن‌الاعمال



بحران سیاسی صحبت می‌کنیم، منظور بحران‌هایی است، که به حاکمیت، مدیریت جامعه و جریان قدرت مربوط می‌شوند. اگر ما بخواهیم بحران را از دیدگاه شهید مزاری^(ره) در افغانستان تقسیم بندی کنیم، بحران‌های سیاسی کلان در سه محور وجود داشت و الآن هم وجود دارد:

۱.۱. بحران در سطح جامعه

این بحران به روابط اجتماعی افراد باز می‌گردد و به حوزه جامعه‌شناسی سیاسی مربوط می‌شود. در این سطح، روابط اجتماعی دچار اختلال است. برتری‌طلبی، نفاق و خود برترینی از عوامل اصلی این بحران، هستند که باعث می‌شود جامعه به شکلی غیرعادلانه تقسیم شود.

۲.۱. بحران در سطح گروه‌ها و اقوام

در این سطح، بحران در مناسبات قدرت و ارتباطات اجتماعی بین اقوام و گروه‌ها نمود پیدا می‌کند. عدم تحمل یکدیگر، تلاش برای حذف دیگری، و بی‌توجهی به حقوق و خواسته‌های دیگران از مشکلات اصلی این سطح است. احزاب و اقوام به جای هم‌کاری، درگیر رقابت‌های ناسالم هستند. این مسأله نه تنها بعد داخلی دارد، بلکه به عوامل بیرونی نیز،

بحران را می‌توان به معنای وضعیتی دانست که جامعه در یک حالت غیرعادی، غیرمتعادل و تقریباً درگیر مرگ و زندگی قرار می‌گیرد. وقتی از بحران سیاسی صحبت می‌کنیم، منظور بحران‌هایی است که به حاکمیت، مدیریت جامعه و جریان قدرت مربوط می‌شوند. بحران در سه سطح جامعه، نخبگان و نظام سیاسی مربوط می‌شود.

مرتبط است؛ افرادی که با شعارهای مذهبی وارد می‌شوند؛ اما عمل‌کردشان خلاف آن است.

۳.۱. بحران در سطح نظام سیاسی

بحران در این سطح به ناکارآمدی الگوهای حکومتی موجود، باز می‌گردد.

۲. بحران سیاسی افغانستان و علل آن

برای درک دقیق علل واقعی بحران‌های افغانستان و تحلیل این بحران‌ها، به سه بخش از سخنان شهید مزاری^(ره) استناد می‌کنم. پس از آن، وارد بحث تطبیقی و علمی شده و راهکارهای فقهی ارایه خواهم داد. البته این بحران‌ها در عین تفکیک علمی و نظری، در عمل یکنوع تأثیر گذاری متقابل هم داشته است، یعنی گاهی بحران‌ها از یک حوزه به حوزه دیگر سرایت کرده و حوزه‌های متعددی باعث بحران شده. لطفاً با دقت توجه فرمایید.

۱.۲. بحران اجتماعی و تبعیض‌های قومی

شهید مزاری^(ره) می‌فرماید: می‌خواهیم ستم‌هایی چندین قرنه، پایان یابد و جامعه‌ای به وجود آید، که در آن از تبعیض، نفاخر و برتری‌طلبی خبری نباشد. این سخن، هم علل بحران‌های اجتماعی افغانستان و هم راه‌حل آن‌ها را بیان می‌کند. در جامعه افغانستان، تبعیض، نفاخر و برتری‌طلبی از جمله چالش‌های اساسی، در روابط اجتماعی هستند. این بحران‌ها، موجب اختلال در ارتباطات بین افراد شده و ساختار اجتماعی کشور را دچار تنش می‌کنند.

یکی از مصادیق بارز این بحران، برتری‌طلبی قومی، زبانی و نژادی است. برخی افراد با افتخار به قومیت، زبان و نژاد خود، دیگران را تحقیر می‌کنند. این ذهنیت که او هزاره است، اوغان است، تاجیک است، ازبک است و این منم، آن منم، بیان‌گر هویت اقوام است؛ اما این هویت‌ها نه مایه‌ی فضیلت و برتری هستند و نه موجب نقص و حقارت. از منظر انسانی، اسلامی و عقلی،



اداره‌های دولتی



هیچ قومی بر قوم دیگر، برتری ندارد و هرگونه معیارهای خیالی و توهمی که موجب تفاخر و تبعیض شود، مردود است.

۱.۱.۲. پیامدهای برتری‌طلبی قومی

این نوع رفتار، موجب انزجار، تحقیر و تبعیض اجتماعی می‌شود که در تضاد آشکار با اصول عقلانی و عدالت دینی است. شهید مزاری^(۹) بر نفی هرگونه تفاخر و تبعیض تاکید داشت و خواهان جامعه‌ای بود، که در آن، تمامی اقوام و هویت‌ها محترم شمرده شوند. برخورد برابر، احترام به تفاوت‌ها و پرهیز از توهین به زبان، نژاد و قومیت دیگران از اصول اساسی مورد نظر ایشان بود.

۲.۱.۲. نگاه قرآن به تفاوت‌های قومی و نژادی

قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره حجرات تاکید می‌کند: ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت اقوام و قبایل قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست؛ همانا خداوند دانا و آگاه است.

این آیه، نشان می‌دهد، که تفاوت‌های قومی و نژادی، یک امر طبیعی و الهی است و نه نشانه‌ای از برتری یا حقارت. هیچ قوم و نژادی از نظر الهی، بر دیگری، برتری ندارد. بنابراین، افراد حق دارند، که به قوم، نژاد و زبان خود افتخار کنند؛ اما این احساس نباید منجر به تحقیر و توهین به دیگران شود.

از دیدگاه اسلام، هیچ تفاوتی میان انسان‌ها از نظر رنگ پوست، چهره و ویژگی‌های ظاهری وجود ندارد. کسی که به نژاد، زبان یا رنگ پوست دیگران، نگاه تحقیرآمیز دارد، در واقع به آفرینش الهی اعتراض کرده است و این با ایمان و تسلیم در برابر خداوند منافات دارد.

آیه ۱۱ سوره حجرات نیز تاکید می‌کند: «ای مومنان! نباید، گروهی از شما گروهی دیگر را به تمسخر گیرند، شاید آن‌ها از شما برتر باشند».

براساس این آیه، هرگونه تحقیر و توهین به دیگران، نه تنها غیراخلاقی، بلکه از نظر فقهی حرام است؛ زیرا باعث ظلم به دیگران می‌شود و ممکن است، فرد یا قومی که تحقیر می‌شود، از نظر توانایی، استعداد و جایگاه معنوی نزد خداوند، برتر باشد.

۲.۲. بحران در سطح نخبگان و احزاب

شهید مزاری^(ره) در بخش دیگری، از سخنان خود می‌فرماید: معتقدیم که در افغانستان، مشکل زمانی حل می‌شود که مسئولان احزاب و اقوام، یکدیگر را تحمل کنند، درصدد حذف همدیگر نباشند و به حقوق و خواسته‌های یکدیگر احترام بگذارند.

این سخن، نشان دهنده دو مسأله اساسی است:

الف. وجود بحران در سطح نخبگان و احزاب

ب. راه حل این بحران

واقعیت این است، که در افغانستان، بسیاری از احزاب، نخبگان و گروه‌های قومی تلاش دارند، که یکدیگر را از صحنه حذف کنند. مع‌الاسف احترام به حقوق یکدیگر و پذیرش تنوع اقوام، در فرهنگ سیاسی کشور جایگاهی ندارد. نگاه برتری طلبانه، انحصارطلبی و استبداد فکری، موجب شده است که هر گروه، تنها برای منافع خود تلاش کند و دیگران را نادیده بگیرد. و این

واقعیت این است که در افغانستان، بسیاری از احزاب، نخبگان و گروه‌های قومی تلاش دارند که یکدیگر را از صحنه حذف کنند. احترام به حقوق یکدیگر و پذیرش تنوع اقوام، در فرهنگ سیاسی کشور جایگاهی ندارد. نگاه برتری طلبانه، انحصارطلبی و استبداد فکری، موجب شده است که هر گروه، تنها برای منافع خود تلاش کند و دیگران را نادیده بگیرد.



اداره‌های دولتی



باعث بحران شده و خواهد شد. چه در زمانی که احزاب قدرت نظامی داشتند و چه الان که قدرت فرهنگی اجتنابی و سیاسی و تبلیغاتی دارند. در اینجا سوال مهم این است که چرا شهید مزاری^(ره) به احزاب اشاره دارد و نه به مذاهب؟

یک دلیلش است این که در افغانستان قدرت اصلی در دست احزاب و گروه‌های جهادی بود، الان هم همین‌گونه است، دلیل دوم؛ فقدان هویت ملی، و ملت‌سازی و روحیه ملی است. هنوز اقوام و احزاب بازیگر اصلی تحولات اند، افراد در هویت قومی خودشان گیر مانده و تصلب هویت‌های قومی بحران ساز است،

تحقیر و توهین و تعصبات و تبعیض قومی باعث این تصلب و تعصب است. همین مساله مانع اصلی شکل‌گیری هویت ملی است. احزاب در افغانستان ماهیت قومی دارد، نگرش‌ها، خواست‌ها و عملکردشان قومی است. این امر محدود به یک قوم نیست، همه اینگونه هستند، حتی در مواردی که فردی یا گروهی قوم‌گرایی را محکوم می‌کند، باز هم تظاهر می‌کند، در واقع و حقیقت از موضع قومی و به هدف سرکوب بقیه اقوام چنین شعار می‌دهند.

تعلق قومی، گرایش به قوم و هویت قومی در ذات خود بدنیست. به رسمیت شناختن هویت قومی افراد، تکثر قومی و احترام به هویت‌های قومی نشانه ظرفیت فرهنگی و سیاسی افراد و یکی از راه‌های حل بحران و تشکیل هویت فراگیر ملی است. آنچه مشکل و بحران ساز است، نادیده گرفتن هویت‌های قومی غیر از خود، و تبعیض و تعصب و توهین نسبت به اقوام دیگر است. واقعیت اقوام، سنت الهی و ظرفیت فرهنگی برای رشد جوامع است. در افغانستان احزاب هم ماهیت قومی دارند، این از هر نظر و تماماً بد نیست، زیرا نشان‌دهنده ظرفیت‌ها و توجه به محرومیت‌ها و حقوق فراموش شده اقوام و مردم افغانستان است. با این شرط که هویت ملی باید از مسیر حفظ و احترام هویت‌های قومی بگذرد. هویت ملی با تحقیر، توهین و انکار

هویت‌های قومی ممکن نیست. هویت‌های قومی باید پایه تشکیل هویت ملی فراگیر باشد.

رهبر شهید در جای دیگری می‌فرماید: در افغانستان، شعارها مذهبی است؛ اما عمل کردها قومی و نژادی است.

این سخن نشان می‌دهد؛ که در کشور، بسیاری از افراد و گروه‌ها، در ظاهر شعارهای دینی سر می‌دهند، اما در عمل، براساس قومیت و نژاد رفتار می‌کنند، مذهب تنها پوشش و فریب است. این مشکل، نه تنها در داخل افغانستان، بلکه در سطح بین‌المللی نیز، مشاهده می‌شود؛ کشورهای خارجی و سیاست‌مداران بیگانه، نیز، با استفاده از شعارهای مذهبی، در عمل سیاست‌های قومی و نژادی خود را دنبال می‌کنند.

در این زمینه، کتابی با عنوان «افغانستان، قربانی رفقا و برادران» وجود دارد، که مطالعه آن را توصیه می‌کنم. نکات مهمی در این کتاب مطرح شده‌است که نباید از آن‌ها غافل شد.

۳.۲. بحران نظام سیاسی

یکی از بحران‌های اساسی در افغانستان، بحران نظام سیاسی است، که در سطح سوم بحران‌ها قرار می‌گیرد.

۳. راه‌حل‌های شهید مزاری^(ره)

شهید عبدالعلی مزاری^(ره) می‌فرماید: «ما خواهان حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان هستیم.»

شهید مزاری^(ره) معتقد بود، که بحران اصلی افغانستان در نبود مفاهیم عقلانی و دینی است. او تأکید داشت، که بدون حکومت اسلامی، مشکلات این کشور حل نخواهد شد. مردم افغانستان، به‌ویژه جامعه عدالت‌خواه هزاره، همواره خواهان استقرار یک حکومت اسلامی بوده‌اند. سال‌ها جهاد، مبارزه و مقاومت این مردم، در راستای تحقق چنین حکومتی بوده‌است. «جنبش عدالت‌خواهی»



راه‌حل‌های عدالت



مردم هزاره و شیعه، به رهبری شهید مزاری^(۹)، برای برپایی حکومت اسلامی تلاش کرده و هم‌چنان ادامه می‌دهد.

۱.۳. مردمی بودن حکومت

طبق دیدگاه اسلامی ما و فقه شیعه حکومت باید اسلامی باشد، اگر حکومتی اسلامی باشد، اما مردمی نباشد، یعنی با رضایت و انتخاب مردم و متعهد به منافع و مصالح آنان شکل نگیرد، باز هم بحران ایجاد خواهد شد؛ زیرا حکومتی که بر خلاف اراده‌ی مردم عمل کند و از رأی و نظر آن‌ها بیگانه باشد، به استبداد، انحصارطلبی و سلطه‌جویی قومی، زبانی، مذهبی و حزبی خواهد انجامید. چنین حکومتی حتی اگر نام اسلامی را هم یدک بکشد، در حقیقت اسلامی نخواهد بود و با عدالت فقه اسلامی مطابقت نخواهد داشت.

۲.۳. فراگیری حکومت

اگر حکومتی اسلامی و مردمی باشد، اما فراگیر نباشد و همه اقوام، زبان‌ها و مذاهب افغانستان را دربر نگیرد، باز هم بحران‌زا خواهد بود. نظام‌هایی که به یک یا دو قوم و مذهب خاص محدود شوند، مشروعیت خود را نزد سایر اقوام و مذاهب از دست خواهند داد. در چنین شرایطی، سایر گروه‌ها دلیلی برای اطاعت از این حکومت نخواهند داشت و در نتیجه، بحران و نارضایتی اجتماعی شکل خواهد گرفت. حکومت تک قومی، تک مذهبی و تک حزبی، برخلاف عدالت و مصلحت عمومی است و به ایجاد تبعیض، استبداد و انحصارگرایی منجر خواهد شد.

۳.۳. عدالت اجتماعی

اگر حکومتی اسلامی، مردمی و فراگیر باشد؛ اما مبتنی بر عدالت اجتماعی نباشد، باز هم بحران ایجاد خواهد کرد. کلید اصلی و ریشه‌ی بحران افغانستان و دیگر حکومت‌ها در تاریخ، فقدان عدالت بوده‌است. عدالت‌خواهی و تأکید بر عدالت اسلامی جوهره‌ی تفکر و اندیشه سیاسی شهید مزاری^(۱۰) بود. به



جمهوری اسلامی افغانستان

اعتقاد او، راه حل اساسی بحران افغانستان در تأمین عدالت اسلامی برای تمامی اقوام و مذاهب این کشور نهفته است. تأسیس نظام سیاسی عادلانه هدف اصلی و مطالبه مردم عدالت خواه بود. از این رو، شهید مزاری^(ره) را شهید عدالت، می نامیم؛ چرا که او برای عدالت اسلامی، اندیشید، مبارزه کرد و در این راه به شهادت رسید.

از دیدگاه اسلامی، کسی که برای تحقق عدالت اسلامی مبارزه کند و در این راه جانش را فدا سازد، شایسته‌ی عنوان شهید است. مبارزه و مقاومت در مسیر عدالت اسلامی، مشروعیت بخش و افتخار آفرین است. شهید مزاری^(ره)، به حق «شهید عدالت» بود و هرگونه تعریف و توصیف دیگری از او، نادیده گرفتن حقیقت، بی انصافی و تحریف آرمان های اوست.

جنبش مقاومت و حق طلبی مردم نیز، «جنبش عدالت خواهی» است. عدالت خواهی، گفتمان سیاسی مردم افغانستان بوده و خواهد بود و هرگونه تغییر در این گفتمان به نفع مفاهیم سیاسی دیگر، خیانتی به آرمان های شهید مزاری^(ره) و عدالت خواهان محسوب می شود.

مبنای تفکر، مقاومت و عدالت خواهی شهید مزاری^(ره) و جنبش عدالت خواهی شهید مزاری و مردم افغانستان، همان آیه ی کریمه ی قرآن کریم^۱ است، که در آغاز این بحث قرائت شد؛ مردمی که مصمم اند و قیام کرده اند که عدالت در افغانستان تحقق یابد. هدف اصلی «جنبش عدالت خواهی» مردم ما تشکیل «نظام سیاسی عادلانه» است، حکومت اسلامی که محدود به یک زبان، یک قوم و یک مذهب نیست و این جنبش برای همیشه ادامه دارد، محدود به یک زمان و یک دوره نیست. جنبش عدالت خواهی مردم ما براساس اعتقادات اصیل کلامی و فقهی شیعه تا تحقق حکومت عادلانه جهانی حضرت امام زمان مهدی موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف) ادامه دارد.

به طور خلاصه، برای حل بحران افغانستان از منظر فقهی و اجتماعی، روابط



میان مسلمانان باید بر مبنای برادری، برابری، محبت و مودت باشد، تا همه‌ی مردم این کشور، احساس امنیت و کرامت کنند. هیچ قومی، زبانی یا مذهبی نمی‌تواند، ادعای مالکیت انحصاری بر افغانستان را داشته باشد. هرچند از نظر تاریخی ممکن است، برخی اقوام قدمت و خدمات بیش‌تری داشته باشند؛ اما این امر نباید مبنای تبعیض، انحصارطلبی و استبداد قرار گیرد. عدالت، مبنای مشروعیت نظام سیاسی است و بدون آن، هیچ حکومتی در افغانستان پایدار نخواهد بود.

۴. دیدگاه فقه اسلامی درباره راه حل بحران اجتماعی و ضرورت برابری و برادری

فقه اسلامی، در مورد حل بحران اجتماعی، برابری و برادری را بعنوان یک ضرورت مطرح می‌کند. بنابراین، در مسیر یافتن راه حل بحران‌های اجتماعی، توهین، تفاخر و برتری‌طلبی، جایگاهی ندارد. صحیح نیست، که فردی با تکیه بر برتری‌طلبی نژادی، قومی یا زبانی، سخن از تفاخر و تبعیض بگوید، دیگران را تحقیر کند و حکومت، امکانات و قدرت اجتماعی را در انحصار قوم، حزب، مذهب یا نژاد خاصی قرار دهد. چنین رویکردی نه تنها مغایر با اصول دین و مذهب است، بلکه وحدت ملی و مصالح عمومی مردم افغانستان را نیز، به خطر می‌اندازد. افزون بر این، چنین اقداماتی به جای کاهش بحران، آن را تشدید و تکثیر می‌کند.

۱.۴. راه حل اول

تاریخ چهل سال اخیر افغانستان، نشان داده‌است، که انحصارگرایی، استبداد و زورگویی نه تنها برای هیچ گروهی نتیجه‌ای نداشته، بلکه موجب شکست و نابودی شده‌است. هیچ قوم، زبان، مذهب یا حزبی قادر به حذف دیگران نیست. تحولات فکری مردم، اراده‌ها، شرایط جهانی، منطقه‌ای و داخلی تغییر

کرده است. چنان‌که شهید مزاری^(ره) می‌گوید: «راه حل حذف، دیگر در افغانستان پایان یافته است.»

از دیدگاه فقه اسلامی، هرگونه تلاش جمعی برای تحقق اتحاد، برابری، برادری، عدالت و برپایی حکومت اسلامی عادلانه، مصداق هم‌کاری در کار خیر است. این نه تنها یک وظیفه انسانی، عقلانی و اسلامی برای هر فرد و گروه مسلمان محسوب می‌شود، بلکه یک تکلیف دینی و فقهی و لازمی ایمان و تقوا است. در مقابل، هرگونه اقدام در راستای دشمنی میان مسلمانان، تفرقه‌افکنی، برتری‌طلبی و انحصار، حرام و برخلاف دستورات صریح اسلام و احکام قرآن کریم است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^۱

این دستور الهی هم شامل افراد می‌شود و هم شامل گروه‌های قومی، مذهبی، زبانی و سیاسی. هرگونه برتری‌طلبی، تحقیر، توهین و تبعیض، در هر سطحی که باشد، به دشمنی و عداوت میان مسلمانان منجر شده و حرام است.

طبق آیات سوره حجرات، هر نوع تعصب، تحقیر، توهین و استهزای دیگران، به دلیل نژاد، قومیت، زبان یا وضعیت اقتصادی، عملی ناپسند و حرام است. قرآن به صراحت اعلام می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۲

براساس این آیات، تحقیر، تمسخر و توهین، موجب ایجاد کینه، نفرت و نفاق در جامعه می‌شود. چنین رفتارهایی ظلم است و ظلم، خود منشأ بحران و فساد خواهد بود. عدالت ایجاب می‌کند که به هویت، شخصیت، نام و حقوق افراد احترام گذاشته شود و هرگونه نگاه منفی و تبعیض‌آمیز نسبت به اقوام،



انجمن شورا

۱. مآلده / ۲.

۲. حجرات / ۱۱.



مذاهب و نژادها، گناه و ظلم تلقی گردد؛ چرا که چنین نگرشی زمینه ساز بحران‌های اجتماعی خواهد شد.

مردم باید در میان خود احترام، محبت، هم‌کاری، برابری و برادری را حفظ کنند، تا بتوانند در فضایی سالم و هم‌دلانه زندگی کنند. قرآن کریم تصریح می‌فرماید، که مسلمانان و مومنان با یکدیگر برابر و برادرند. چنان‌که شهید



مزاری^(۲۴) می‌گوید: «ما می‌خواهیم با همه‌ی اقوام و مذاهب، با برابری و برادری زندگی کنیم؛ چه افغان، چه تاجیک، چه ازبک؛ همه با هم برابر و برادریم و سرنوشت مشترک داریم.»

مستندات سخنان شهید مزاری و عبارات دقیق او را می‌توان در دو کتاب «احیای هویت» و «فریاد عدالت» یافت.

۲.۴. راه‌حل دوم

راه‌حل دوم، از دیدگاه قرآن کریم این است، که در صورتی که بین گروه‌های



انجمن اهل سنت

قومی، مذهبی و سیاسی اختلاف، منازعه یا جنگ به وقوع پیوندد، این وضعیت به عنوان یک بحران شناخته می شود و بزرگان جامعه در اقوام، احزاب و مذاهب باید تلاش کنند، تا این منازعه و جنگ را خاموش کنند و صلح را برقرار نمایند. این وظیفه دینی و فقهی، واجب است. البته صلح باید عادلانه و مطابق با شرع و قسط باشد. قرآن کریم در آیه ۹ سوره حجرات می فرماید: «وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا، فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى، فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي، حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ، فَإِنْ فَاتَتْ، فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا، بِالْعَدْلِ وَأَقْسَطُوا، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ». طبق این آیه، در صورتی که بین گروه های سیاسی، قومی، مذهبی و حزبی اختلاف، منازعه یا جنگ رخ دهد، بر سایر گروه ها، اقوام و بزرگان جامعه واجب است، که بین دو گروه درگیر خیرخواهی کنند و صلح را برقرار سازند، تا منازعه خاتمه یابد و در جامعه صلح و امنیت برقرار شود. اگر یکی از طرفین صلح و برادری را قبول نکند، این تقصیر به حساب می آید و همه گروه ها باید او را مجبور به پذیرش صلح کنند، نه این که با توجه به گرایش های قومی، نژادی، مذهبی یا سیاسی، علیه گروه مظلوم حمله کنند، تا آن را از میان بردارند. هیچ گروهی نمی تواند، گروه قومی، مذهبی یا سیاسی دیگری، را از بین ببرد.

تاریخ چهل ساله ی اخیر، این حقیقت را به خوبی اثبات کرده است. در بیانیه ی پایانی دولت موقت صبغت الله مجددی، که در کتاب «اردو و سیاست» جنرال نبی عظیمی آمده است، ذکر شده است، که اتحاد اسلامی سیاف، به هدایت دشمنان مردم افغانستان، علیه برادران هزاره و شیعه در حزب وحدت اسلامی افغانستان، حمله نظامی کرده اند، وزارت دفاع احمدشاه مسعود، نه تنها میان این دو گروه میانجی گری و صلح نکرده است، بلکه با هدایت کشورهای خارجی، علیه مردم هزاره و حزب وحدت اسلامی افغانستان، وارد جنگ شده است و این خود باعث ادامه ی جنگ در کابل و بحران فراگیر در افغانستان شد.



این عملکرد وزارت به اصطلاح دفاع، بر خلاف دستور قرآن و به هدف فتنه انگیزی صورت گرفته است.

۵. الگوهای تاریخی

مباحث اولیه فقهی، درباره‌ی علل بحران و راه حل‌ها، به همین شکل بود که به صورت تطبیقی، با زبان ساده و مختصر مطرح شد؛ اما از نظر تاریخی، الگوهای فقهی و حکومتی برای حل بحران‌های کلان، در سطح حکومت و سیاست از نظر عامه و اهل سنت روشن است. ابتدا باید به الگوی خلافت اسلامی اشاره کنیم، با تمام انواع آن. سپس الگوی حکومتی امارت اسلامی مطرح می‌شود، که در تاریخ با انواع و اقسام مختلف تجربه شده است. البته مبانی مشروعیت هر کدام از این الگوهای حکومتی متفاوت است که اکنون فرصت بحث و نقد آن نیست. به طور مثال، بحث انتخاب، شورای حل و عقد، استخلاف یا انتصاب و غلبه مطرح است. این‌ها مبانی مشروعیت و الگوی حکومتی اهل سنت است، که با نظر شیعه متفاوت است و البته قابل نقد است، هم از نظر فقهی و کلامی و هم از نظر تجربه‌ی تاریخی و آنچه در تاریخ اسلام اتفاق افتاده است.

۱.۵. الگوی حکومتی اهل سنت

الگوهای خلافت و امارت، از نظر عالمان و فقیهان اهل سنت متفاوت و مورد مناقشه هستند. الگوهایی که در کشورهای اسلامی شرق (اندونزی، مالزی، شبه قاره و...) تجربه و نظریه پردازی شده است، متفاوت از آنچه است، که در مصر، تونس، الجزایر و... مطرح و تجربه می‌شود.

از نظر فقه اسلامی، تاریخی و کلامی، الگوی حکومت نبوی یا نبوت برای همه‌ی مذاهب اسلامی، مشروع و مشترک است؛ اما سایر الگوهای حکومتی متفاوت است. به طور مثال، از نظر فقه و کلام شیعه، الگوی امامت بعد از الگوی نبوت و به جای الگوی خلافت عامه مطرح می‌شود. در این الگو، بعد از



اداره‌های دولتی

پیامبر اکرم (ص)، ولایت بالاصالحه مربوط به امام معصوم (ع) است و آنان اولوالامر واقعی هستند، که در قرآن آمده است. در آیه مبارکه ی: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱ اطاعت اولی الامر همانند اطاعت از خداوند و رسول است و این اطاعت برای غیر معصوم نمی تواند، مطلق و دایمی باشد؛ زیرا ممکن است، خطا کند و اطاعت از او باعث اتلاف مال، جان، عرض و مصلحت اسلام و مسلمانان خواهد شد.

۲.۵. الگوی حکومتی شیعه

از منظر فقه شیعه، الگوی سوم حکومت، نظریه یا الگوی نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است. این الگو خاص دوران غیبت امام معصوم (ع) است و در شرایطی که فقیه عالم، عادل و مبسوط‌الید در جامعه‌ی اسلامی وجود داشته باشد، مشروعیت این الگو، از نظر کلامی و فقهی روشن است. الگوی دیگر نظام سیاسی اسلام از نظر شیعه، در عصر غیبت و عدم وجود فقیه عادل و مبسوط‌الید، نظام سیاسی عدول مومنان است. در این الگو، حاکم مومن و عادل باید حداقل شرایط مشروعیت را داشته باشد و مشروعیت چنین نظامی بر پایه‌ی ایمان و انصاف است، به‌طوری که قوانین اسلامی مبتنی اداره‌ی جامعه قرار گیرد. این نظریه می‌تواند، اصول شکل‌گیری نظام سیاسی عادلانه در افغانستان باشد.

بحث اصلی این است، که برای مردم افغانستان الگوی کامل و جامع ممکن نیست. الگویی که اهل سنت ارایه کرده‌اند، طبق آنچه که در تاریخ بیان شده است، با بحران مشروعیت و مقبولیت مواجه است و نمی‌تواند، مشکلات و بحران جوامع را حل کند. این الگوها اکنون با چهار بحران رویه‌رو هستند و به همین دلیل کارایی نخواهند داشت. به‌عنوان مثال، بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران نفوذ و تأثیرگذاری و بحران توزیع عادلانه



قدرت، فرصت و ثروت ملی. این بحران‌ها واقعیت‌های عینی و واقعی تاریخ کشور ما هستند.

اکنون می‌خواهیم، این بحران‌ها حل شود. الگویی‌هایی که ارایه شده‌اند، عملی نیستند و باعث بحران خواهند شد. پس چه کار باید کرد؟ دقت بفرمایید استادان محترم، از نظر فقهی و کلامی نمی‌توانیم، الگوی آنان را بپذیریم و طبق آن عمل کنیم و آن‌ها نیز الگوی ما را نمی‌پذیرند. پس باید به لحاظ فقهی، یک مبنای مشترک پیدا کنیم که در فقه ما و فقه طرف مقابل مبنای مشترک و قابل قبولی باشد. این الگو باید به گونه‌ای باشد، که نه آن‌ها بتوانند، فرار کنند و نه ما از حق خود محروم بمانیم. باید الگویی پیدا کنیم که بر مبنای فقهی مشترک آن‌ها را ملزم به پذیرش حقوق مشارکت و عدالت و دیدگاه خود کنیم و آنان را به عمل به قوانین اسلامی اعتدالی ملزم سازیم، در حالی که خود ما نیز باید ملتزم باشیم. این مبنای همان چیزی می‌شود، که با هم طراحی خواهیم کرد. چون فرصت نیست، من این مطالب را به‌طور مختصر و تلگرافی بیان کردم و اگر فرصت علمی و فقهی دیگری فراهم شد، مفصل‌تر خواهیم پرداخت. ان شاء الله.

۶. مبانی فقهی راه‌حل‌های بحران سیاسی افغانستان از منظر شهید مزاری^(۵)

شهید مزاری^(۶) عالم دین، فاضل و متعهد بود. قبل از دوران جهاد و در تمام دوران جهاد معروف به «شیخ عبدالعلی مزاری» بود. او به عنوان یک مجاهد عدالت‌خواه و «شهید عدالت» شناخته می‌شود. البته او فیلسوف یا فقیه به معنای سنتی و اصطلاحی نبود، اما با عنایت الهی، دارای فراست و عقل خدادادی بود، تفکر مکتبی، مشی سیاسی اسلامی اصیل، منطقی و روشن داشت، از پیروان صادق و پاینده مکتب فکری و سیاسی امام خمینی^(۷) بود. در صحبت‌ها و مواضع سیاسی خود بسیار منطقی و معقول صحبت می‌کرد. منطقی محکم و اصالت فکر او در عمل و اندیشه‌هایش در افغانستان بر همه نمایان است. او



اداره‌های دولتی

بر اساس تفکر مکتبی و اصیل خود در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها بارها بیان کرد، که «ما خواهان حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی هستیم.» این گفته مبانی فقهی دقیقی دارد، هرچند خودش مبانی فقهی و کلامی آن را بیان نکرد و به زبان و اصطلاحات خاص فقهی صحبت نکرده است، براساس تفکرات اصیل یک مسلمان مکتبی؛ تشکیل حکومت اسلامی باید طبق قوانین الهی باشد و حکومت غیر اسلامی را به معنای پذیرش حاکمیت غیر الهی، غیر مشروع و حرام می‌داند.

شهید مزاری^(۱۵) تاکید می‌کرد، که حکومت باید مردمی باشد، به این معنا که مشورت و بیعت با مردم باید در ساختار حکومتی لحاظ شود. آیه‌ی قرآن «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»^{۱۶} به این مسئله اشاره دارد، که حاکمان، باید با مردم مشورت کنند. همچنین، مفهوم بیعت نیز، در این جا با مشورت عمومی مردم در انتخابات، رای‌گیری عمومی یا رفراندوم مرتبط است و می‌تواند، مشروعیت حکومت را تایید کند.

وی همچنین بر فراگیری حکومت تاکید داشت، یعنی حکومت اسلامی در افغانستان باید نماینده تمام مردم افغانستان باشد. مورد قبول همه اقوام، همه مذاهب و همه پیروان مذاهب باشد. افغانستان دارای اقوام متعدد است، و سرزمین اقلیت‌ها است، ممکن است برخی اقوام نسبت به برخی دیگر اکثریت نسبی داشته باشد ولی هیچ قومی اکثریت مطلق ندارد. افغانستان متعلق با همه، و سرزمین همه اقوام و مذاهب است، حکومت افغانستان نباید تک قومی و تک مذهبی باشد، نباید محدود به قوم، مذهب یا زبان خاصی باشد. مهم‌ترین نکته این است، که حکومت باید عادلانه باشد.

عدالت از نظر شهید مزاری^(۱۷) شرط اصلی مشروعیت و مقبولیت حکومت بود و به همین دلیل، حتی اگر حکومت تمام شرایط دیگر، را داشته باشد، اما عادلانه نباشد، نمی‌تواند، مشروع باشد. قوانین عادلانه، باید مبنای حکومت



اسلامی باشد؛ زیرا قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۱ اگر قانونی عادلانه نباشد، آن قانون اسلامی نیست و مخالفت با آن حتی واجب است.

در نهایت، برای کشورهایی مانند افغانستان که با بحران‌های مختلف روبه‌رو هستند، باید الگویی مشروع و ترکیبی (شیعه و سنی) برای حل بحران‌ها و تحقق عدالت ارایه شود. این الگو باید بر مبانی فقهی مشترک بین شیعه و سنی استوار باشد تا بتواند به حل مشکلات موجود کمک کند.

این زمان فرصتی مناسب برای نخبگان علمی و دینی ما است. اکنون وقت فعالیت‌های تنویریک و نظری است. در تاریخ اسلام، در فاصله‌ی سلطه‌ی بنی امیه و بنی عباس، امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) به کار علمی و نظری پرداخته و پایه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی جامعه اسلامی را بنا نهاده و مستحکم کردند. در این دوران، مذاهب اربعه‌ی اهل سنت، شکل گرفت و سران این مذاهب همگی شاگردان امام جعفر صادق^(ع) بودند. بنابراین،

الگوی حکومتی اسلامی عادلانه در افغانستان، می‌تواند بر چهار اصل یا قاعده‌ی فقهی استوار باشد.

۱.۶. قاعده اول؛ اصل عدالت

اولین قاعده، قاعده‌ی فقهی عدالت است. در قرآن کریم آیات متعددی مانند «قائم بالقسط»^۲ و «أَقِمْوا الْقِسْطَ»^۳ داریم و روایت‌های زیادی نیز، در سنت نبوی و امامت ما وجود دارد. طبق این قاعده فقهی، تمامی روابط اجتماعی انسان‌ها باید بر مبنای عدالت باشد وگرنه به ظلم منتهی و منجر می‌شود. ظلم همیشه مورد تنفر و انکار عقل و فطرت انسانی است؛ زیرا عدالت یکی از اصول اخلاقی، فلسفی، حقوقی و تربیتی بشر است که نه تنها دینی است، بلکه حتی مشرک و کافر نیز، آن را قبول دارند و بر عادلانه بودن روابط اجتماعی و

۱. نحل / ۹۰.

۲. آل عمران / ۱۸.

۳. الرحمن / ۹.

قانون تأکید می‌کنند. اگر حکومت‌ها از عدالت فاصله بگیرند، این امر موجب ظلم خواهد شد. هنگامی که حکومتی به ظلم متصف شود، سه پیامد فقهی دارد: ۱. مشروعیت حکومت از بین می‌رود؛ ۲. حقانیت طرف مقابل اثبات می‌شود؛ ۳. لزوم اقدام برای تغییر نظام سیاسی و حاکم ظالم ثابت می‌شود. از این منظر، مقاومت شهید مزاری^(ره) و جنبش عدالت‌خواهی مردم هزاره و شیعه نیز، بعد فقهی و مشروع پیدا می‌کند.

۲.۶. قاعده دوم؛ اصل شورا

اصل شورا و مشورت است، که هم ما و هم برادران اهل سنت آن را می‌پذیریم. براساس این اصل، پیش‌نویس قانون اساسی اداره ربانی - مسعود مشروع نبود؛ زیرا مورد تأیید شورای حل و عقد و شورای احزاب جهادی قرار نگرفت و لویه جرگه اقوام و احزاب نیز، برگزار نشد. احزاب بزرگ مثل؛ حزب وحدت اسلامی، جنبش ملی اسلامی شمال و حزب اسلامی حکمتیار و مجددی و... پیش‌نویس شورای نظار و جمعیت اسلامی ربانی و هم‌چنین سلطه نظامی ربانی و مسعود را قبول نداشتند. احزاب مذکور نماینده اکثریت اقوام هزاره، ازبک و افغان بودند. بعد از طرح این پیش‌نویس، نمایندگان این سه قوم تشکیلاتی را به نام «شورای عالی هماهنگی» به وجود آوردند، که مبتکر اصلی این طرح شهید مزاری^(ره) بود.

نویسندگان این پیش‌نویس اخوانی‌های جمعیتی تابع شورای نظار، و تاجیک تبار بودند، قصد داشتند طبق تجربه تاریخی قبلی خود، از راه غلبه نظامی بر افغانستان سلطه پیدا کنند، اما موفق نشد؛ زیرا حتی در شهر کابل هم مشروعیت، قدرت نظامی و سلطه سیاسی نداشت، چه برسد به کل افغانستان. از نظر تاریخی، این تجربه در واقع تکرار سلطه نظامی «سقوی‌ها» بر شهر کابل و عملکرد او بود. پیش‌نویس قانون اساسی مسعود و ربانی بدترین و



متعصب‌ترین پیش‌نویس تاریخ افغانستان بود، حتی بدتر از قانون اساسی کمونیست‌ها.

در این پیش‌نویس تنها مذهب رسمی حنفی بود، و شرایط اصلی ریاست قوا و وزارت خانه‌ها نیز داشتن مذهب حنفی بود، ادیان غیر اسلام آزاد و به رسمیت شناخته شده بود، اما مذاهب اسلامی نه. البته تجربه اخوانیزم در سایر کشورها و حتی کشور مصر نیز چیزی جز انحصار و استبداد نبود. به همین دلیل اخوانی‌ها در طول هفتاد سال هرگز و هیچ‌جا موفق نشدند نظام سیاسی مشروع و کارآمدی را تشکیل دهند. تجربه چندسال قبل اخوانی‌ها در مصر پیش روی همه اندیشمندان و علمای معاصر جهان است. نقد اصلی این پیش‌نویس، در سخنرانی شهید مزاری در دانشگاه کابل به قوت و استحکام و تفصیل بیان شده. به آندو کتاب مربوط به شهید مزاری مراجعه کنید.

ناگفته نماند که مشروعیت غلبه (الحکم لمن غلب) نیز از نظر کلامی و فقهی دارای نقد و اشکال‌های متعدد است. از نظر عقلی و فقهی و کلامی و اخلاقی چطور می‌توان سلطه نظامی یک گروه را بر مردم مسلمان جامعه اسلامی مشروع حساب کرد؟ اگر چنین چیزی مشروع باشد، سلطه دزدان و قطاع‌الطریق و باغیان و باغیان هم مشروع می‌شود. منطبق قدرت و شمشیر هیچ وقت نمی‌تواند مبنای مشروعیت عقلانی و شرعی حکومت باشد.

در بخشی از آن «افشار نامه هویت» (دانشنامه هزاره) آمده که: «منطقه افشار در نتیجه جنگ بین دولت اسلامی مجاهدین و حزب وحدت اسلامی تخریب شد». نویسندگان این متن متوجه ادبیات علمی و فقهی و بار حقوقی آن‌ها نیستند. برای آنان مشکل است، بار معنایی اصطلاحات فنی، حقوقی و سیاسی و پیامدهای مختلف آن‌ها را درک کنند. وقتی چند شاعر و داستان‌سرای معلوم الحال و پروژه‌ای بخواهند «دانشنامه» بنویسند و به صورت سفارشی و پروژه‌ای ویرایش کنند، همین می‌شود؛ به عنوان نمونه.

برای اینگونه افراد درک معنای تخصصی و علمی واژه‌ها و کاربرد آن‌ها از



انجمن اهل سنت

منظر علم حقوق، سیاست و فقه و اصطلاحات علمی دولت، دولت اسلامی، شهادت، کشته شدن، جنگ و جهاد کار آسان نیست. این که از نظر حقوقی و سیاسی و قانونی ارکان دولت و حکومت چیست، مشروعیت حقوقی و فقهی و الزامات و التزامات یک دولت و به خصوص دولت اسلامی و جنگ با دولت به اصطلاح اسلامی مجاهدین برای شهروندان چیست، ان شاء الله که با اینهمه قصور و تقصیر در پیشگاه وجدان خود، خون شهدا و حقیقت معذور باشند. مع الاسف مفاهیم فنی و تخصصی علوم مختلف در متن های آشفته مذکور بدون معیار زیاد بکار رفته، که در این جلسه فرصت بررسی و نقد نیست، با این وجود مشکلات دیگر «پروژه دانش نامه» بسیار است، نقدهای زیادی هم صورت گرفته، یک نمونه اش اولین جلسه نقد علمی و تخصصی در همین مکان بود و مع الاسف محتوای جلسه مذکور تا هنوز منتشر نشده.

به هر حال، قاعده دوم، در مشروعیت و الگوی حکومتی پیشنهادی ما، قاعده/ اصل شورا و مشورت است، که از آیه مبارکه ی «و شاورهم فی الامر، و امرهم شورا بینهم» استفاده می شود.

شورا مبنای فقهی مهم و اصلی نظریه خلافت است. ما هم در فقه سیاسی خودمان این بحث را داریم. در آیه «و شاورهم فی الامر، مخاطب حکومت و حاکم است. امرات و مردم چیست؟ این یک بحث فلسفی و حقوقی می خواهد. «شاورهم» حکم وجودی دارد. و «امرهم شوری بینهم» یعنی چی؟ یعنی اخلاق و رویه موئین این است که امورشان با مشورت است و اگر مشورت نباشد، اشکال فقهی و شرعی وارد می شود.

چه کسی می تواند حکومت تشکیل بدهد، با هیچ اعتنایی به بخش شورا، مشورت با مردم و نخبگان مردم؟ آیا این رویه مطابق اسلام و عدالت است؟

۳.۶. قاعده سوم: اصل معاهده

در فقه اسلامی یکی از مهمترین اصول؛ اصل یا قاعده معاهده و قرارداد است. در یک جامعه دارای تنوع و تعدد مذهبی وقتی الگوی تئوریک یکی



از مذاهب و یا هردو طرف در باره حکومت عملی نمی‌شود، باید پیروان و نخبگان هردو مذهب به اصول مشترکی به تفاهم برسند، ساختار نظام سیاسی و حکومت مورد قبول خود را طبق دیدگاه مشترک و با توافق تفاهم و معاهده اطراف مختلف ایجاد کنند. در ادبیات سیاسی و حقوقی، از مفهوم تفاهم، نظریه عقد و قرارداد اجتماعی به وجود می‌آید. در فقه، در مواردی که نصوص وجود ندارد، مؤمنین می‌توانند در مواردی از زندگی اجتماعی و سیاسی خود باهم قرارداد ببندند، و طبق قرارداد و توافق خود عمل کنند، و اگر توافق و معاهده و قراردادی ایجاد شد، پس از آن باید به معاهده و قرارداد خود پایبند باشند. این اصل در آیه «أوفوا بالعقود»^۱ آمده است.

۴.۶. قاعده چهارم؛ اصل مصلحت

چهارمین اصل، اصل مصلحت است. تمامی احکام و مصالح باید تابع مصلحت واقعی یا ظاهری باشند. اگر در جامعه‌ای بحران وجود دارد و هیچ‌کس، دیگری را قبول ندارد، مصلحت در این است، که از جنگ و منازعه جلوگیری شود و نخبگان در پایان، باید اشاره کرد که برخی افراد از روی حسادت، عناد و جهالت گفته‌اند که؛ شهید مزاری^(ره) برای کسب قدرت و مقام جنگید، در آخر به چوکی کلیدی و قدرت هم نرسید. این حرف‌ها از روی حسادت، جهالت و عناد نسبت به مردم ما و محبوبیت شهید مزاری^(ره) بود و هنوز هم این‌گونه موضع گیری‌ها نسبت به مردم و نخبگان و بزرگان مردم ما ادامه دارد. چنین حرف‌های شایسته توجه و جواب نیست. با این وجود، واقعیت اما این است که شهید مزاری^(ره) برای خود چیزی نمی‌خواست، در یک مصاحبه تاکید می‌کند که در زندگی خود هدف شخصی و درخواست مقام برای خود ندارد، پیشنهاد هیچ پست دولتی را نمی‌پذیرد، اما همیشه از مطالبه



در روزگار عدالت

حقوق مردم خود و موضع دفاع از مردم خود سخن گفته و در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود این مطلب را تأکید کرده است.

طبق تاریخ جهاد در اولین حکومت موقت یا حکومت عبوری مجاهدین که در پیشاور پاکستان تشکیل شده بود؛ مردم ما هیچ جایگاهی نداشت؛ احزاب جهادی مردم هزاره و حزب وحدت اسلامی اصلاً شریک حکومت مجاهدین نبود. این حقیقت در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های شهید مزاری بیان شده است. صبغت الله مجددی نیز در اعلامیه پایانی دولت خود این مشکل را به وضوح بیان کرده است. به کتاب اردو و سیاست نبی عظیمی مراجعه کنید.

تاریخ مقاومت غرب کابل نشان می‌دهد که دیگران قصد داشتند مردم ما را حذف کنند، مانع حضور قدرتمند مردم هزاره و حزب وحدت اسلامی در کابل شوند. در این راستا دولت انحصار قومی و مذهبی تشکیل دادند، که نمونه بارز آن را در ساختار و تشکیل دولت موقت مجاهدین و دولت ربانی با نویس قانون اساسی ربانی به وضوح مشاهده می‌کنیم.

شهید مزاری^(ره) بارها گفته بود که خواسته‌های او در کشور سه مورد است: رسمیت مذهب جعفری، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کشور، و تعدیل نظام اداری ظالمانه گذشته. این خواستها از طرف بسیاری مورد قبول نبود، لذا مانع قدرت، عظمت و حضور مردم ما در صحنه سیاست و قدرت و اجتماع افغانستان بودند.

از نظر فقه و کلام شیعه، اگر شیعه بخواهد در یک حکومت / دولت شرکت کند، باید مشارکت او مبنا و توجیه مقبولیت مردمی، استدلال منطقی و شرعی داشته باشد، وگرنه شرکت بدون ملاک و موثر حرام است. برای نمونه، لااقل باید یکی از وزارتخانه‌های حاکمیتی که در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور تأثیرگذار هستند، در اختیار شیعه باشد، تا مصالح مردم و مذهب شیعه را تأمین کند و یا ضررهای احتمالی را از آنان دفع نماید. در منابع روایی ما این حدیث



آمده که، «كَفَّارَةُ عَمَلِ السُّلْطَانِ قَضَاءُ حَوَائِجِ الْإِخْوَانِ»^۱ جبران شرکت نخبگان شیعه در حکومت و فلسفه حضور در سلطنت این است که حضورشان برای مؤمنین مفید باشد. یعنی باید وزارت‌های در اختیار شیعه باشد که در اداره امور کشور نقش تعیین کننده و مؤثر دارند. در این صورت است که حضور شیعه در حکومت مشروع است. اگر شیعه و هزاره حضور مؤثر در تصمیمات حاکمیتی و وزارت خانه های تصمیم گیرنده و کلیدی نداشته باشد، خوف آن می‌رود که از نظر فقهی حضور نخبگان شیعه در دولت مخالف مصداق و عنوان «اعوان ظلمه» و یا «عمله ظلمه» پیدا کند.

از نظر فنی و علم سیاست و حقوق، وزارت‌های مثل «وزارت داخله، خارجه، امنیت، دفاع، و مالیه» ماهیت حاکمیتی (وزارت کلیدی) و تصمیم گیرنده دارند، بقیه وزارت خانه‌ها ماهیت خدماتی و تخصصی دارند. مع الاسف این مباحث به‌طور خلاصه بیان شد و برای بحث‌های بیشتر به فرصت‌های دیگری نیاز است.

۱. صدوقی، محمد بن حسن، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۸.



۴ علل اساسی بحران سیاسی افغانستان از منظر شهید مزاری (ره)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی جويا

بسم الله الرحمن الرحيم

با کسب اجازه از محضر اساتید و حضار گرامی. دقایقی مختصری را درباره‌ی موضوعی که به بنده واگذار شده است، مطالبی را خدمت شما ارایه می‌کنم و امیدوارم این مطالب مفید واقع شود.

هرچند موضوع «علل اساسی بحران سیاسی در افغانستان» بسیار گسترده است و می‌توان ساعت‌ها پیرامون آن سخن گفت، چنان‌که در این سال‌ها، بیش از بیست و نه سال، بحث‌های متعددی در این زمینه صورت گرفته است، اما امیدوارم مطالبی که عرض می‌کنم، حداقل برای بخشی از مخاطبان تازگی داشته باشد.

وقتی از بحران سیاسی صحبت می‌کنیم، ابتدا لازم است مراد خود را از دو



بنیاد اندیشه
مهر ۱۳۹۱



واژه‌ی «بحران» و «بحران سیاسی» روشن کنیم. بحران دقیقاً به چه معناست؟

بحران به معنای
خروج وضعیت از حالت
عادی و نرمال است. به گونه‌ای
که فشارها فزاینده می‌شوند
و تصورات متعارف دچار
فروپاشی می‌گردند. مهم‌ترین
نشانه‌ی بحران این است، که
یا فروپاشی تصورات، قدرت
پیش‌بینی از ما سلب می‌شود
و ما توانایی پیش‌بینی وضعیت
آینده را از دست می‌دهیم.
سیاست یا به معنای علم
تدبیر کشور است. یا هنر
تدبیر کشور. بر این اساس،
بحران سیاسی به معنای بحران
در پیش‌فرض‌ها، ابزارها، و
اصول صحیح اداره‌ی کشور
است. اگر مدیریت کشور با
وضعیتی مواجه شود، که در
آن پیش‌فرض‌ها فروبریزد،
تصورات درهم بشکند، قدرت
پیش‌بینی از بین برود و توانایی
مدیریت کشور از دست برود،
در این صورت با بحران سیاسی
مواجه هستیم.

بحران واژه‌ای است که در اصل به علم مدیریت
تعلق دارد و به وضعیتی اشاره می‌کند، که در
آن، روند متعارف و عادی امور مختل شده و به
مرحله‌ای خطرناک می‌رسد. در چنین وضعیتی،
فشارها افزایش می‌یابند و تصورات ابتدایی ما از
مدیریت یک امر، درهم می‌شکند.

بحران به معنای خروج وضعیت از حالت عادی و
نرمال است؛ به گونه‌ای که فشارها فزاینده می‌شوند
و تصورات متعارف دچار فروپاشی می‌گردند.
مهم‌ترین نشانه‌ی بحران این است، که با فروپاشی
تصورات، قدرت پیش‌بینی از ما سلب می‌شود
و ما توانایی پیش‌بینی وضعیت آینده را از دست
می‌دهیم. به این وضعیت، «وضعیت بحرانی»
گفته می‌شود. اگر این واژه را با واژه‌ی «سیاسی»
ترکیب کنیم و به عبارت «بحران سیاسی» می‌رسیم.
باید پیشاپیش توضیح دهیم که مراد ما از واژه‌ی
«سیاست» چیست؟

سیاست یا به معنای علم تدبیر کشور است، یا هنر
تدبیر کشور. بر این اساس، بحران سیاسی به معنای
بحران در پیش‌فرض‌ها، ابزارها و اصول صحیح
اداره‌ی کشور است. اگر مدیریت کشور با وضعیتی
مواجه شود که در آن پیش‌فرض‌ها فروبریزد،
تصورات درهم بشکند، قدرت پیش‌بینی از بین

برود و توانایی مدیریت کشور از دست برود، در این صورت با بحران سیاسی مواجه هستیم.

سؤالی که در گام نخست مطرح می‌شود این است: آیا افغانستان در گذشته با بحران سیاسی مواجه بوده‌است یا خیر؟ آیا اکنون با بحران سیاسی مواجه هستیم یا نه؟ اگر بحران وجود داشته، دلایل آن چه بوده‌است؟ آیا رهبر شهید این بحران را تشخیص داده بود؟ اگر تشخیص داده بود، آیا برای آن راه‌حلی ارایه کرده بود یا خیر؟ این موارد در واقع محورهای هستند، که قصد دارم محضر شما توضیح دهم. ادعای ما این است که سیاست در افغانستان، هم در گذشته و هم در حال حاضر با بحران مواجه بوده‌است. این بحران دارای لایه‌های مختلفی است که در این جا، قصد ندارم به تمام این لایه‌ها اشاره کنم.

در گام نخست، می‌خواهم به لایه‌ی تئوریک و نظری بحران اشاره کنم. وقتی می‌گوییم: افغانستان در گذشته با بحران مواجه بوده، منظور از گذشته، از زمان تأسیس این کشور است. از قرن دهم به بعد، این سرزمین، به این نام یا نام‌های دیگر، جسته و گریخته وجود داشته‌است.

این کشور در مدیریت سیاسی خود همواره با بحران مواجه بوده‌است. مهم‌ترین عامل این بحران، بحران تئوریک و نظری است که در دو

آیا افغانستان در

گذشته با بحران سیاسی مواجه بوده‌است یا خیر؟ آیا اکنون با بحران سیاسی مواجه هستیم یا نه؟ اگر بحران وجود داشته، دلایل آن چه بوده‌است؟ آیا رهبر شهید این بحران را تشخیص داده بود؟ اگر تشخیص داده بود، آیا برای آن راه‌حلی ارایه کرده بود یا خیر؟

سطح قابل بررسی است: سطح کلان و سطح خرد.

در سطح کلان، افغانستان در منطقه‌ای قرار گرفته است که متعلق به زیست‌بومی است که از قرن نوزدهم تا کنون به لحاظ تئوریک و نظری، با بحران سیاسی



اداره امور داخلات



دست و پنجه نرم کرده‌است. علت این ادعا را می‌توان در تاریخ فقه اسلامی که افغانستان بخشی از این زیست بوم فرهنگی است، جست‌وجو کرد. به ویژه در جهان اهل سنت، تقریباً تا قرن ششم هجری، اندیشمندان اسلامی نتوانستند، نظریه‌ی سیاسی خلق کنند.



فقدان نظریه‌ی سیاسی به معنای آن است، که در این دوره، تأمل و تفکر جدی درباره‌ی امر سیاسی صورت نگرفته و در نتیجه، هیچ نظریه‌ای

برای مدیریت سیاسی تولید نشده‌است. از قرن ششم هجری به بعد، دو نظریه‌ی سیاسی در فقه اسلامی پدید آمد که هر دو حول یک محور اساسی قابل تفسیر هستند: تمرکز قدرت و مدیریت جامعه با اعمال فشار و زور.

این نظریات سیاسی که توسط اندیشمندانی مانند ابویعلی فراهی و دیگران مطرح شد، در واقع چیزی جز نظریه‌ی سرکوب نبودند. این نظریات اساساً بر استفاده از قدرت قهریه برای اداره‌ی جامعه تأکید داشتند؛ از این رو، نمی‌توان آن‌ها را به عنوان نظریاتی مبتنی بر عدالت، مشارکت یا تدبیر سیاسی مبتنی بر رضایت عمومی تلقی کرد.

در فقه سیاسی که در قرن ششم هجری قمری به وجود آمد، سه دیدگاه و نظریه‌ی اصلی شکل گرفت که می‌توان آن‌ها را شاخه‌های نظری مهمی دانست.

۱. محمد بن حسین بن محمد بن خلف بن احمد (۳۸۰ - ۴۵۸ ق)، معروف به ابن فراهی یا ابویعلی فراهی، فقیه و مفتی بزرگ جنلی بغداد، در دوره‌ی خلافت قاهر (۳۸۱ - ۴۲۲ ق) و خلافت قایم (۴۲۲ - ۴۶۷) بوده‌است. حدود ۴۰ اثر، به او منسوب است، که مهم‌ترین آثار وی «الأحكام السلطانية» است. (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷).

هرچند شاید این سه رویکرد و دیدگاه‌ها را نتوان به معنای دقیق کلمه، نظریه نامید، اما می‌توان گفت: این سه رویکرد، چارچوب‌هایی برای مدیریت جامعه ارایه می‌دهند که وجه مشترک همه‌ی آن‌ها تأکید بر کنترل جامعه، از طریق زور و قدرت است.

۱. رویکردهای فقه سیاسی به مدیریت جامعه

۱.۱. نظریه تغلب

نخستین نظریه، نظریه «الحق لمن غلب» است. این نظریه، از قدیمی‌ترین دیدگاه‌های سیاسی در فقه اسلامی محسوب می‌شود. مستند اصلی این دیدگاه به داستانی درباره‌ی عبدالله بن عمر باز می‌گردد. روایت شده‌است که عبدالله بن عمر، پشت سر مروان بن حکم نماز خواند و اظهار داشت: «الحق لمن غلب» (حق با کسی است که غلبه کند). البته در این‌که این سخن دقیقاً به مروان بن حکم نسبت داده می‌شود یا فرد دیگری، تردیدهایی وجود دارد. براساس این نظریه، اگر حاکمی با توسل به زور، قدرت و سرکوب توانست، حکومت منتخب را سرنگون کرده و قدرت را به دست گیرد، حکومت او مشروعیت خواهد داشت. در واقع، این دیدگاه قدرت و مشروعیت را صرفاً به غلبه و سیطره بر دیگران منوط می‌داند.

این نظریه، مفاهیمی را پیرامون خود شکل داده‌است، که مستندات قرآنی، روایی و تاریخی برای آن جست‌وجو شده‌است. یکی از مفاهیم کلیدی و محوری مرتبط با این دیدگاه، «وجوب اطاعت» است. وجوب اطاعت، از همان ابتدا تا کنون، ابزاری در خدمت نظریه‌ی غلبه بوده‌است. این مفهوم بر لزوم اطاعت از حاکم و فرمان‌روا تأکید دارد. حتی در صورتی که حکومت او مبتنی بر زور و سرکوب باشد و به‌عنوان وسیله و ابزاری برای توجیه مشروعیت چنین حکومتی به‌کار گرفته شده‌است.



انجمن‌های تخصصی



این نظریه، بر این باور است، که هر حرکت اعتراضی علیه حاکمی که به زور، قدرت را به دست آورده است، به عنوان «بغی» و «مخالفت با اولی الامر» محسوب شده و سرکوب می شود. در طول تاریخ، این دیدگاه هرگونه اعتراضی را نامشروع دانسته و ابزار توجیه سرکوب مخالفان بوده است.

۲.۱. نظریه بیعت

این نظریه، که نسبت به نظریه «تغلب» نرم تر و ملایم تر به نظر می رسد، از نظر بنیادین با آن مشترک است. نظریه ی بیعت بیان می کند که اگر مردم با شخصی بیعت کنند، صرف نظر از این که این بیعت، با اختیار باشد یا با زور و اجبار، آن فرد حاکم مشروع محسوب می شود. بر این اساس، وجوب اطاعت، وجوب نصرت و وجوب متابعت از چنین حاکمی الزامی می شود.

در تاریخ، نمونه های متعددی از حاکمانی وجود دارند، که به زور از مردم بیعت گرفتند و سپس با استناد به این بیعت اجباری، ادعای مشروعیت کردند. با این حال، نتیجه نهایی نظریه ی بیعت، چیزی جز حکومت فردی نبوده است. در این نظریه، هیچ سازوکاری برای مشارکت مردم، حفظ حقوق شهروندی یا توجه به نظر و رأی آنان پیش بینی نشده است. این کمبودها نه تنها در گذشته، که تا امروز در این دیدگاه وجود دارند و اصلاح نشده اند.

۳.۱. نظریه اهل حل و عقد

این دیدگاه که نسبت به دو نظریه پیشین، ملایم تر به نظر می رسد، به ایده انتخاب و مشورت متکی است. براساس این نظریه، گروهی از افراد که به عنوان «اهل حل و عقد» شناخته می شوند، در انتخاب حاکم نقش دارند. این نظریه، تا حدی به مشارکت و دخالت نظر محدود و عده ای خاص اشاره دارد؛ اما با وجود این ویژگی ها، نظریه ی اهل حل و عقد نیز، در نهایت به استبداد منجر می شود. دلیل نخست این است، که در این نظریه، دایره ی تصمیم گیری



اداره‌های دولتی

علی لاسی بحران سیاسی افغانستان از منظر شهید مروری (د)

به عده‌ی معدودی محدود شده است و عملاً مشارکت گسترده‌ی مردم از بین می‌رود. دلیل دوم، ابهام در تعریف «اهل حل و عقد» است؛ زیرا مشخص نیست، که این گروه نماینده یک شهر، دو شهر یا همه‌ی مردم یک سرزمین هستند. علاوه بر این، پس از انتخاب حاکم توسط اهل حل و عقد، نه نظارتی بر عمل‌کرد او وجود داشت، نه امکان عزل او پیش‌بینی شده بود و نه مخالفت با تصمیمات او جایگاهی در این نظریه داشت. این خلأ نظارتی، در نهایت، به پیدایش حاکمان و فرمان‌روایانی مستبد منجر می‌شد، که هیچ‌گونه پاسخ‌گویی در برابر مردم نداشتند.

محصول و نتیجه‌ی این سه رویکرد و نظریه (نظریه‌ی تغلب، بیعت و اهل حل و عقد)، عمدتاً تا قرن هجدهم بحران‌زا نبود؛ چرا که در آن زمان، تقریباً همه‌ی کشورهای دنیا و جهان، بر مدار حکومت‌های استبدادی و مطلقه می‌چرخید و اداره می‌شد. حاکمان و فرمان‌روایان، در سراسر

جهان قدرت مطلق داشتند و این دیدگاه‌ها با نظم جهانی آن دوران تطابق داشت.



۲. تحولات قرن هجدهم و آغاز بحران

اما از قرن هجدهم به بعد، با وقوع انقلاب‌های متعدد در جهان و تدوین اعلامیه‌های حقوق بشر و شهروندی، برای این نظریات بحران آغاز شد.



دلیل این بحران، ناتوانی این نظریات در کنترل جامعه‌ای بود، که به آگاهی و خودباوری نسبت به حق تعیین سرنوشت دست یافته بود.

مفاهیمی چون «حق تعیین سرنوشت» که در اعلامیه‌ی استقلال ایالات متحده آمریکا و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مطرح شد و بعدها در اعلامیه‌های حقوق بشر، پس از سال ۱۹۶۰ و در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شد، خواسته‌های جدیدی را در جوامع ایجاد کرد. این تغییرات، اولین بار در قرن نوزدهم بحران بزرگی را برای امپراتوری عثمانی ایجاد کرد. این بحران به حدی جدی بود، که سلطان عثمانی ناچار شد فرمان معروف «دست‌خط شریف گل‌خانه»^۱ را صادر کند و آزادی‌های محدودی را برای شهروندان به رسمیت بشناسد. حتی با این اصلاحات، امپراتوری عثمانی نتوانست، روند آزادی‌خواهی را کنترل کند؛ چرا که جامعه به سرعت به سمت پذیرش حقوق فردی و اجتماعی گسترده‌تر پیش می‌رفت.

۳. ظهور دولت - ملت و بحران‌های ناشی از آن در دنیای اسلام

تحولات، تغییرات و اصلاحات قرن نوزدهم میلادی، به‌اضمحلال و نابودی امپراتوری عثمانی منجر شد. از درون این فروپاشی، پدیده‌ای جدید و نابالغی به نام «دولت - ملت» پدید آمد. این مفهوم، که پیش‌تر در دنیای اسلام وجود نداشت، عامل بحران‌های جدیدی شد که هم‌چنان ادامه دارد.

۱.۳. دولت - ملت در مقابل امت واحد

در نظام پیشین اسلامی، مفهوم امت - دولت حاکم بود. بر اساس این نظام: - دارالاسلام به‌عنوان یک واحد جغرافیایی بزرگ و بدون مرزهای داخلی تعریف می‌شد.

۱. از طرف حلقای عثمانی، دستورالعمل‌های بزرگ اصلاحی، طی سه دست‌خط، در خصوص انجام اصلاحات جدید در جامعه‌ی عثمانی، صادر شد. اولین دستورالعمل، معروف به «دست‌خط شریف گل‌خانه» در سال ۱۸۳۹ م، صادر شد. یک‌سال بعد فرمان دیگری به نام «دست‌خط همایونی» و پنج‌سال بعد، فرمان سوم، تحت عنوان «دست‌خط همایونی ثانی» صادر و ابلاغ گردید.



ایران اسلامی

- اختلاف زبان‌ها، اقوام، مناطق جغرافیایی و فرهنگ‌ها اهمیت چندانی نداشتند؛ چرا که اصل بر وحدت امت اسلامی بود.

با شکل‌گیری مفهوم دولت - ملت که نخست توسط «ترک‌های جوان» در ترکیه عثمانی مطرح شد، مرزهای جغرافیایی در درون دارالاسلام به وجود آمد. این تغییر، تمامی نظریات پیشین مبتنی بر قدرت و تغلب (الحق لمن غلب، نظریه بیعت و اهل حل و عقد) را به چالش کشید و ناکارآمدی آن‌ها را آشکار ساخت.

۲.۳. بحران نظریه سیاسی در دنیای اسلام

از قرن هجدهم به بعد، جهان اسلام در دو جبهه، با بحران نظریه‌ی سیاسی مواجه شد:

- عدم توانایی در سازگاری نظریات سنتی با دولت - ملت: نظریات قدیمی سیاسی اسلام که براساس مفهوم امت واحده طراحی شده بودند، قادر نبودند با پدیده جدید دولت - ملت تطبیق یابند.
- فقدان تولید نظریه‌ی سازگار با دولت - ملت: دنیای اسلام موفق نشد نظریه‌ی سازگار و قابل قبولی را برای مدیریت دولت - ملت ارائه دهد. این فقدان و ناتوانی باعث شد، که نظریات اسلامی در عرصه‌ی مدیریت سیاسی و حکمرانی در رقابت با نظریات مدرن غربی ناتوان بمانند.

۳.۳. چالش‌های نظری و فکری

در همین دوران، متفکرانی چون: علی عبدالرازق دیدگاه‌هایی را ارائه دادند که بحران را تشدید کردند. او ادعا کرد که اساساً

عبدالرازق معتقد

بود: اسلام نیازی به دولت ندارد و این دیدگاه باعث شد، که جریان‌های فکری در دنیای اسلام به جای تلاش برای تولید نظریه‌های سازگار با اسلام و مدرنیته، بیش‌تر دچار انسداد نظری شوند.



مفهومی به نام دولت اسلامی در اسلام وجود ندارد. این دیدگاه نه تنها نظریات مستقیمی را زیر سؤال برد، بلکه تحولات نظریه پردازی جدید در جهان اسلام را نیز آشکار ساخت. وی در کتاب معروف «الإسلام و أصول الحکم» اساساً وجود «دولت اسلامی» را زیر سؤال برد و به جای ارایه راه‌حلی برای هماهنگی میان نظریه‌ی سیاسی اسلامی و الزامات دنیای مدرن، صورت مسئله را پاک کرد.

عبدالرازق معتقد بود: اسلام نیازی به دولت ندارد و این دیدگاه باعث شد که جریان‌های فکری در دنیای اسلام به جای تلاش برای تولید نظریه‌های سازگار با اسلام و مدرنیته، بیش‌تر دچار انسداد نظری شوند.



۴.۳. تلاش‌های ناکام برای نظریه‌پردازی جدید

پس از عبدالرازق، چندین نظریه‌ی سیاسی سر و پا شکسته شکل گرفت که تلاش داشتند، این بحران را رفع کنند. یکی از این تلاش‌ها، «نظریه جمهوری اسلامی» بود، که در دو قرائت متفاوت ارایه شد:

- قرائت شیعی: این نظریه، که در ایران به اجرا درآمد و براساس مفهوم «ولایت فقیه» شکل گرفت و تلاش کرد که اراده‌ی مردم و اصول اسلامی را در یک نظام واحد تلفیق کند.



ایران و اصول حکومت

- قرائت سنی: در کشورهای مختلف مانند مصر، پاکستان و سوریه، جمهوری اسلامی، به معنای ترکیب اراده‌ی مردم و شریعت به کار گرفته شد. برای مثال، در قانون اساسی این کشورها آمده است که شریعت یکی از منابع اصلی قانون‌گذاری است، اما اراده‌ی مردم نیز، نقشی محوری دارد. با وجود این تلاش‌ها، این نظریه‌ها نتوانستند، بحران را حل کنند و در عمل، تضاد میان شریعت و اصول حکمرانی مدرن همچنان باقی ماند.

۴. افغانستان و بحران نظریه‌ی سیاسی

پس از شکست شوروی، افغانستان برای اولین بار به‌طور جدی با این بحران نظریه سیاسی روبه‌رو شد. سؤال اصلی این بود که دولت مجاهدان باید چه نوع دولتی باشد؟

نتیجه‌ی این بحث‌ها، ظهور «دولت اسلامی افغانستان» بود. این دولت در ابتدا به ریاست «صبغت‌الله مجددی» و بعدها به ریاست «برهان‌الدین ربانی» شکل گرفت.

اما ساختار این دولت دچار تناقض‌های بنیادی بود:

- نه به‌عنوان «خلافت اسلامی» تعریف شد.

- نه به‌عنوان «امارت اسلامی» عمل کرد.

- و نه توانست، مفهومی سازگار با دولت - ملت باشد.

این بحران نظریه‌ی سیاسی، که در آن دنیای اسلام نتوانست، مدل حکومتی منطبق با الزامات مدرن و اصول اسلامی ارایه دهد، هم‌چنان یکی از چالش‌های اصلی در کشورهای اسلامی است. کشور افغانستان، به‌عنوان بخشی از این جهان، نمونه‌ای روشن از این تناقض‌ها و بحران‌هاست.

۱.۴. بحران نظریه سیاسی و فقدان عدالت در دولت اسلامی افغانستان

قانون اساسی افغانستان، که هیچ‌گاه تصویب نشد، عملاً حقوق بسیاری از



اقتدار جامعه و شهروندان کشور را نادیده گرفت. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات آن، این بود که «شیعیان» را از حقوق شهروندی محروم کرده بود. علاوه

بر این «نیمی از جمعیت» کشور؛ یعنی زنان نیز نادیده گرفته شده بودند. البته مشکل تنها در خصوص حقوق زنان نبود، بلکه تمام شهروندان غیرمسلمان نیز به‌طور جدی از حقوق خود محروم بودند. این وضعیت به وضوح نشان می‌دهد «تئوری سیاسی» که در قالب دولت اسلامی افغانستان ارایه شد، با بحران‌های اساسی مواجه است.

۲.۴. نقش رهبر شهید استاد مزاری در نمایاندن بحران‌های بنیادین در تئوری دولت اسلامی افغانستان

رهبر شهید استاد مزاری^(۱۶) در مواجهه با این بحران‌ها، ناکارآمدی، تناقض و ابهام تئوری دولت اسلامی را برجسته کرد و به درستی به این واقعیت پی‌برد که دولت اسلامی هم در نظریه و هم در عمل یک بن بست است؛ چون در زیر لعاب شعارهای به ظاهر مذهبی و دینی، انبوهی از تمایلات و اندیشه‌هایی که ارتباطی با دین ندارد پنهان شده است و تلاش صادقانه‌ای برای حل آن‌ها صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل در یکی از جملات خود به این واقعیت تلخ اشاره کردند و گفتند: «در افغانستان شعارها مذهبی است اما عمل کردها

رهبر شهید استاد مزاری، در مواجهه با این بحران‌ها، ناکارآمدی، تناقض، و ابهام تئوری دولت اسلامی را برجسته کرد و به درستی به این واقعیت پی‌برد که دولت اسلامی هم در عمل یک بن بست است؛ زیرا در زیر لعاب شعارهای به ظاهر مذهبی و دینی، انبوهی از تمایلات و اندیشه‌هایی که ارتباطی با دین ندارد پنهان شده است و تلاش صادقانه‌ای برای حل آن‌ها صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل در یکی از جملات خود به این واقعیت تلخ اشاره کردند و گفتند: «در افغانستان شعارها مذهبی است اما عمل کردها نژادی».



این واقعیت تلخ اشاره کردند و گفتند: «در افغانستان شعارها مذهبی است اما عمل کردها نژادی»^۱

این جمله به معنای آن است که «تئوری سیاسی» ارایه شده، برای ایجاد یک دولت اسلامی در افغانستان، فقط یک «شعار» است. شعار یعنی چیزی که در «عمل» و در «واقعیت» با آن چه که باید باشد، همخوانی ندارد. چرا این تئوری با واقعیت همخوانی ندارد؟ زیرا «دولت اسلامی» که مدعی حکومت بر افغانستان است، در عمل از پذیرش اقوام مختلف مثل «ازبیک‌ها»، «پشتون‌ها» و «هزاره‌ها» عاجز است. این اقوام که بسیاری از آنان هیچ مشکل مذهبی یا دینی با حکومت مرکزی ندارند، در چنین دولتی جایگاهی ندارند.

۳.۴. عدم هماهنگی تئوری با جامعه

تئوری دولت اسلامی افغانستان، باید قدرتی را برای هماهنگ کردن این اقوام مختلف حول محور یک «دولت ملی»، فراهم می‌کرد، اما این تئوری نتوانست، چالش‌ها و تنوع‌های موجود در کشور را به درستی مدیریت کند. این تئوری که در ابتدا بر اساس «اسلام‌گرایی» و «مذهب» استوار شده بود، نتوانست با واقعیت‌های اجتماعی و قومی افغانستان تطبیق یابد. به همین دلیل، نتیجه‌اش، چیزی جز یک بحران سیاسی در درون ساختار دولت اسلامی نبوده است.

۱ - سخنانی از پیشوای شهید، ص ۲۱۴.



۵. شهید مزاری و راه حل برون رفت از بحران

۱.۵. تأسیس نظام فدرالی

شهید مزاری^(۱۵) از روی صداقت و واقع بینی برای جامعه‌ی متکثر افغانستان و با استفاده از تجارب دنیا راه حل تأسیس «نظام فدرالی» را مطرح کرد که براساس و پایه‌های مشارکت، دموکراسی و تنوع قومی استوار است. بنابراین،

پیشنهاد ایشان این بود که باید به یک دولت «متمرکز» که تحت عنوان «الحق لمن غلب»، می‌خواهد، براساس قدرت سیاسی واحد عمل کند، پایان داده شود. در عوض آن، باید یک «دولت دموکراتیک» و «فراگیر» تشکیل شود، که ظرفیت پذیرش تنوع‌های فرهنگی، قومی و مذهبی را داشته باشد. این مسیر به معنای «پذیرش» و «احترام» به «حقوق تمام اقوام» و «رفع ظلم و انحصارگرایی» در کشور بود.

ایشان تأکید می‌کرد که اصل مسأله این است، که افغانستان باید از ظلم و انحصارگرایی قومی رهایی یابد. سیستم متمرکز به هیچ وجه قادر به حل این بحران‌ها نیست و باید آن را به یک «نظام فدرالی» و «مشارکتی» تبدیل کرد. این «مسأله کلیدی» را باید حل کرد، تا بتوان به توسعه و استقرار دموکراتیک دست یافت.

۲.۵. شهادت بر سر اصول

شهید مزاری^(۱۶) بر سر این «مسأله حیاتی» پافشاری کرد و براساس دیدگاه‌هایش، در

شهید مزاری^(۱۷) از روی صداقت و واقع بینی برای جامعه متکثر افغانستان و با استفاده از تجارب دنیا راه حل تأسیس «نظام فدرالی» را مطرح کرد که براساس و پایه‌های مشارکت، دموکراسی و تنوع قومی استوار است. بر این اساس، پیشنهاد ایشان این بود که باید به یک دولت «متمرکز» که تحت عنوان «الحق لمن غلب»، می‌خواهد، براساس قدرت سیاسی واحد عمل کند، پایان داده شود. در عوض آن، باید یک «دولت دموکراتیک» و «فراگیر» تشکیل شود، که ظرفیت پذیرش تنوع‌های فرهنگی، قومی و مذهبی را داشته باشد. این مسیر به معنای «پذیرش» و «احترام» به «حقوق تمام اقوام» و «رفع ظلم و انحصارگرایی» در کشور بود.



ایران اسلامی

نهایت، به «شهادت» رسید. او نشان داد که در حالی که «شعارهای دینی» در سطح تئوری مطرح می‌شود، اما در عمل نیاز به «تغییرات اساسی» در نحوه‌ی اداره‌ی کشور است. هنوز هم ما در افغانستان تلاش داریم که کشور را براساس تئوری «الحق لمن غلب» اداره کنیم، در حالی که این رویکرد، دیگر امکان پذیر نیست. این تئوری از اساس با بحران مواجه است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که حتی «امپراتوری عثمانی»، با تمام شکوه، قدرت، و سلطه‌ای که بر اکثریت قلمرو دارالاسلام داشت، نتوانست، با تکیه بر این نظریه، در برابر موج آزادی‌خواهی ملت‌هایی که در درون امپراتوری زندگی می‌کردند، مقاومت کند و سرانجام از هم فروپاشید.

به‌همین ترتیب، «امارت اسلامی افغانستان» نیز، در آینده دچار چنین سرنوشتی خواهد شد. تفاوت در این است، که این روند، «فرآیند توسعه‌ی افغانستان» را به تأخیر می‌اندازد، حل مسایل و مشکلات کشور را به عقب می‌برد و فضا و مجال ارایه نظریه‌های واقع‌بینانه را محدودتر می‌کند.

بنابراین، تأکید من این است، که امروز بیش از دهه‌ی هفتاد، ما به نظریه‌ی سیاسی شهید مزارعی^(ره) نیاز داریم. نظریه‌ای که در شرایط کنونی کاربردی‌تر و ضروری‌تر است. ما باید تمام تلاش خود را متمرکز کنیم، تا این نظریه در جامعه جا بیفتد و مورد پذیرش همگان قرار گیرد.

در این زمینه، من چهار دلیل اصلی را برای این مسأله یادداشت کرده بودم. پیش‌بینی می‌کردم که به همه‌ی آن‌ها نرسیم و در این فرصت تنها به برخی از آن‌ها اشاره کردم. اگر در آینده، فرصت دیگری فراهم شد، سه دلیل دیگر را نیز بیان خواهم کرد.

الحمد لله رب العالمین.



۴ راه حل های بحران سیاسی افغانستان در شهید مزاری (ره)

دکتر امان الله فصیحی

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام و ادب خدمت سروران گرامی، عالمان گرام و همه ی عزیزانی که در این مجلس حضور دارند.
موضوعی که امروز در مورد آن صحبت خواهم کرد، راه حل های بحران سیاسی افغانستان در اندیشه رهبر شهید استاد مزاری (ره) است.

۱. طرح مسأله

سؤال اساسی این موضوع را می توان این گونه مطرح کرد: رهبر شهید چگونه بحران افغانستان را حل می کرد؟ و اگر اکنون ایشان حضور می داشت، چه راه حلی ارایه می داد؟ پاسخ کوتاه این است، که ایشان راه حل پایدار و دایمی بحران افغانستان را در ایجاد تغییر در منطق کنش گری سیاسی حاکم در جامعه افغانستان می دانست.

حال، سؤال دیگر این است، که منطق کنش گری سیاسی در افغانستان چه بوده که رهبر شهید قصد تغییر آن را داشت؟



بنیاد اندیشه
۱۳۹۱



رهبر شهید استاد مزاری^(ره) در جایی می‌فرماید: «در افغانستان شعارها مذهبی و عمل‌کردها نژادی است.»؛ یعنی منطق سیاست‌ورزی و منطق تعاملات اجتماعی و منطق رفتارهای عرصه‌ی سیاست در افغانستان، بر محور و مدار قومیت و نژاد می‌چرخد.

البته این منطق لایه‌ها و پوسته‌هایی دارد، که سعی می‌کند، خود را متفاوت از آنچه هست، نشان دهد. این مسأله ما را به دو بحث اساسی پیوند می‌دهد، که برای من و شما بسیار مهم است. اگر بخواهیم به عنوان جمعی که همواره قربانی منازعات سیاسی در افغانستان بوده‌ایم، ریشه‌های بحران را در گذشته‌های دورتر جست‌وجو کنیم، آن توجه به دو فاکتور هویت قومی و مذهبی ما است.

رهبر شهید

استاد مزاری در جایی می‌فرماید: «در افغانستان شعارها مذهبی و عمل‌کردها نژادی است.»؛ یعنی منطق سیاست‌ورزی و منطق تعاملات اجتماعی و منطق رفتارهای عرصه‌ی سیاست در افغانستان، بر محور و مدار قومیت و نژاد می‌چرخد.

البته، این منطق لایه‌ها و پوسته‌هایی دارد که سعی می‌کند خود را متفاوت از آنچه هست، نشان دهد.

اگر بحث نژاد را مطرح کنیم، باید بگوییم؛ که قومیت‌ها و نژادهای مختلف در افغانستان وجود دارند و این مسأله سابقه‌ای تاریخی دارد. تاریخ هزاره‌ها پیش از تاریخ شیعه وجود داشته‌است و این مردم قبل از ورود تشیع نیز، در این سرزمین زندگی می‌کردند. بامیان نیز، قبل از تشیع دارای تمدن و فرهنگ بوده‌است که با ورود اسلام و ورود تشیع، ماهیت آن تغییر کرده است.

اگر از منظر مذهبی نگاه کنیم، همه‌ی هزاره‌ها شیعه نیستند و همه‌ی شیعه‌ها نیز، هزاره نیستند. البته اکثریت هزاره‌ها شیعه هستند، اما این نباید به گفتمانی تبدیل شود که ما را تکه تکه کند. این یکی از حربه‌هایی است که باعث تفرقه میان ما شده‌است.

۲. چارچوب تبیین

برای این‌که بتوانم در این موضوع، صحبت‌م را



اداره امور خارجه

در جمع علمی و وزین شما تبیین کنم، نکاتی را از منظر فلسفه علم بیان می‌کنم؛ چرا که معتقدم: نظام‌های سیاسی در جامعه به منطق علم شباهت دارند. همان‌گونه که علم تا زمانی که بتواند به مسایل پاسخ دهد، مشروعیت و مقبولیت دارد، نظام‌های سیاسی نیز، چنین هستند.

یکی از نظریه‌های مهم در این زمینه، نظریه انقلاب علمی توماس کوهن، است. این نظریه، که امروز در عرصه علم پژوهی تأثیرگذار است، بیان می‌کند که علم تا زمانی در جامعه باقی می‌ماند که بتواند به مسایل پاسخ دهد و کارآمد باشد. وقتی که علم یا نظام سیاسی توانایی حل مسایل را نداشته باشد، پایدار نمی‌ماند. تفصیل این موضوع را قبلاً در دانشگاه مفید خدمت عزیزان ارایه کرده‌ام و در این جا وارد آن بحث نمی‌شوم. در فلسفه علم، نظریه‌ی دیگری، به نام نظریه‌ی «لاکاتوش» وجود دارد. لاکاتوش، معتقد است؛ که علم دارای دو بخش اصلی است:

۱. هسته مرکزی: این بخش منطق اصلی علم را مدیریت می‌کند و تغییرناپذیر است.

۲. کمرندهای امتیسی: این کمرندها وظیفه‌ی محافظت از هسته‌ی مرکزی را بر عهده دارند، اما خودشان قابل تغییر و جابه جایی هستند. این تغییرات می‌توانند، جهت محافظت بهتر از هسته‌ی مرکزی علم اتفاق بیفتند.

هم‌چنین، نظریه‌ی دیگری از «هگل» به نام روح مطلق مطرح است. هگل بر این باور است؛ که در جوامع بشری، یک روح مطلق حاکم است که تلاش می‌کند به اشکال مختلف خود را نشان دهد و در دوره‌های مختلف تاریخی تجلی یابد.

۳. منطق کنش‌ورزی سیاسی در ادوار تاریخ افغانستان

با توجه به این سه نظریه، می‌توان گفت: منطق کنش‌ورزی سیاسی در



جامعه‌ی افغانستان، همواره بر پایه‌ی قومیت بنا شده است. این منطق قومیت در دو مقطع تاریخی به شیوه‌های متفاوتی عمل کرده است:

۱.۳. پیش از تدوین قانون اساسی

در این دوره، منطق قومیت به شکل خشونت‌های آشکار و عمل‌کردهای خشن فیزیکی بروز پیدا کرد. نمونه‌ی روشن آن، اقدامات عبدالرحمان خان، در افغانستان بود، که با استفاده از جنگ، کشتاهای بی‌رحمانه و خشونت، تمام مخالفان را سرکوب کرد.

۲.۳. پس از تدوین قانون اساسی

با آغاز تدوین قانون اساسی، از زمان امان‌الله خان، این منطق قومیت، در قالب قوانین خود را نشان داد. به تعبیر برخی صاحب نظران، جامعه به سوی نوعی استبداد قانونی پیش رفت؛ استبدادی که ظاهر آن قانونی بود؛ اما در حقیقت بر همان منطق قومیت استوار بود. مراحل مختلف این استبداد قانونی و کمربندهای امنیتی که ایجاد شد، به صورت زیر است:

۱.۲.۳. مشروطه‌خواهی امان‌الله خان

امان‌الله خان، تلاش کرد مشروطه، توسعه و نوگرایی را وارد ساختار حکومتی

کند؛ اما این تلاش‌ها به دلیل ناکارآمدی در مواجهه با ساختار قبیله‌ای جامعه، طبق نظریه‌ی کوهن، شکست خورد.

۲.۲.۳. دوره‌ی نادری

پس از شکست تلاش‌های شاه امان‌الله خان، افغانستان وارد دوره‌ای تاریکی شد که طی آن، بنیادگرایی مذهبی تقویت شد.

۳.۲.۳. دهه‌ی دموکراسی

در این دوره، منطق قومیت در قالب قانون اساسی ظاهرشاه تجلی یافت. هرچند گشایش‌هایی مانند تأسیس پارلمان و امثال آن صورت گرفت، اما این ساختار نیز، ناکارآمد بود و در نهایت، به کودتای داوود خان انجامید.

۴.۲.۳. دوره‌ی مارکسیسم و کمونیسم

در این مقطع، منطق قومیت در پوشش مارکسیسم و کمونیسم به ظهور رسید. این روند نشان می‌دهد، که منطق قومیت در افغانستان، حتی با تغییرات ظاهری، همواره به‌عنوان هسته‌ی مرکزی کنش ورزی سیاسی باقی مانده‌است و تغییرات ساختاری نتوانسته‌اند، آن را به‌طور بنیادی اصلاح کنند. کمونیسم در افغانستان حلقه‌ی امنیتی را تغییر داد و با همان منطق قومیت به پیش رفت تا به دوران مجاهدان رسیدیم.

۵.۲.۳. دوره‌ی مجاهدان و طالبان

در دوره‌ی مجاهدان و حکومت آقای ربانی، کمربند امنیتی تغییر کرد و هسته‌ی سخت منطق قومیت از قومیت پشتون به قومیت تاجیک منتقل شد. در این زمینه، رهبر شهید استاد مزاری^(۷) می‌فرمود: حادثه افشار نگاه ما را نسبت به تاریخ افغانستان تغییر داد؛ تصور ما این بود، که تنها یک قوم در افغانستان ظلم می‌کند، اما پس از این حادثه مشخص شد، که هرکس قدرت را در دست بگیرد به ظلم و ستم می‌پردازد. کمربند امنیتی این دوره چه بود؟



اداره‌ی امور داخله



«دولت اسلامی»؛ اما این ساختار نیز به دلیل ناکارآمدی، شکست خورد و جای خود را به امارت اسلامی داد.

۶.۲.۳. دوره‌ی جمهوریت

حتی در دوران جمهوری اسلامی، با وجود نقاط قوت و گشایش‌های فراوان در قانون اساسی کشور، باز هم هسته‌ی سخت قومیت تغییر نکرده بود. به‌ویژه فصل ریاست جمهوری قانون اساسی که در ظاهر نظام تفکیک قوا را نشان می‌داد، اما در عمل به‌گونه‌ای طراحی شده بود، که ریاست جمهوری می‌توانست، همه چیز را وتو کند. این نشان می‌داد، که ساختار سیاسی در اصل حول یک فرد متمرکز بود و حتی در قرن بیست و یک نیز نگاه فردمحور به قدرت وجود داشت.

از این‌رو، با وجود نکات مثبت، منطبق قومیت در جای خود باقی ماند و در نهایت منجر به ناکارآمدی نظام شد. این ناکارآمدی باعث شد، که حتی کسانی که زمانی زیر چتر جمهوریت کار می‌کردند، در نهایت به منتقدان این ساختار تبدیل شوند. سقوط نظام جمهوریت به دلیل نبود یک پشتوانه‌ی قوی داخلی و هم‌چنین دخالت‌های خارجی صورت گرفت. با این حال، نمی‌توان تمام مسؤولیت را به توطئه‌ها نسبت داد؛ چرا که

حتی در دوران

جمهوری اسلامی، با وجود نقاط قوت و گشایش‌های فراوان در قانون اساسی کشور، باز هم هسته سخت قومیت تغییر نکرده بود. به‌ویژه فصل ریاست جمهوری قانون اساسی که در ظاهر نظام تفکیک قوا را نشان می‌داد، اما در عمل به‌گونه‌ای طراحی شده بود که ریاست جمهوری می‌توانست همه چیز را وتو کند. این نشان می‌داد که ساختار سیاسی در اصل حول یک فرد متمرکز بود و حتی در قرن بیست و یک نیز نگاه فردمحور به قدرت وجود داشت. از این‌رو، با وجود نکات مثبت، منطبق قومیت در جای خود باقی ماند و در نهایت منجر به ناکارآمدی نظام شد



این نظام و قانون اساسی آن نتوانست، جامعه را متحد کند و نیروهای مختلف را به همکاری با یکدیگر، وادارد.

در کنار مشکلات ساختاری، ضعف در استفاده از فرصت‌های فرهنگی و نمادهای هویتی نیز، به بحران دامن زد. کسانی که در تدوین قانون اساسی و ساختارهای جمهوریت نقش داشتند، خودشان در نهایت به نقد این ساختارها پرداختند.

۴. وضعیت کنونی و راه‌حل‌های آن در اندیشه شهید مزاری^(ره)

امروز ما در موقعیتی قرار داریم که هیچ نظام و قانون اساسی رسمی وجود ندارد. پرسش این است، که چه باید کرد؟ از نظر رهبر شهید، راهبرد کلان برای حل بحران افغانستان، بازنمایی و ترکیب همه هویت‌ها و اقوام افغانستان در یک قالب «روح مطلق» است.

۱.۴. منطق راهبردی روح مطلق

این روح مطلق، مجموعه‌ای از هویت‌های مختلف افغانستان است: پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک و سایر اقوام. رهبر شهید بر این باور بود؛ که این روح مطلق باید به گونه‌ای عمل کند که تمامی اقوام به اندازه‌ی شعاع وجودی خود در ساختار قدرت حضور داشته باشند. این ایده در توافق چهارجانبه اوایل دهه‌ی هفتاد نیز منعکس شد. معنای فلسفه توافق چهارجانبه این است، که روح مطلق که باید در افغانستان حاکم باشد، تنها پشتون نباشد، هزاره‌ها به اندازه‌ی شعاع وجودی‌شان باید جایش معلوم باشد، تاجیک‌ها جایگاهش معلوم باشد، ازبک‌ها و همه‌ی اقوام دیگر، باید حضور داشته باشند، نه این که یک روح مطلق بیاید بالای سایر اقوام حاکم باشد و همه را زیر چتر خود داشته باشد و یکسره خیرات و برکات و نذورات به آن‌ها بدهند. سهمیه‌بندی قدرت منطق سیاست‌ورزی در افغانستان بوده که بر مبنای غلبه‌ی یک روح مطلق بر



سایر روح‌ها است. رهبر شهید بابه مزاری^(ره) بر این باور بود، که منطق سیاستی که صرفاً حول یک روح مطلق (برتری یک قوم) می‌چرخد، باید تغییر کند. او تأکید داشت که تغییر این منطق به پیش زمینه‌ها و پیش فرض‌هایی نیاز دارد.

۲.۴. زمینه‌های تغییر منطق قدرت

مهم‌ترین پیش زمینه‌های تغییر منطق قدرت عبارتند از:

۱.۲.۴. پذیرش همه اقوام به صورت هماهنگ، برابر و برادرانه

رهبر شهید تأکید می‌کرد که وجود و هستی هیچ قومی نباید جرم‌انگاری شود. او با اشاره به تاریخ افغانستان، به موضوع جرم‌انگاری هزاره‌ها و شیعیان پرداخت و بیان کرد که این جرم‌انگاری از دوران امیر حبیب‌الله خان آغاز شد،

زمانی که تصمیم گرفته شد هزاره‌ها و شیعیان از ساختارهای حکومتی حذف شوند.

۲.۲.۴. احترام به هویت‌ها

رهبر شهید معتقد بود، که احترام به هویت‌ها تنها در کلام و تعریف و تمجید خلاصه نمی‌شود؛ بلکه باید حقوق اقوام به رسمیت شناخته شده و اعطا شود. احترام واقعی زمانی محقق می‌شود، که همه اقوام بتوانند در سرنوشت خود و جامعه تأثیرگذار باشند.

رهبر شهید، با استناد به تاریخ و آیه‌ی «إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ»؛ با تقواترین شما نزد خداوند گرامی‌ترین است، تأکید داشت، که وجود هیچ قومی، ننگ و عار نیست. او با اشاره به دوران امیر حبیب‌الله خان بیان کرد، که در آن زمان، هزاره بودن به جرم تبدیل شده بود، تا جایی که افراد مجبور شدند، نام‌های خود را تغییر دهند، تا هویت هزاره بودن شان آشکار و هویدا نشود.

رهبر شهید استاد مزاری^(۳) این نگاه را رد کرد و گفت: پشتون بودن ننگ نیست، تاجیک بودن ننگ نیست، ازبک بودن ننگ نیست، هزاره بودن نیز، ننگ نیست. او به‌طور قاطع بیان کرد، که هزاره بودن یا هر هویت قومی دیگری، نباید جرم تلقی شود. رهبر شهید استاد مزاری^(۳) مفهوم حذف را دقیق صورت‌بندی کرد. طبق فرمایش ایشان حذف به معنای حذف وجودی و حذف فیزیکی نیست؛ بلکه سویه‌ی دیگر حذف، حذف هویتی و حقوقی است. حذف حقوقی به این معنا است که اقوام از حقوق طبیعی و اجتماعی خود محروم شوند یا در ساختار قدرت سهم نداشته باشند.

۳.۲.۴. به رسمیت شناختن همه‌ی مذاهب

رهبر شهید بابه مزاری^(۳) هم‌چنین به اهمیت به رسمیت شناختن تمام مذاهب اسلامی تأکید داشت. او با نقد برخی از قوانین گذشته، به حذف برخی مذاهب



اداره‌های دولتی



در قانون اساسی، اشاره کرد و بیان کرد که این حذف‌ها خود نوعی ظلم حقوقی و هویتی است.

۴.۲.۳. پذیرش حقوق و هویت‌ها برای ایجاد عدالت اجتماعی

رهبر شهید تأکید داشت، که باید همه‌ی اقوام و مذاهب افغانستان به رسمیت شناخته شوند و حقوق آن‌ها به‌طور کامل تأمین شود. این مسأله نه تنها به معنای وجود فیزیکی اقوام، بلکه به معنای به رسمیت شناختن هویت و حقوق آن‌هاست.

رهبر شهید استاد مزاری به یک مدل فلسفی و عملی تأکید داشت، که براساس وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت استوار باشد. او بر این باور بود که تاریخ افغانستان نشان داده است هیچ گروهی قادر نیست دیگری را به‌طور کامل حذف کند. بنابراین، نظامی باید طراحی شود که همه‌ی اقوام و هویت‌های موجود، به‌صورت برابر و عادلانه در آن حضور داشته باشند.

او معتقد بود؛ که عدالت اجتماعی، تنها زمانی تحقق می‌یابد، که همه‌ی اقوام ساکن کشور، در سرنوشت کشور، سهیم باشند و هویت‌های مختلف در یک ساختار منسجم و کارآمد حل شوند؛ ساختاری که بتواند، کمربندهای امنیتی کشور را پشتیبانی کند.

۳.۴. گفتمان‌های موجود درباره‌ی نظام حکومتی افغانستان

رهبر شهید استاد مزاری^(ره) سه گفتمان اصلی را درباره‌ی نظام حکومتی افغانستان، مطرح و هرکدام را با اسناد و شواهد، رد و در نهایت گفتمان اصلی و محوری خود را طرح کرد:

۱.۳.۴. تداوم منطق گذشته

این گفتمان شامل همان نظام متمرکز یا نیمه متمرکزی است، که در طول تاریخ افغانستان

وجود داشته است. رهبر شهید استاد مزاری^(ره) معتقد بود، که این مدل به دلیل ساختار متمرکز و وابستگی به قدرت مطلق، ناکارآمد بوده و نتوانسته است، مسایل اساسی و بنیادین کشور را حل کند.

۲.۳.۴. نظام صدارتی یا پارلمانی

گروهی از هموطنان ما از این مدل، حمایت می‌کنند، اما رهبر شهید بابه مزاری^(ره) به دو دلیل آن را ناکارآمد می‌داند:

الف. شاهد تاریخی

در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، ما در افغانستان، شاهد تراکم صدارت‌ها بودیم. صدارت‌ها یکی پس از دیگری منصوب می‌شدند و هیچ‌کدام هم نتوانستند، مسایل کشور را حل کنند. نمونه‌ی تاریخی نیز، نشان می‌دهد، که این مدل حکومتی در عمل با مشکلات متعددی روبه‌رو بود، از جمله تعارضات میان صدارت و شاه.

ب. منطق قومیت

رهبر شهید استاد مزاری^(ره) این مدل را ادامه‌ی همان منطق قوم محور می‌داند، که تنها شکل آن تغییر کرده‌است. او معتقد بود؛ که تقسیم قدرت میان چند قوم یا گروه، بدون توجه به کارآمدی و وحدت ملی، به معنای حل مسأله نیست.

۳.۳.۴. راه حل

فلسفی وحدت در

عین کثرت

رهبر شهید استاد

مزاری^(ره) به یک مدل

فلسفی و عملی تأکید

داشت، که براساس



انستیتو ملی برای مطالعه تاریخ و فرهنگ



وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت استوار باشد. او بر این باور بود؛ که تاریخ افغانستان نشان داده است هیچ گروهی قادر نیست دیگری را به طور کامل حذف کند. بنابراین، نظامی باید طراحی شود که همه‌ی اقوام و هویت‌های موجود، به صورت برابر و عادلانه در آن حضور داشته باشند. در غیر آن صورت مشکلات قابل حل نیست. شکست جمهوری اسلامی یک نمونه‌ی نزدیک و خوب است. قانون اساسی جمهوریت با وجود پیش‌بینی دو معاون برای رییس جمهور، نتوانست، مشکلات قومیتی و ساختاری را حل کند؛ یعنی حتی در بهترین شرایط نیز، کمربندهای امنیتی اجازه کارآمدی به نظام را نداد.

۴.۴. نظام فدرالیسم

رهبر شهید استاد مزاری^(۲۰) معتقد بود: باید مدلی طراحی شود که در آن؛

- همه‌ی اقوام و هویت‌ها، جایگاه واقعی خود را داشته باشند.
- حقوق همه‌ی اقوام به رسمیت شناخته شود.
- از منطبق حذف، چه به صورت هویتی و چه حقوقی پرهیز شود.
- او تأکید داشت که تنها با درک واقعیت‌های عینی جامعه و پذیرش همگانی، می‌توان به یک نظام حکومتی پایدار و عادلانه دست یافت.

۱.۴.۴. ضرورت ایجاد نظام سیاسی فراگیر در افغانستان با تأکید بر فدرالیسم
رهبر شهید تأکید داشت، که تاریخ افغانستان نشان داده است، هیچ قدرتی

رهبر شهید تأکید

داشت که تاریخ افغانستان نشان داده است هیچ قدرتی نتوانسته تمام اقوام، مذاهب، و فرهنگ‌های مختلف این کشور را در یک «روح مطلق» حل کند یا آن‌ها را حذف نماید. هرگونه تلاش برای چنین کاری نه تنها ناکام مانده، بلکه بحران‌های بیش‌تری را ایجاد کرده است.

نتوانسته تمام اقوام، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف این کشور را در یک «روح مطلق» حل کند یا آن‌ها را حذف نماید. هرگونه تلاش برای چنین کاری نه تنها ناکام مانده، بلکه بحران‌های بیش‌تری را ایجاد کرده‌است.

جامعه جهانی با تمام امکانات خود نیز، نتوانست، مردم افغانستان را به‌طور کامل مدیریت کند. این نشان می‌دهد که هر مدلی که بر حذف یا جذب اجباری استوار باشد، نمی‌تواند موفق باشد. بنابراین، نیاز است، مدلی طراحی شود، که هم «وحدت ملی» را حفظ کند و هم «تنوع فرهنگی، مذهبی و اجتماعی کشور» را به رسمیت بشناسد. از این رو، رهبر شهید استاد مزاری^(ره) سیستم فدرالیسم را به‌عنوان مدلی مناسب برای افغانستان مطرح کرد. این مدل براساس سه اصل استوار است:

الف. حفظ وحدت ملی

رهبر شهید استاد مزاری^(ره) در مورد حفظ وحدت ملی در کشور فرمود: «وحدت ملی را ما در افغانستان یک اصل می‌دانیم». بنابراین، افغانستان هم‌چنان یک کشور واحد با یک نظام مرکزی خواهد بود.

ب. احترام به تنوع

هر منطقه، می‌تواند براساس ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی و اقلیمی خود اداره شود.

ج. پذیرش حقوق متقابل

برای مثال، اگر مناطقی در جنوب کشور تصمیم بگیرند دختران را از تحصیل منع کنند، دیگر مناطق باید آزادی تحصیل را برای دختران خود حفظ کنند و این حقوق متقابل باید پذیرفته شود.

۲.۴.۴. پیشینه فدرالیسم در افغانستان

نمونه‌هایی از فدرالیسم، هرچند ناقص، در تاریخ و ساختارهای افغانستان وجود داشته است:



اداره امور داخل‌الدولت



- نظام‌های قبیله‌ای سنتی: مثل «لوی قندهار» و «لوی پکتیا» که نوعی اداره‌ی منطقه‌ای را نشان می‌دهند.

- تقسیمات زون‌های اقتصادی و امنیتی اخیر: افغانستان به مناطق مختلف اقتصادی و امنیتی تقسیم شده بود، که این تجربه نشان می‌دهد امکان ایجاد نظام‌های منطقه‌ای وجود دارد.

- احوال شخصیه و فقه جعفری: مناطق شیعه‌نشین براساس فقه جعفری مسائل حقوقی و قضایی خود را مدیریت می‌کردند که نوعی مدیریت منطقه‌ای است.

۳.۴.۴. مزایای فدرالیسم

- این مدل اجازه می‌دهد تا هر منطقه‌ی متناسب با نیازها و شرایط خود عمل کند.

- باعث کاهش تنش‌های قومیتی و مذهبی می‌شود.

- یک نظام مرکزی هم‌چنان بر کلیت کشور حاکم خواهد بود، اما استقلال مناطق در امور داخلی شان حفظ می‌شود.

رهبر شهید بابیه مزاری^(ره) هشدار داد: اگر افغانستان به سمت مدل‌های ناکارآمد پیش برود و تنوع و حقوق اقوام و مذاهب را نادیده بگیرد، ممکن است چنین مدل‌هایی برای مدتی کوتاه موفق شوند، اما در بلند مدت دوباره به بحران خواهند انجامید.

رهبر شهید تأکید داشت، که تنها با صداقت و پذیرش تنوع می‌توان به یک نظام سیاسی کارآمد، با ثبات و پایدار دست یافت. فدرالیسم، با تأمین حقوق و احترام به تنوع، بهترین راه‌حل برای جلوگیری از تکرار بحران‌های گذشته است.

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته!





گزارش بیست و ششمین سالگرد شهادت استاد عبدالعلی مزاری

تهیه و تنظیم: علی آقا محسنی

بسم رب الشهداء والصدیقین

از بیست و ششمین سال یاد شهادت رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری تحت عنوان «بحران‌های فعلی و چشم‌اندازهای فردا در اندیشه شهید مزاری (ره)» با حضور پرشور اقشار مختلف مردمی، علمای فرهیخته، مسئولین دفاتر مراجع عظام تقلید، رجال برجسته فرهنگی و سیاسی، طلاب و دانشجویان افغانستانی و سایر کشورها، روز پنجشنبه ۲۸ حوت ۱۳۹۹ در شهر قم - حسینیه قدس تجلیل به عمل آمد.

این همایش بزرگ با اجرای محترم صادق انصوری و قرائت آیاتی از کلام الله مجید توسط قاری محترم سید محمود اصغری آغاز گردید و پس از بخش سرود ملی، محمد کاظم عارفی شعر زیبایی را دکلمه نمود، در ادامه عبدالله امینی مقاله‌ی را تحت عنوان «مزاری منادی عدالت و احیاگر هویت» ارائه نمود،



سپس نورعلی حسینی سروده‌ی خودش را بخوانش گرفت و در بخش میانی همایش، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالمجید ناصری داودی در موضوع «صلح و راهکارهای آن در اندیشه شهید مزاری (ره)» ایراد سخن نمود، ایشان بعد از درود فرستادن به روان پاک شهید سخن را با «میانی صلح در اسلام» آغاز نمود، و در این بخش تصریح کرد: اصل، در اسلام صلح و زندگی مسالمت‌آمیز



است و در موارد استثنایی امر به جهاد صورت گرفته است، و این اصل از آیات قرآن کریم قابل اثبات است، وی با استناد به این آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا» حج: ۳۹ یکی از موارد استثناء را جهاد مظلومین در مقابل ظالم شمرد.

وی افزود: این اصل از سیره پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز قابل اثبات است، از جمله در سیره امام حسین (علیه‌السلام) که حرکت عظیم خودش را به «اصلاح امت» تعبیر کرد.

ایشان بعد از این مقدمه به «صلح از دیدگاه شهید مزاری (ره)» پرداخت و چنین استدلال نمود: افغانستان بعد از اسلام می‌تواند هویت شهید مزاری (ره) را بازتاب دهد، لذا با تبیین دیدگاه اسلام، دیدگاه شهید مزاری (ره) هم مشخص می‌شود که آن شهید بزرگوار نیز اصل را بر صلح و زندگی مسالمت‌آمیز می‌دانست، و اگر جنگ‌های بر او تحمیل شد، از موارد استثناء و در قالب دفاع مشروع به شمار می‌آید.



ایران و اسلام

بخش دیگر هویت شهید مزاری ^(ع)، افغانستان است. کشوری که آغازش با احمدشاه ابدالی با انواع ستم‌ها شروع می‌شود، ستم‌های چندلایه: ستم قومی، مذهبی، منطقه‌ای، فرقه‌ای و آموزشی. این ستم‌ها هرروز بازتولید می‌شود و امروز با قومیت‌سازی نمود پیدا کرده است. شهید مزاری ^(ع) از قوم هزاره و مذهب شیعه بر خواسته که این قشر در افغانستان بیشترین ستم را دیده است، گروهی که نام بردن از آن جرم بود و در محافل ابراز هویت نمی‌توانستند او در چنین فضایی صلح و زندگی مسالمت‌آمیز را مطرح نمود.

ایشان در بخش پایانی صحبتش به ویژگی‌های برجسته شهید مزاری ^(ع) پرداخت و آن را این‌گونه شمرد:

۱. درک عزیزانه از دین: شهید مزاری ^(ع) یک عالم دینی بود و علوم دینی را در حوزه‌های



افغانستان، نجف و قم فراگرفت، ایشان یک درک عزیزانه از دین داشت که او را پارسا و با تقوا، اجتماعی، مصلح و آگاه از درد اجتماع ساخته بود.

۲. روش عزتمندانه: شهید مزاری ^(ع) در عرصه فردی و اجتماعی، آن‌هم در اوج فشار و جنگ هیچ‌گاه زیر بار ذلت نرفت.

۳. مقاومت سرمدارانه: شهید مزاری ^(ع) در این جهت، حزب وحدت را تشکیل داد و برای آن تلاش فراوان نمود.



آقای دکتر ناصری با این سه ویژگی صلح را در دیدگاه شهید مزاری^(ره)



این‌گونه ترمسیم نمود: برای رسیدن به صلح باید با درک عزیزانه از دین، مبنای صلح را عدالت دانست و برای رسیدن به عدالت نباید زیر بار ذلت رفت و از آنجایی که دشمن عنود در برابر اجرای عدالت کوتاه نمی‌آید، باید مقاومت کرد؛ چیزی که رهبران سیاسی افغانستان تازه به آن رسیده است.

امروز جامعه افغانستان برای رسیدن به صلح، نیاز به «درک عزیزانه از دین»، «روش عزت‌مندانه» و «مقاومت سریدرانه» دارد.

در ادامه مستندی از سخنان رهبر شهید و رجال برجسته کشور در مورد ایشان پخش گردید.

در قسمت پایانی همایش، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حیات الله رسولی سخنانی را تحت عنوان «مبنای فکری نظام سیاسی در اندیشه شهید مزاری^(ره)» ایراد نمود که قبل از پرداختن به این موضوع، سخنانش را تحت عنوان «باورهای خویش» این‌گونه بیان کرد:

۱. عدالت ارزش دارد و شهید شدن برای عدالت تقدس می‌آورد لذا شهادت مزاری و یارانش مقدس است؛

۲. بارزترین خصوصیت شهید مزاری^(ره) به عنوان رهبر شیعیان افغانستان و

هزاره‌ها «اصالت فکری و عدم وابستگی به غیر» بود چنانچه او بَرک و لنگی هزارگی استفاده نموده و هزارگی حرف می‌زد.

در قسمت بعدی سخنانش، خواسته‌های شهید مزاری ^(ره) را این‌گونه شمرد:

۱. رسمیت یافتن مذهب شیعه؛

۲. تعدیل واحدهای اداری؛

۳. تغییر نظام سیاسی.

در اخیر به مبانی فکری نظام سیاسی در اندیشه شهید مزاری ^(ره) پرداخت و

مهم‌ترین آنها را چنین بیان نمود:

۱. حکومت مشارکتی بین اقوام که هیچ‌گونه مخالفت با مبانی دینی و قرآنی

ندارد (اصل جمهوریت)؛



۲. حکومت مبتنی بر مبانی دینی که نه متمایل به لیبرال است و نه سوسیال

(اصل اسلامیت)؛



۳. حکومت مبتنی بر مبنای اجتماعی که این مبنای وابسته به واقعیت‌های موجود در جامعه آن روز بود.

امروز بسیاری از کسانی که آن روز با او جنگیدند بعد از ۲۶ سال فهمیدند که اشتباه کرده و راه حل‌های مزاری می‌توانست کلیدی بر حل مشکلات افغانستان باشد.

ایشان وظیفه علما و طلاب را تئوری سازی مبنای جامعه عادلانه، مدیریت عادلانه و آموزش عادلانه دانست. در پایان راه و رسم مزاری را صداقت در گفتار و کردار عنوان نموده و سخنانش را با تاریخی ترین سخنان شهید مزاری (ره) خاتمه داد: «من با خدای خود عهد کرده‌ام شما را در معرکه تنها نگذارم بلکه خواسته‌ام خون من در بین شما و به خاطر دفاع از شما بریزد».

ستاد برگزاری بیست و ششمین سالیاد رهبر شهید - شهر قم

۲۸ حوت ۱۳۹۹



۴ همایش هزاره؛ دانی و نسل زدایی

تهیه و تنظیم: علی آقا محسنی

بسم رب الشهداء والصدیقین

به مناسبت گرامی داشت از شهدای حوادث تروریستی غرب کابل، همایش «هزاره، دانی و نسل زدایی» با حضور مرجع عالی قدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی فاضلی بهسودی (دام ظلّه العالی)، حجت الاسلام دکتر بناری ریاست محترم مجتمع آموزش عالی علوم انسانی و سایر مسئولان ارشد جامعه المصطفی العالمیه، نمایندگان دفاتر آیات عظام، طلاب و دانشجویان از ملیت های مختلف و چهره های ملی و بین المللی در تاریخ ۱۶ میزان ۱۴۰۱ برگزار شد.

این همایش با قرائت قرآن مجید، اجراء شعر و یخش کلیپ شروع گردید و



بنیاد اندیشه
۱۳۹۹

با حضور کارشناسان؛ دکتر عبدالقیوم سجادی، دکتر شریفی (جويا)، استاد محمد سرور جوادی و دبیری دکتر علی جوادی اجرا شد.



دکتر جويا، استاد حوزه و دانشگاه ضمن تحیت به ارواح شهدا و تسلیت به خانواده‌های داغدار آنان، نسل زدایی را ترجمه دقیق (ژنوساید) عنوان کرد و آن را این گونه تعریف نمود: ارتکاب احمالی مانند کشتار یا صدمه رساندن جسمی و روحی یا قرار دادن در وضعیت نامناسب و یا... با قصد نابودسازی جزئی یا کلی یک قوم و مذهب است.

وی سه ویژگی برای جنایت نسل زدایی بیان داشت:

۱- موضوع نسل زدایی، جامعه بین‌المللی است و نسل زدایی امنیت بین‌المللی را برهم می‌زند و همه باید واکنش نشان دهند.



۲- نسل زدایی وجدان بشریت را با قطع نظر از تعلقات آن تحت تأثیر قرار میدهد.

۳- نسل زدایی یکی از قبیح‌ترین جرایم است.

ایشان در ادامه با طرح این سوال که آیا حادثه تروریستی مرکز آموزشی کاج و حوادث مشابه، مصداق نسل زدایی (ژنوساید) است یا خیر، بیان کرد که حوادث غرب کابل را می‌توان مصداق نسل زدایی شمرد و بنابراین، نیازمند پی‌گیری‌ها و حمایت‌های بین‌المللی است.

ایشان در ادامه پیامدهای به رسمیت شناختن نسل زدایی را برشمرد و قابل پی‌گیری بودن و جبران خسارت توسط دولت جانشین را از جمله آثار آن بیان کرد.



دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده پیشین پارلمان افغانستان، کارشناس دیگر همایش «وضعیت کنونی و فردای افغانستان را از منظر سیاست بین‌الملل» مورد بررسی قرار داد.

ایشان ضمن انتقاد از نظاره‌گری جامعه جهانی در مواجهه با نسل زدایی حوادث



اداره نسل زدایی

غرب کابل، اظهار داشت: متأسفانه نظام بین‌المللی امروز توسط قدرت‌های جهانی به قطب‌بندی قدرت در عرصه بین‌الملل تبدیل شده از این‌رو مفاهیمی چون: جنایت جنگی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت، را ابزاری برای مقابله با قدرت‌یابی کشورهای ضد هژمونی ساخته‌اند.

وی با تأکید بر این‌که خط‌کشی‌های سیاسی نباید مایه اختلاف در جامعه افغانستان شود، اظهار داشت: با توجه به سیاست سودجویانه جامعه بین‌المللی،



قربانی کردن تمام افغانستانی‌ها ساده است؛ لذا اگر تمام مردم افغانستان با هر قوم، نژاد و مذهبی با همدلی و همراهی دادخواهی نکنند و برای جلوگیری از این فجایع همراهی نداشته باشند، همه شهروندان سرزمین فارغ از قومیت و مذهب قربانی این نوع نگرش خواهند شد.

استاد محمد سرور جوادى نماینده اسبق پارلمان افغانستان در ادامه این همایش به «تحلیل وضعیت فعلی و چشم‌انداز فردای افغانستان با تأکید بر وضعیت هزاره‌ها» پرداخت. ایشان سلطه قومی با استفاده از قاعده «الحق لمن غلب» و بوجود آمدن جریان‌های عقده را از جمله عوامل بحران افغانستان برشمرد.

ایشان در ادامه به وضعیت هزاره‌ها اشاره نمود و اختلاف و تفرقه را از عوامل شکست هزاره‌ها در دوران عبدالرحمان و بجران فعلی آنان دانست. نبود رهبری واحد، ضعف‌های ارتباطی و موقعیت جغرافیایی را از دیگر عوامل محرومیت و سرکوب هزاره‌ها بیان کرد.

وی در کنار این چالش‌ها به بیان فرصت‌ها نیز پرداخت. رشد فکری نسل جوان، گستردگی مهاجرت و تغییر نوع مطالبات را از مهم‌ترین فرصت‌ها برای



هزاره‌ها دانست.

دکتر علی جوادی دبیر علمی این همایش در ابتدای همایش ضمن تحیت به ارواح شهدا و تسلیت به خانواده‌های شهدا اظهار داشت: چنین برنامه‌هایی گام کوچک برای رساندن فریاد مظلومیت و رنج مستمر مردم افغانستان و هزاره‌ها به گوش جهانیان است.

وی در ادامه بایبان این که نفس هزاره بودن کافی است تا امنیت جانی افراد تهدید گردد، اظهار داشت: متأسفانه هزاره‌ها به استناد هویت خدادادی که انسان



انجمن آزادی‌های ملی

بر اساس آن خلق می‌شود و افراد در آن انتخابی ندارند، مورد تهدید و قتل و کشتار قرار می‌گیرند.

قابل ذکر است در این همایش پیام‌های از سوی تشکل‌های فرهنگی، شورای جهانی هزاره‌ها و شورای نخبگان هزاره دریافت شده است. همچنین این همایش در صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران بطور گسترده



و شایسته بازتاب داده شد و مورد استقبال جامعه مهاجر قرار گرفت.

۱۶ میزان ۱۴۰۱ - شهر قم

گزارش بیست و نهمین سالگرد شهادت استاد عبدالعلی مزاری (ره)

تهیه و تنظیم: علی آقا محسنی

بسم رب الشهداء والصدیقین

به مناسبت گرامیداشت از بیست و نهمین سالگرد شهادت «شهید عدالت»، استاد عبدالعلی مزاری و یاران با وفایش با حضور مسئولان ارشد جامعه المصطفی العالمیه، نمایندگان دفاتر آیات عظام، طلاب و دانشجویان از ملیت‌های مختلف و چهره‌های ملی و بین‌المللی در تاریخ ۱۷ حوت ۱۴۰۲ در شهر مقدس قم برگزار گردید.

این نشست علمی با قرائت قرآن مجید، دکلمه شعر و بخش کلیپ شروع گردید و با حضور کارشناسان؛ حجت الاسلام دکتر محمدعلی جويا (شریفی)، دکتر امان‌الله فصیحی، حجت الاسلام دکتر حیات‌الله رسولی و دبیری دکتر عبدالحکیم کاظمی اجرا شد.

دکتر عبدالحکیم کاظمی دبیر این نشست علمی در ابتدای نشست ضمن تحیت به روح شهید وحدت ملی، دوزنمای از تاریخ هزاره ارائه کرد و اظهار داشت که هزاره قبل از عبدالرحمن با شیعه مساوی است و تشیع را مستقیم از صاحب مکتب، امام علی (علیه السلام) گرفته‌اند و در این دوره دارای افتخارات





حدیثی و فقهی بوده‌اند. خاندان نوبخت که بزرگترین رجال جهان تشیع از این خاندان است از ارزگان تاریخی است. هزاره بعد از عبدالرحمن مورد قتل عام قرار گرفته است و این کشتار یک تصمیم جهانی بوده است که در نتیجه این تصمیم ۶۲ درصد این مردم نابود شده است که تنها برخی از آن ستم‌ها در سراج التواریخ آمده است. این ستم‌ها تا جایی پیش رفت که هزاره از درون احساس ننگ می‌کردند و از بیرون، هزاره‌بودن را جرم می‌دانستند. تا اینکه مزاری آمد و دقیقاً انگشت روی درد گذاشت و تاریخ را به گونه‌ای رقم زد که



دیگر هزاره بودن ننگ و جرم نباشد.

وی در ادامه بیان داشت که یکی از کارهای شهید مزاری^(ه) انتقال اعتراضات از کوهستان به پایتخت بود. اعتراضات در کوهستان همیشه توسط پایتخت مدیریت می‌شود؛ اما اعتراض در پایتخت توسط جامعه جهانی که شهید مزاری^(ه) با حضور در قلب بحران خود و ملت‌اش را به جامعه جهانی معرفی کرد. حاجت الاسلام دکتر جويا کارشناس اول برنامه، ضمن تحیت به ارواح بلند و ملکوتی شهید مزاری^(ه) و یارانش و امیدبخش بودن حضور پرشور جوانان در چنین نشست‌های علمی، واژه بحران را متعلق به دانش مدیریت عنوان کرد و آن را این‌گونه تعریف نمود: به وضعیتی گفته می‌شود که روند متعارف و

عادی امور مختل می‌شود، به مرحله خطرناک می‌رسد، فشارها فزاینده می‌شود و تصورات ابتدایی برای مدیریت یک امر درهم می‌شکند. با توجه به این تعریف، «بحران سیاسی» بحران در پیش‌فرض‌ها، ابزارها و اصول تدبیر صحیح یک کشور است.

این استاد حوزه و دانشگاه با طرح این سؤال که آیا افغانستان در گذشته و حال به بحران مواجه بوده است یا خیر مدعی شد که امر سیاست در گذشته و



حال با بحران مواجه است و مهم‌ترین دلیل بحران افغانستان تئوریک و نظری است و مقدمات بیان نمود که افغانستان در یک جغرافیای قرار گرفته است که این زیست‌و‌بوم کلان فرهنگی از قرن ۱۸ به بعد دستخوش بحران سیاسی بوده است. در تاریخ فقهی اهل سنت تا قرن ششم هجری نظریه سیاسی وجود ندارد؛ یعنی اندیشمندان در امر سیاسی تأمل و فکر نکردند و از این قرن به بعد سه نظریه سیاسی شکل گرفت: ۱- الحق لمن غلب؛ ۲- بیعت؛ ۳- انتخاب حل و عقد. شاه‌بیت این سه دیدگاه تمرکز قدرت و مدیریت جامعه با زور است. این سه نظریه تا قرن ۱۸ ایجاد بحران نکرد؛ اما با شروع انقلابات فراوان در دنیا، اعلامیه استقلال آمریکا، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه و دیگر اعلامیه‌ها، برای اولین بار برای امپراتوری عثمانی تولید بحران کرد. سلطان عثمانی برای اولین بار مجبور شد که فرمان قصر گلخانه را صادر کند



اداره‌های دولتی

و آزادی‌های محدود را برای شهروندان به رسمیت بشناسد و چون نتوانست جریان آزادی‌خواهی را کنترل کند به فروپاشی امپراتوری عثمانی انجامید که از این بحران عنصر «دولت ملت» متولد شد که باعث ایجاد مرزهای جغرافیایی متعدد در «دارالاسلام» شد که این عنصر تمام آن نظریه‌ها را به چالش کشید. از سوی دیگر، دنیای اسلام نتوانست نظریه سازگار با «ملت دولت» تولید کند. ایشان در ادامه به صورت خاص به بحران افغانستان پرداخت و اظهار داشت که افغانستان بعد از شکست شوروی برای اولین بار با بحران نظریه سیاسی مواجه شد که دولت مجاهدین چه نوع دولتی است؟ نتیجه‌ای که به آن رسیدند، ظهور پدیده بنام «دولت اسلامی» بود که نه خلافت بود، نه امارت بود و نه ملت دولت بود و در قانون اساسی خود شیعه‌ها را حذف کرد و زنان را بی سرنوشت



رها کرد.

استاد جوینا در بخش اخیر صحبتش اظهار داشت که رهبر شهید که درک شفاف و روشن از بحران سیاسی افغانستان فرمود: «در افغانستان شعارها مذهبی است و عملکردها نژادی» و راه حل بیرون رفت از این بحران را نظام فدرالی پیشنهاد کرد.



اداره‌های دولتی

دکتر امان‌الله فصیحی، کارشناس دیگر نشست «راه‌حل بحران سیاسی افغانستان در اندیشه شهید مزاری (ره)» را بررسی کرد و یادآور شد: منطق کنش‌ورزی در افغانستان قومیت بوده است. این منطق، قبل از تدوین قانون اساسی با خشونت بروز یافته است؛ مانند تعامل عبدالرحمان با مردم هزاره، اما بعد از تدوین قانون اساسی با استبداد قانونی ظهور یافته است و در دوره‌های مختلف تنها حلقه‌های امنیتی آن عوض شده است و تنها در دوره ربانی آن حلقه امنیتی شکست خورد، اما در انحصار قوم دیگر قرار گرفت.

این پژوهش‌گر در ادامه به راهبرد در بحران فعلی افغانستان اشاره کرد: در کلام رهبر شهید استاد مزاری یک راه‌حل اساسی و کلیدی وجود دارد و آن بازنمایی یا جاسازی تمام قومیت‌ها موجود در افغانستان در یک روح مطلق است که رهبر شهید از آن به «توافق چهار جانبه» یاد می‌کند نه این که یکی از اقوام، روح مطلق شود و دیگران را زیر چتر خود داشته باشد و سهم سیاسی آن‌ها را به عنوان خیرات به آن‌ها بدهد.

وی در ادامه، پذیرش همه اقوام به صورت برابر، احترام گذاشتن به حقوق دیگر اقوام، توجه به واقعیت‌ها، دوری از منطق حذف و عدالت اجتماعی را از پیش‌نیازهای تغییر روح مطلق حاکم دانست.

ایشان در بخش پایانی سخنانش برای حل بحران فعلی افغانستان، راه‌کار فلسفی «کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت» را عنوان کرد؛ زیرا از یک‌سو، کسی نمی‌تواند دیگری را حذف کند و این واقعیت افغانستان است و از سوی دیگر حذف خرده فرهنگ‌ها و جنسیت‌ها و یکی شدن آن غیرممکن است و تنها مدلی که این راه‌کار را عینیت می‌بخشد فدرالیسم است که در عین حفظ داشتن هویت ملی، همه در جایگاه خودش مورد پذیرش قرار بگیرد.

حجت الاسلام دکتر حیات‌الله رسولی در ادامه این همایش به «مبانی فقهی راه‌حل‌های بحران سیاسی افغانستان» پرداخت. ایشان از شهید مزاری (ره) به



«عالم مجاهد، شهید عدالت استاد عبدالعلی مزاری» یاد کرد و خاطر نشان کرد: بحران در سه سطح جامعه، روابط میان اقوام و نظام سیاسی شکل می گیرد. این استاد حوزه بیان داشت: به لحاظ فقهی، الگوی حکومت در میان اهل سنت: نبوت، خلافت و امارت بوده است؛ اما الگوی شیعه: نبوت، امامت و ولایت فقیه است.

ایشان در ادامه به وضعیت افغانستان پرداخت و تأکید کرد: الگوی اهل سنت بحران ساز است و الگوی شیعه هم در افغانستان قابل اجرا نیست، لذا راه حل این است که یک معنای مشترک پیدا کنیم که هم بتوانیم آن ها را ملزم کنیم و هم خود بدان ملزم باشیم و برای تحقق چنین الگوی مشترک بایستی به قاعده فقهی عدالت، شورا، تفاهم و مصلحت تمسک کرد که مورد پذیرش همه است. از این رو، شهید مزاری ^(ره) عدالت می خواست و هم تصمیم گیری عادلانه و هم تفاهم میان اقوام که مصالح تمام اقوام تأمین شود و الا منجر به اختلال نظام



می شود.

در ضمن این نشست علمی، نمایشگاهی با عنوان «گل سرخ» بمنظور بازتاب دادن و معرفی رهبر شهید استاد مزاری برای نسل جوان جامعه، در دو بخش؛ آثار مکتوب شهید مزاری ^(ره) مانند سخنرانی ها، مصاحبه ها، پیام ها و دیدارهای ایشان و آثار در مورد شهید مزاری ^(ره)، اعم از کتاب، تحقیق یابانی، پایان نامه، مقاله و... و بخش تابلوها و پوستره های حاوی سه بخش مهم؛ اندیشه های ماندگار رهبر شهید استاد مزاری، شهید مزاری ^(ره) از نگاه دیگران و معرفی پیش گامان و پیش تازان جنبش عدالت خواهی در افغانستان برگزار شد که در

نوع خود ابتکاری و منحصر به فرد بود. از این رو، بسیار مورد استقبال و تحسین بازدید کنندگان قرار گرفت.

قابل ذکر است که این نشست علمی با پخش کلیپ و دعای خیر حجت الاسلام والمسلمین استاد برهانی لومانی، خاتمه یافت. ایشان قبل از دعائیه خود فرمود: مردم ما، الحمد لله، مزاری را پس از شهادتش شتاختند. انگار دهه اخیر ماه حوت برای مردم ما دهه محرم شده است. در این روزها از شرق جزیره سلیمان و نیوزلند تا غرب آمریکا و کانادا به یاد رهبر شهید، ماتم و واویلاست. این که شهید مزاری^(ره) فرمود این قدر هزاره هزاره بگویند تا قبحیت این لفظ برداشته شود، بسیار معنا دارد. چون اگر هزاره بود، تشیع است. در تمام دنیا، خصوصاً افغانستان، کلمه هزاره مساوی با شیعه است؛ اما عکس نیست. هر شیعه نمی تواند هویت شیعه را معرفی کند. در دوران عبدالرحمان، برادران شیعه ما کارمندان عبدالرحمان بودند، صاحب دیوان و دفتر بودند؛ اما شیعه مظلوم بود.

آنها با تقیه کار می کردند. پس اگر ما بخواهیم هم هزاره باشد و هم شیعه، باید کلمه هزاره را همان طوری که بابهی شهید فرموده است،



برجسته کنیم و از هیچ چیزی هم نهراسیم؛ هیچ دغدغهای هم نداشته باشیم.

ستاد برگزاری بیست و نهمین سالگرد شهادت «شهید عدالت» استاد

عبدالعلی مزاری (رحمة الله علیه)

قم ۱۷ حوت ۱۴۰۲



ایمروز سالگرد شهادت

گزارش بیست و نهمین سالگرد شهادت استاد عبدالحی مزاری (ره)



۴ نمایشگاه گل سرخ

به مناسبت بیست و نهمین سال یاد شهادت استاد عبدالعلی مزاری

به مناسبت بیست و نهمین سال یاد شهادت شهید وحدت ملی و عدالت اجتماعی در افغانستان استاد مزاری و یاران با وفایش، روز پنجشنبه مورخ ۱۷ حوت / اسفند ۱۴۰۲ ش، نشست علمی «بحران سیاسی افغانستان، علت اساسی و راه حل آن در اندیشه شهید مزاری (ره)» با شرکت پرشور و گسترده عالمان، طلاب، دانشجویان و اقشار مختلف اعم از مردان و زنان، با حضور کارشناسان محترم حجج اسلام آقایان: دکتر محمدعلی جويا، دکتر حیات الله رسولی و دکتر امان الله فصیحی و مدیریت دکتر عبدالحکیم کاظمی، از سوی جمعی از طلاب و دانش پژوهان جامعه المصطفی (ص) العالمیه، برگزار گردید. در کنار آن،



نمایش گاهی نیز با عنوان «گل سرخ» به منظور ماندگار ساختن آرمان‌ها و اهداف جنبش عدالت‌خواهی افغانستان و بنیان‌گذار آن استاد عبدالعلی مزاری برگزار و در معرض بازدید علاقه‌مندان قرار گرفت.

این نمایش گاه، متشکل از دو بخش کلی زیر بود:

الف. آثار مکتوب و چاپی؛

آثار مکتوب و چاپ شده، که در این بخش وجود داشت، به دو بخش زیر تقسیم بندی شده بود:



۱. آثار مکتوب شهید مزاری (۱۵)؛

این بخش، شامل آثار مکتوب و چاپ شده‌ی رهبر شهید استاد مزاری مانند احیای هویت، منشور برادری، سخنانی از پیشوای شهید، فریاد عدالت، چراغ راه، خاطرات سیاسی شهید مزاری (۱۶) و... می‌شود که حاوی سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، پیام‌ها و سخنان ایشان در دیدارها و ملاقات‌های شخصیت‌های

ملی، بین‌المللی و نمایندگان مجامع جهانی و سازمان ملل متحد با ایشان است، گردآوری و منتشر شده است.

۲. آثار مکتوب درباره شهید مزاری^(ره):

این بخش شامل آثاری می‌گردد، که توسط نویسندگان، قلم به‌دستان، اصحاب فکر و اندیشه در قالب کتاب، تحقیقات پیاپی، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، ویژه‌نامه‌ها و مقالات منتشر شده در مجلات عمومی، اما ناظر به اندیشه‌ها، افکار، شخصیت، ویژگی‌های فردی و شخصیتی و فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، مبارزاتی و... شهید مزاری^(ره) تدوین گردیده است.

ب. تابلوها

این بخش، به سه دسته و کتله‌گوری زیر ترتیب و تنظیم شده بود:

۱. تابلوهای حاوی تصاویر، سخنان، جملات و کلمات قصار استاد شهید مزاری^(ره)، با عنوان «اندیشه‌های ماندگار» که ناظر به مسایل کشور، راه‌حل‌ها و راه‌کارهای بیرون رفت آن است، سخنان شخصیت‌های علمی، فرهنگی و



اداره اسناد و کتابخانه ملی



سیاسی درباره شهید مزاری^(ره) با عنوان «شهید مزاری^(ره) از نگاه دیگران» و خاطرات برخی از یاران، هم‌سنگران و شخصیت‌ها از شهید وحدت ملی استاد باب‌مزاری، تحت عنوان «شهید مزاری^(ره) در آینه خاطرات»، طراحی و به نمایش گذاشته شده بود.

۲. تابلوهای پیشتان عدالت‌خواهی

در این بخش، گزیده‌ای از زندگی‌نامه‌ها و کارنامه‌های یاران شهید عدالت،



هم‌چون: فرمانده نستوه و نترس شهید ابودر غزنوی، حجج اسلام شهید ابراهیمی بهسودی، شهید اخلاصی جاغوری، قوماندان دلیر شهید حاج جان محمد ترکمنی، شهید سیدعلی علوی (سکرتر استاد شهید) و شهید عباس جعفری لومانی، همراه تصاویر شان طراحی و به نمایش گذاشته شده بود.

۳. تابلوهای پیشگامان عدالت‌خواهی

در این بخش، گزیده‌ای از زندگی‌نامه‌ها و کارنامه‌های علمی، فرهنگی،

سیاسی و مبارزاتی برخی از هم‌فکران، هم‌سنگران، استوانه‌های جهاد، مبارزه و مقاومت عدالت‌خواهانه کشور، طراحی و به نمایش گذاشته شده بود.

قابل یادآوری این‌که، نمایش‌گاه آثار، اعم از مکتوب و غیرمکتوب، جذاب‌ترین، ابتکاری‌ترین و منحصر به فردترین، بخشی از برنامه ستاد سالگرد شهید مزاری^(ره) و یاران با وفایش در جامعه المصطفی^(ص) العالمیه بود. از این رو، مورد استقبال و تحسین بازدید کنندگان واقع شد.

قابل ذکر است که این نمایشگاه در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب داده شد.



اداره نشر و انتشارات

نمایشگاه گل سمن





اثر از: استاد سلیمانعلی اوزگانی



بنیاد آندیشه
۱۳۹۶



پنهاد اندیشه
۱۳۹۲

گذشته‌ی افتخار و ایستادگی

محمد شریف عظیمی

الشاره



محمد شریف عظیمی زاده‌ی سال ۱۳۹۳ش، در یک خانواده‌ی روحانی و مذهبی در ولسوالی مالستان ولایت غزنیین بوده و دارای تحصیلات حوزوی و دکتری علوم سیاسی است. آقای دکتر عظیمی، شاعر جوان، با درد و درک است. او چندین هزار بیت شعر در قالب غزل، مثنوی و... در موضوعات مختلف دینی،

اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... سروده‌است. برخی از این شعرها در مجلات سخن صبا، تیر و باغ گل سرخ، آفاق، دانش پژوه و... چاپ شده‌است و برخی هم در سایت‌ها یا صفحات مجازی منتشر شده‌اند. نخستین مجموعه‌ی از اشعار او با عنوان «یک قلم آب و یک قلمرو آتش» با محتوا و درون مایه‌ی مسایل جاری و اجتماعی افغانستان آماده چاپ است؛ اشعار او بارها، در جشنواره‌های طویی، شعر غدیر تهران، شعر عاشورا، انتظار و... برگزیده یا قابل تقدیر شناخته شده‌اند. یکی از اشعار ایشان، شعر زیر است، که به مناسبت بیست و نهمین سال یاد رهبر شهید بابه مزاری^(ره) با عنوان «گذشته‌ی افتخار و ایستادگی» سروده و توسط وی در نشست علمی سال گذشته، رایج گردید. اینک در گاهنامه «سخن نسل عدالت» نشر و به‌خوانندگان محترم «گاهنامه» تقدیم می‌شود. (اداره گاهنامه)

همه گذشته‌ی ما موج موج، طوفان است
که رود رود علیه ستم، خروشان است

به استقامت این قلّه‌ها نگاه کنید
چقدر غوطه به خون تن شهیدان است



هنوز شهرت «شیرین» راه آزادی
به مشق سرخ چهل دختر «ارزگان» است

در این مسیر، چه «کله منارها» دیدیم
چه داغ‌ها که در این دل، هنوز سوزان است

به این قبیله‌ی قاتل هزار لعنت باد
که تا هنوز مرا دست در گریبان است

هنوز شهرت «شیرین» راه آزادی
به مشق سرخ چهل دختر «ارزگان» است

در این مسیر، چه «کله منارها» دیدیم
چه داغ‌ها که در این دل، هنوز سوزان است

به این قبیله‌ی قاتل هزار لعنت باد
که تا هنوز مرا دست در گریبان است

هنوز فصل نفس‌های ما در این عالم
به روی صفحه‌ی تقویم‌ها زمستان است

تمام آرزوی ما نشسته در آتش
تمام زندگی ما هنوز ویران است

ولی نه گریه کنم این همه تباهی را
اگرچه شصت و دو درصد دلم پریشان است

خطوط قرمز خون بوده، آن چه آمده‌ایم
و آن چه مانده به آخر، گذشتن از جان است

کدام جاده به سوی طلوع خواهد رفت؟
کدام روشنی، پایان این خیابان است؟

برای ما وطن امروز، حس نومی‌دی
درست در وسط میله‌های زندان است

من آخرین نفری ایستاده در خونم
پر از امید، دلم تا هنوز جوشان است

نه قتل‌عام تواند مرا عقب راند
نه از مقاومت خود کسی پشیمان است

به ایستادگی دختران ما سوگند
که عمر تیره‌ی تاریکی رو به پایان است

ستیغ غیرت این قوم، خم نخواهد شد
چرا که تکیه‌ی امید ما به ایمان است



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

«هزاره»، ریشه‌ی «بودای بامیان» باشد
«هزاره»، وارث پیشینه‌ی «خراسان» است

فقط نه تذکره‌ی «غور» و «غزنی» «کابل»
«هزاره» واسطه‌ی وصل «بلخ» و «تهران» است

به قلعه‌های سرافرازی باز خواهد گشت
قسم به نوری که در سینه‌ها درخشان است

سرش به بند اسارت دیگر نخواهد رفت
تنش اگرچه به خون و به خاک، غلطان است

درفش عزّت او روی شانه‌ی «بابا»
به رنگ روشن آزادگی نمایان است.

محمد شریف عظیمی



دفتريادبود / دیدگاه‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم
 خدا را سپاس که مردم روز به روز بیدار و در راه اهداف شهید مزاری
 منجم می‌گردند، جلسه شکوهمندی بود از ستاد برگزاری و گویندگان و مجری
 سید کریم برکتی

خدا را سپاس که مردم روز به روز بیدار و در راه اهداف شهید مزاری (ره)
 منجم می‌گردند، جلسه شکوهمندی بود از ستاد برگزاری و گویندگان و مجری
 محترم سپاس گزارم. برهانی

بسم الله الرحمن الرحيم
 ضمن تشکر از منیر محمد علمی ناظر بران امیدوارم نسل جوان ما بتوانند اندیشه و
 راهکار بابه مزاری را به کار عمل پوشانده و مملکت مظلوم ما را از بحران سیاسی خارج کنند
 دکتر کریم برکتی

ضمن تشکر از منیر محمد علمی شما عزیزان امیدوارم نسل جوان ما بتوانند اندیشه و
 راهکار بابه مزاری را به کار عمل پوشانده و مملکت مظلوم ما را از بحران سیاسی
 خارج کنند. دکتر برهانی



مجلس شورای اسلامی ایران

گنجینه علمی - فرهنگی سخن نبی عدالت / سال اول / شماره ۱ / زمستان ۱۴۰۳

I faunded it very good and comprehensive

I faunde it very good and comprehensive. غلام حسین ناصری

[من آن (مراسم سالیاد) را بسیار خوب و جامع دیدم]

بسم الله

ما شاء الله!

ما شاء الله. از طرف ما شاء الله.

از طرف ما شاء الله

درود خدا بر رهبر شهید استاد مزاری، بسیار تشکر از عزیزان، انصافاً زحمت
کشیده مراسم در شان استاد شهید برگزار نمودند خداوند خیرت دهد.

درود خدا بر رهبر شهید استاد مزاری، بسیار تشکر از عزیزان، انصافاً زحمت
کشیده مراسم در شان استاد شهید برگزار نمودند خداوند خیرت دهد.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

درود بر روح ملکوتی رهبر شهید و سیم بر راهیان راه آن
غریز و این برنامه برای آنم که در دوزخ و جنة
ب. اونی : بر

درود بر روح ملکوتی رهبر شهید و سلام بر راهیان راه آن عزیز، و این
برنامه ها برای آن بخش و نوید دهنده است. موفق باشید

با درود - ارواح شهادت و شهادت یاد دهند
از شهدای فدایان بر گزار کنند این نمایشگاه و هنر
صمیمانه سلام بر این

با درود به ارواح شهیدان و گرامی داشت یاد شهید مزاری (ره) از تلاش و
زحمات برگزار کنندگان این نمایشگاه فرهنگی صمیمانه سپاسگزارم. عظیمی



کتابخانه علمی - فرهنگی مجلس شورای اسلامی

کتابخانه علمی - فرهنگی مجلس شورای اسلامی / سال اول / شماره ۱ / زمستان ۱۴۰۳

۱۸

دست عزیزان درد نکند بسیار عالی بود. عزیز

دست عزیزان درد نکند بسیار عالی بود. غزنوی

بسم الله

نمایشگاه خورشید عدالت (شهادت ملی و واقعی بابیه مزاری) خیلی
جالب و خوب بود. واقعا انسان امیدوار می شود که وارثین شهید
در شهداء بیدارند الحمد لله علی قصور

نمایشگاه خورشید عدالت (شهادت ملی و واقعی بابیه مزاری) خیلی جالب و خوب
بود واقعا انسان امیدوار می شود که وارثین شهید و شهدا بیدارند الحمد لله.
علی فصیحی

و شایسته

از دست اندرکاران کنفرانس علمی و نمایشگاه آثار و روزنامه هابی که
مربوط به شهید مزاری (ره) برگزار کرده است بسیار سازنده و قابل قدر
است. اسحاق محقق

از دست اندرکاران کنفرانس علمی و نمایشگاه آثار و روزنامه هابی که
مربوط به شهید مزاری (ره) برگزار کرده است بسیار سازنده و قابل قدر
است. اسحاق محقق



خسته نهانید
روح خود را در آید از این دنیا
چون بیدار بود و هر آید و مخصوصاً نه
و نه هر یک از اینها برتر از آنده بود
از همه دست زدن کاران شکر عمل می آید

خسته نباشید! روح همه شهدا و سالار شهیدان شهید مزاری (ره) شادا! جلسه بیست و نهمین سالیاد رهبر شهید و مخصوصا نمایشگاه گل سرخ خیلی عالی و با یک سلیقه زیبا برگزار شده بود. از همه دست اندرکاران تشکر بعمل می آید. معظری

تبارک الله
 الان انا - خلافتہ متوال کہیں پتہ پر اس عزیز کے ۲ مہینہ ملائی ہیں
 حاصل عملی زکوٰۃ لکھ لکھ عمارت مکہ
 سیدتی ہوں



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

گنجینه علمی - فرهنگی سخن نسلی عدالت / سال اول / شماره ۱ / زمستان ۱۴۰۳

۱۲۰

بسم الله الرحمن الرحیم
خدمت حضرات محترم و اعزّه کرام درود و ارادت
ناینگاه بسیار ارزشمند دایر گردید. این آسایشگاه
دوستان ما محترم است.
روح همه شهدای غفلت افغانستان، شهدای گمنام سرزمین سوخته
و پرچم داران راه حق و عدالت شاد و مدینه
گردد.
۱۳۶۱/۱۲/۱۷
مهر

خدمت حضرات محترم و اعزّه کرام درود و ارادت، نمایشگاه بسیار ارزشمند
دایر گردیده است ان شاء الله زحمات دوستان عاجور است.
روح همه شهدای غفلت افغانستان، شهدای گمنام سرزمین سوخته و به خصوص
پرچم داران راه حق و عدالت شاد و یادشان گرامی باد! زاهدی

بسم الله الرحمن الرحیم
نماینگاه گل سرخ بسیار عالی به نمایش گذاشته شده
دست همکاران و عزیزان درد نکند
مهر

نمایشگاه گل سرخ بسیار عالی به نمایش گذاشته شده
دست همکاران و عزیزان درد نکند

الحالی
سید

ضمن تقدیر و سپاس از دست اندکاران ستاد هیئت و نهجین
سالگرد شهادت استاد شهید مزار برآید (رح)
نکته: اگر مجموع دست اندکاران یک همایش بزرگ یا بصورت گروهی
یک زندگی نامه جامع که شامل همه ابعاد شخصیتی استاد شهید مزاری
باشد تدوین کنند و در دست میسر است

دستگاه
مدرسه

ضمن تقدیر و سپاس از دست اندکاران ستاد هیئت و نهجین سالگرد شهادت
استاد شهید مزاری (رح) بزرگ ره
نکته: اگر مجموع دست اندکاران یک همایش بزرگ یا بصورت گروهی یک
زندگی نامه جامع که شامل همه ابعاد شخصیتی استاد شهید مزاری (رح) باشد
تدوین کنند کار شایسته است. محمد رضا ضیایی

بسیار عالی - مخصوصاً در قسمت پلاکاردها یک کار نو شده است.

نو شده است
دست تان در نکند کمالی

بسیار عالی، مخصوصاً در قسمت پلاکاردها یک کار نو شده است. دست
تان درد نکند. کمالی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

بِسْمِ السَّحَدَادِ وَالْعَدْلَةِ

بِاتِّشْكَرِ وَتَشْيِيسِ قَرَاوَانِ لِهٖ دِلَتِ اَندَرْكَارَانِ اِیْنِ
بِرَنَامِ خُوبِ وَوَزِنِ اِیْمُونَامِ بَشِیَارِ خُوبِ وَعَالِیِ بُودِ
وَامیدوارم در سایِ هارِ آئینِهٖ پربارترِ تکرار گردد
خستِهٖ نَبَارِیْ عَزِیزَانِ عَدَالَتِ خَوَاهِ!

محمد امین میرزایی
۱۴۰۲، ۱۲، ۱۷

با تشکر و سپاس قراوان از دست اندرکاران این برنامه خوب و وزین، برنامه
بسیار خوب و عالی بود و امیدوارم در سالهای آینده پربارتر تکرار گردد. خسته
نیاشید عزیزان عدالت خواه. محمد امین میرزایی

مراسم زیبا و عالی بود

انشاء الله سال های

یکه هم میایم
۱۴۰۲، ۱۲، ۱۷

مراسم زیبا و عالی بود. انشاءالله سالهای بعد هم میایم.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

کتابخانه علمی - فرهنگی سخن نسلی عدالت / سال اول / شماره ۱ / زمستان ۱۴۰۳



اداره انجمن اوقات

امروز ما برای رسیدن به برنامه رهبر شهید که تنها برای او گفتن
شهید وحدت علی کافی نیست بلکه باید گفت رهبر شهید وحدت
علی با مدیر و مسئولین در آویختیم حتی تا سطح خطره اخراجی
ولی خودسندم چون مزارای خط قرمز ما نیست بلکه او خط
فکری ما هست و تا زمانی که در این مسیر فکری باشیم
خودسندیم و شاید رستگارترین فرد

المختار محمد رحیم حلیمی
مستطاب

امروز ما برای رسیدن به برنامه رهبر شهید که تنها برای او گفتن شهید وحدت علی
کافی نیست بلکه باید گفت رهبر شهید وحدت علی با مدیر و مسئولین در آویختیم
حتی تا سطح تهدید اخراجی ولی خودسندم چون مزارای خط قرمز ما نیست بلکه
خط فکری ما است و تا زمانی که در این مسیر فکری باشیم خودسندیم و شاید
رستگارترین فرد. المختار محمد رحیم حلیمی

مزارای اسوه اهریت بر بزرگ است.
باید راجع به اندیشه مزارای و شی مزاری تحقیق بنیاد صورت
گیرد تا بزرگترین در بین جوامع علمی شناخته شود و باز تولید گردد.
عبدالستار میرزایی

مزاری اسوه اهریت بر بزرگ است. باید راجع به اندیشه مزاری و خط
مشی مزاری تحقیقات بنیاد صورت گیرد تا بیشتر از این در بین جوامع علمی
شناخته شده و باز تولید گردد. عبدالستار میرزایی



سلام و احوالات و وقت بخیر

سوار آمدند و مدار خزان است بزرگت مدبرین خزان اینک بیاد
داده است که عیب ملائک از این است و نه بیت این نعمای
بر غنای آن ملک خزان است در دود سلام بر روح پاک که هر کسی
آزار منوی عیب خزان برادر

فہم

با سلام و ارادت و محبت بیانشید. بیگاری امروز جامعه هزاره نسبت به سرنوشت مدیون هزاران انسان بیدار و آگاه است که شهید مزاری ^(ره) یکی از آنها است و خواه بیت این قصه ای پرغصه ای انسان مظلوم هزاره است. درود و سلام بر روح پاک همه شهیدان آزادی مخصوصاً رهبر شهید مزاری ^(ره) بزرگ. افتخاری.

سید

از همه روانه خان این بدنامی می نداشت از سینه کمال تقوی و شکر
را دارم. دست صدقان را می بوسم.

از همه گردانندگان این برنامه بی نهایت ارزشمند کمال تقدیر و تشکر را دارم.
دمت همه ثان را می بوسم.

بنام خداوند عدالت و آزادی

مزارای رهبر فرزانه و خردمند: بود که جایگاه رهبری
را با بلند مرتبه ساخت. اسوه عدالت و مقاومت و با
پایداری بود. در طی دوران مبارزات سیاسی خود ارزشهای
می زیاده را مانند عدالت اجتماعی، وحدت ملی، اخوت
اسلامی برای اولین بار در تاریخ سیاست افغانستان
خلق نمود.

مزاری رهبر فرزانه و خردمند بود که جایگاه رهبری را بلند مرتبه ساخت. اسوه
عدالت و مقاومت و پایداری بود. در طی دوران مبارزات سیاسی خود ارزشهای
زیاده را مانند عدالت اجتماعی، وحدت ملی، اخوت اسلامی برای اولین بار در
تاریخ سیاست افغانستان خلق نمود.

عرض تشکر از آقای دکتر شهیر و همکاران گرامی، از آنجا که هدف ما برگزار
کنندگان این است، پیشنهاد می‌دهم که ان شاء الله در آینده همکاری از منابع همدیگر
استفاده و همکاری نمایند. اقبال

عرض تشکر از آقای دکتر شهیر و همکاران گرامی، از آنجا که هدف ما برگزار
کنندگان این است، پیشنهاد می‌دهم که ان شاء الله در آینده همکاری از منابع همدیگر
استفاده و همکاری نمایند. اقبال



سازمان اسناد و کتابخانه ملی افغانستان



وزارت فرهنگ و معارف

گامنامه علمی - فرهنگی سخن نسی عدالت / سال اول / شماره ۱ / زمستان ۱۴۰۳

جناب سپاس از برگزیده شدن مراسم یادبود و تحویل از سالگرد شهید
رهبر کبیر و شهید وحدت ملی افغانستان استاد عبدالعلی مزاری

جهان سپاس از برگزار کنندگان مراسم یادبود و تحویل از سالگرد شهادت
رهبر کبیر و شهید وحدت ملی افغانستان استاد عبدالعلی مزاری

بخت خدا
با تشکر از همه عزیزان و دست اندرکاران عالی بود
هم ادامه آنخ سیمیر ولای مقام نبوت که به ارامید
کنز ان شانه علی

با تشکر از همه عزیزان و دست اندرکاران عالی بود مهم اداغه آن شهید والامقام
است که باید اداغه پیدا کند انشالله.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

دفتر یادبود / دیدگاه‌ها

نشست علمی یکی از تأثیرگذارترین به خصوص در شرایط
 انتقال دهنده ایده بزرگ شهید مزاری (ره) می باشد. این رویکرد علمی از جنبه های مختلف
 باعث تقویت اجتماعی و علمی خواهد گردید. صادق بهزاد

نشست های علمی یکی از تأثیرگذارترین به خصوص در شرایط انتقال
 دهنده ایده بزرگ شهید مزاری (ره) می باشد. این رویکرد علمی از جنبه های مختلف
 باعث تقویت اجتماعی و علمی خواهد گردید. صادق بهزاد

۱۴
 ۱۳۵۴
 ۱۲
 ۱۱
 حوزة علمیه
 حوزة علمیه



وزارت فرهنگ، معارف و اوقاف

کتابخانه علمی - فرهنگی سخن نسلی عدالت / سال اول / شماره ۱ / زمستان ۱۴۰۳

۱۲۸

با تشکر از طلاب عزیز - مراسم بسیار
با شکوه برگزار نمودند - عظیمی

با تشکر از طلاب عزیز که مراسم بسیار با شکوه برگزار نمودند.

تیک جهان تشکر از برگزارکننده از مراسم تجلیل از شهید عبدالعلی مزاری

محمد عطایی
۱۴۰۲، ۱۱، ۱۷

تیک جهان تشکر از برگزارکننده از مراسم تجلیل از شهید عبدالعلی

مزاری. محمد عطایی

تشکر فراوان از ایده و اقدام تیک عزیزان برای برگزاری مراسم سالواد شهادت
اسوه و فریادگر عدالت و وحدت ملی در افغانستان شهید عبدالعلی مزاری (ره)

تشکر فراوان از ایده و اقدام تیک عزیزان برای برگزاری مراسم سالواد شهادت
اسوه و فریادگر عدالت و وحدت ملی در افغانستان شهید عبدالعلی مزاری.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

حسن شکر از برگزار کنندگان مراسم تجلیل از ۹۲ مایه شهادت
استاد عبدالعلی صراری

سپاس از برگزار کنندگان مراسم تجلیل از ۹۲ مایه شهادت
استاد عبدالعلی صراری

حسن شکر از برگزار کنندگان مراسم
بیداری نسل جدید توسط شهدا و آرمان های شهدا و مخصوصا
و مخصوصا رهبر شهید می باشد
۱۴۰۲، ۱۳، ۱۵

ضمن تشکر از برگزار کنندگان.

بیداری نسل جدید توسط شهدا و آرمان های شهدا و مخصوصا
رهبر شهید می باشد.

اندیشه های ماندگار

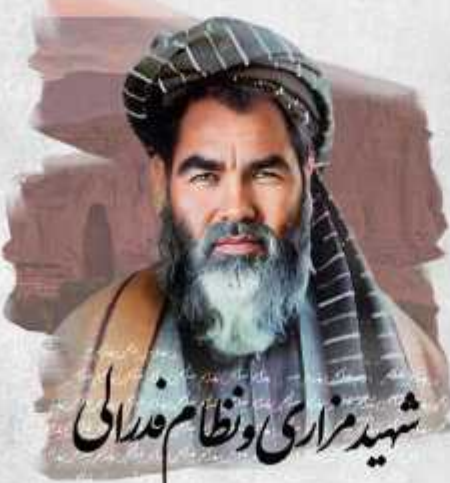
طرح و دبیران: محمدرضا شقبانی



ما عاشق قیامت هیچ کس نیستیم

«ما عاشق قیافه هیچ کسی نیستیم، حقوق ملت خود را می خواهیم، هرکس که این حقوق را برای ملت ما قائل شود، ما دست او را می فشاریم... لذا ... از راه مذاکره سیاسی با گروه ها می نشینیم؛ حقوق ملت خود را می خواهیم و عدالت اجتماعی را در جامعه می خواهیم و انحصار طلبی را نفی می کنیم»

اشیاء خبیثه، ۱۳۷۴، ص ۲۸



شهید مزاری و نظام فدرالی

حزب وحدت معتقد است و اعلان هم کرده که آینده افغانستان باید توسط یک سیستم فدرالی اداره شود تا هر ملیت احساس کنند که در یاری سرنوشت خودشان تصمیم بگیرند. تنها راه حلی که هم افغانستان را از تجربه نجات می دهد و هم ملیتها را قانع می سازد و هم حقوق شان را تامین می نماید، یک سیستم فدرالی در افغانستان است که توافق ملیتها در نظر گرفته شود، علقتانش در نظر گرفته شود، خودشان تصمیم گیر باشند و یک حکومت مرکزی هم داشته باشند.

ما سیستم فدرالی را که در آن حقوق تمامی مردم افغانستان رعایت شده و سیستم انحصاری را درهم می شکنند، مناسب ترین ساختار سیاسی برای آینده افغانستان می دانیم.

الفراد: عدالت، ص ۱۱۲



بنیاد اندیشه
۱۳۷۵

ماندگار
اندیشه

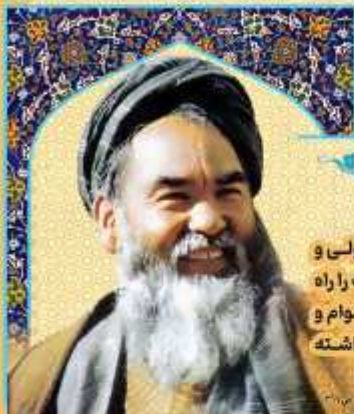


وزارت فرهنگ و معارف

کتابخانه علمی - فرهنگی سخن نسلی عدالت / سال اول / شماره ۱ / زمستان ۱۴۰۳

۳۱

اصول سیاست عرب



«حزب وحدت اسلامی افغانستان، سیاست اصولی و ثابت دارد. حقوق مردم خود را می‌خواهد، جنگ را راه حل نمی‌داند و معتقد است اگر تمام ملیت‌ها، اقوام و مذاهب در تصمیم‌گیری آینده کشور مشارکت نداشته باشند، بحران و معضل افغانستان حل نخواهد شد.»

فروردین ۱۳۳۳ هجری قمری

عدالت، برادری و برابری



«هدف ما تشکیل حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است. ما می‌خواهیم ستم‌های چندین قرن بر مردم افغانستان پایان یابد و جامعه‌ی به وجود آید که در آن از تبعیض، برتری‌گری، تفاخر و افروزی خواهی خبری نباشد و کلیه مردم افغانستان از هر قوم و نژاد و با هر رنگ و زبان برادرانه و برابر زندگی کنند و حقوق حقه‌ی تمامی ملیت‌های افغانستان تأمین گردد.»

خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است.»

(فروردین ۱۳۳۳ هجری قمری - ۱۳۹۰)



انحصار طلبی، علت تمام بدبختی‌ها

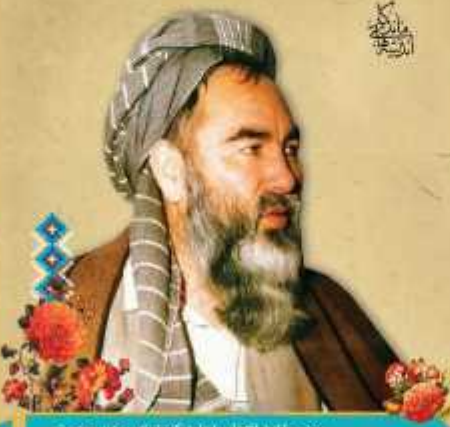


«علت تمام بدبختی‌ها این است که بعضی از رهبران، با انحصار طلبی و جاه طلبی با دیگران برخورد می‌کنند و هیچ‌گاه به منافع مردم نمی‌اندیشند.

حکومت آینده نباید روی مذهب و نژاد به وجود آید. باید در حکومت آینده همه به حقوق خود برسند و ما معیار نفوس را که یک معیار بین‌المللی است معتبر می‌دانیم و بر همان اساس نفوس، از دولت و حکومت آینده خواستار حق خود می‌باشیم و ما نه می‌خواهیم روی کسی ظلم شود و نخواهیم گذاشت کسی دیگری بر ما ظلم کند».

(اجراء، ص ۳۵)

با قیام هزاره‌ها انقلاب تضمین شد



در دفتر جمعیت اسلامی، در پاکستان نشسته بودیم. نورالله عماد یکی از افراد برجسته جمعیت در آن زمان منشی دفتر بود، گفت وقتی آقای استاد ربانی خبر قیام مردم دره صوف و چهارگنت را شنید گفت: من یک بشارتی به شما می‌دهم و آن اینکه انقلاب اسلامی در افغانستان تضمین پیدا کرد چون شیعه‌ها و هزاره‌ها قیام را شروع کردند.

من به آقای عماد گفتم اگر انقلاب پیروز شد آن وقت باز همین حرف را گفتند، خوب است! جالب است که بعد از قیام سراسری هزاره‌ها، در ظرف سه ماه تمام مناطق هزاره‌جات پاکستانی شد و هیچ جای دیگر به این سرعت و گستردگی نتوانستند کار کنند. اما متأسفانه بعد از پیروزی وقتی این برادران در پاکستان نشستند، گفتند! شیعیان در انقلاب افغانستان نقش نداشته اند! لذا حق سیاسی هم ندارند.

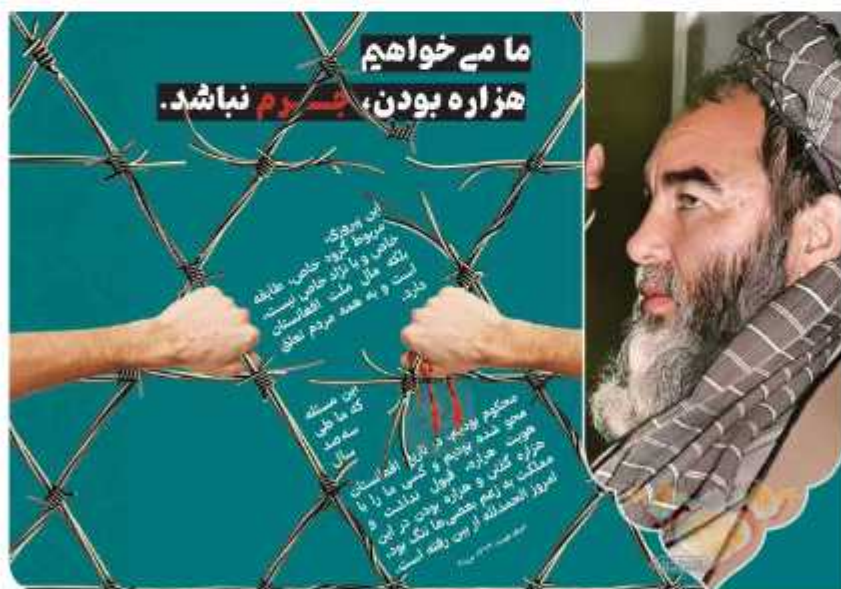
سخنرانی در دفتر جمعیت اسلامی - ۱۳۶۶ - کابل

مردم ما این افتخار را باره که با پای بر خیزد و دست خالی به چهارده میل مبارزه آسمی ناپایر علیه دشمن ادامه دهد الله بفرماید

خبر شهید



اگر اقوام ساکن در افغانستان، هویت و شخصیت و حقوق همدیگر را نفی نکنند، اگر کسی در این جا ظلم نکند، حق دیگری را ضایع نکند، دیگر مشکلی وجود ندارد. تمام جنجال‌ها و درگیری‌ها بر سر همین مسأله امتیاز طلبی و حذف همدیگر است. امتیاز طلبی یک دفعه در چهره مذهب است، یک دفعه در چهره نژاد. (پیام‌ها، ص ۱۱۷)



شہید مزاری (۳) در نگاه دیگران



«... مردم افغانستان باید بدانند که هدف اصلی استکبار جهانی ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی است و به شهادت رساندن رهبر حزب وحدت عبدالعلی مزاری اقدام ظالمانه بوده و ادامه دادن این اقدام دشمنان باید به مثابه زنگ خطری برای همه مسلمانان جهان و وحدت شیعه و سنی باشد.»

(سخن صابر، پهلوان، شریانی، زمستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳)

آیت الله امامی کاشانی

امام جمعه تهران



«شہید عذرا علی مزاری در میان رہبران گروہ های جهادی افغانستان شخصیت منحصر بہ فرد بود. او عطا وعت و ایستادگی مبنی بر باورهای اسلامی جهت رہائی ملت مسلمان افغانستان و پیوستہ شدنشان از مشکلات کشور را بہ عنوان یک هدف مقدس می دید و در جهت تحقق این هدف از هیچ تلاشی فروگذار نمی کرد.»

مکتبیت مزدانہ او در غرب گنبد، از او یک رهبر جاویدانہ برای شیعیان افغانستان ساخت و به همین دلیل است کہ امروز او را شیعیان افغانستان و حتی دیگران، نامتوان اسود مکتبیت و پی مری و نشاناد رشادت و مردانگی می شناسند.»

(سخن صابر، پهلوان، شریانی، زمستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴)

علاء الدین بروجردي

معاون سابق، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران





«شهید مزاری مردی بود که صحنه های جهاد
افغانستان شاهد حضور او بود... و شهادتش
جریحه ی بزرگی در حق اسلام و انسانیت است.»

(سخن صبا، سال دوم، ش ۵، زمستان ۱۳۹۰، ۱۳۹۳)

**علامه سید محمد حسین
فضل الله لبنانی**

مجلس شورای اسلامی



«شهادت مزاری و همراهان نیکوکارش توسط
گروه طالبان خسارت بزرگی برای امت و ملت
مسلمان افغانستان به حساب می آید.»

(سخن صبا، سال دوم، ش ۵، زمستان ۱۳۹۰، ۱۳۹۳)

شیخ مهدی شمس الدین

رئیس پیشین مجلس اعلای شیعیان لبنان

مجلس شورای اسلامی



«مزاري در امر وحدت مسلمين و خاصيتا مردم مسلمان افغانستان تلاش هاي زيادي را به خرج داده و سرانجام در راه تحقق وحدت ملي در کشور، به شهادت رسيد. هن مزاري را از صميم قلب ما دوست داشتيم چون در امر تحقق وحدت و همدمي مردم افغانستان تلاش مي کرد. آقاي مزاري شخصيتي بود که من از نزديک با او آشنايي داشتم و مي شناسم؛ اخلاص، جهاد، صميميت، و وفاي او همواره در ذهن من خطور مي کند. مزاري يک شخص با وفا و با جرئت و شخصيت بزرگ جهاد بود. بسياري اشخاص را بعد از خودشان قدرشان را بيش تر مي دانيد. مزاري بزرگ را با عذر و خيانت، به شهادت رساندند.»

آين صفا خلوت: ۱۳۳۲

صبغت الله مجدي

رئيس پيشين مجلس سنا



«قتل ناجوانمردانه استاد عبدالعلي مزاري يک جنابيت تاريخي، فراموش ناشدني و جديري نامرئ است. در تاريخ افغانستان کمتر اتفاق افتاده است که کسي با اين بي عروفي رقيب خود را به قتل برساند. عبدالعلي مزاري شهيد يک شخصيت نمونه و صالح در تاريخ افغانستان بود او عايم اقتدار فرد سرمد ملت افغانستان بود و از او بايد دري شهادت آموخت. وفاي به عهد، قانقنيت و جدافت از ويژگي هاي بارز شخصيت مزاري به شهيد بود.»

آين صفا خلوت: ۱۳۳۸، ۱۳۴۰

گلبدین حکمتیار

رهبر حزب اسلامي



حامد کرزی

رئیس پیشین جمهوری اسلامی افغانستان

پژوهش‌های
نگاه‌نامه علمی - فرهنگی

دشمنید استاد عبداللّی مزاری از آن شمار شخصیت‌های بزرگ و برجسته کشور بود که اندیشه‌های بلند و قابل تکرار او، هنوز هم برای تحکیم و استوار نگه داشتن وفاق ملی از ارزش‌های خاصی برخوردار است. او زمانی که کابل در جور و آتش جنگ‌های تحمیلی بین گروه‌های عسوق، به تکرار بر مسئله هم‌دستی، اتحاد و وفاق ملی تأکید کرده و می‌گفت: ما زمانی به صلح می‌رسیم و تأمین نظام با اعتبار و مستحکم دست خواهیم یافت که به جای حذف یکدیگر به پذیرش یکدیگر به جهت یک اصل نهادین توجه داشته باشیم. روان‌شاد استاد مزاری نه تنها شخصیت صاحب اندیشه و دانشمند بود بلکه به جهت یک معاهد و مقاومت‌گر محسوب و دایره در سنگ‌های جهاد علیه نیروهای اجنبی مزارانه وار زنده.

<http://www.pashtunmark.com>



محمد اشرف غنی

رئیس پیشین جمهوری اسلامی افغانستان

پژوهش‌های
نگاه‌نامه علمی - فرهنگی

دشمنید وحدت ملی همواره بر وحدت، عدالتی و هماهنگی میان مردم افغانستان تأکید کرده و دشمنی میان اقوام و ملیت‌ها را فاجعه می‌دانست. کارنامه‌ها و اندیشه‌های استاد مزاری سبب شده است تا امروز از او به جهت "شهید وحدت ملی" و نمادی عدالت خوانی یاد کرد. شهید مزاری در شرایط سخت و دشوار سال‌های جنگ و جهاد بر سر راه فکری و فرهنگی تأکید داشت. او پایگاه‌های نظامی را در ولایت‌های مختلف در زمان جهاد به مرکز آموزش، تعلیم و تربیه تبدیل کرد و در اکثر این پایگاه‌ها با ایجاد کتاب‌خانه و راه اندازی مدرسه‌ها تلاش می‌کرد. به رئیس گران‌بانی جهاد مردم افغانستان می‌پرداخت.

دشمنید و وحدت ملی در مبارزات سیاسی خود با یک نقشه راه حرکت کرده و به همین دلیل بود که همواره بر اصل برابری امکانات، برابری نفوس، تعدیل واحدهای فازی، مشارکت عادلانه سیاسی و مشارکت زنان در ساختن قدرت تأکید می‌کرد.

<http://www.afghanpaper.com>



«عزیزی شهید رهبر مبارک حزب و وحدت اسلامی افغانستان بود، وفات و به مردمش آزاد روستا، سرگرازی بودند. تسلیم ناپذیری، پایداری، صداقت و مقاومت را اخلاص شهید عبدالعزیز مرزاری، تا جایی که من می‌شناختم، فرج‌خنده مردمی از شمار آزادگان بود. دل‌سنگی اصلی اش، با ترمان‌های واقعی اسلامی و آزاد روستا بود مرزاری می‌خواست در افغانستان وحدت ملی و عدالت اجتماعی حاکم باشد. او فریاد کشید که دیگر متعلق بودن به یک قوم، جرم نباشد.»

شهید سید نور فرید احمدی (ره)

جنرال عبدالرشید دوستم

رهبر حزب جنبش ملی افغانستان





«...پسین کابین وزیرم که راه او (مرزاری) را پس یوم‌القصاصه تعظیم خواهند شد، زیرا نهال حزب وحدت اسلامی افغانستان را که با خون خویش آبیاری کرد و بیاداریت و جهان‌پس و سیخ و عقیقه، به باروری رسانیده است هر روز از روز گذشته با قدم‌های مترو، قامت های رسا و شادمان پس از وحدت طلبی به سوی نور و روشن‌تر آزادی و استقلال کامل عقیدوی و فکری به پیش می‌رود. امیدوارم مرزازی و جانی بودن جانی آن مرزازی و دوست گرامی را همیشه در جوان خویش احسان کرده و عقیده دغای همسنگی روح آزادانگی شان را در جوان حق سعادته افغانی استعدای می‌دهایم.»

سید سید محمد فرید احمدی (ره)

سید منصور نادری

رهبر فرقه اسماعیلیه افغانستان



رهبری قرائت از افغانستان!

من شنبه با پایه‌های رهبری در کارگاه سه‌روزه در یک خانه ملاقات کردم. آن شب یکی از بزرگان به خاطر چند فن از رهبری بهجت اسلامی تاجیکستان که به ملاقات با رهبران آمد بودند. مهمانی نزدیک دادند بود. من با سید پیمان شناس هاشمی به آن مجلس رفتم. بعد از صرف غذا، مهمانان تاجیک از استاد مولوی درباره پیش‌بود عبارات شان مشوره خواستند.

استاد مولوی حرف‌های گوناگون که من به حیرت و تعجب فرو رفتم: ایشان گفتند: به کشور تان بروید و بگویند صلح کنید و بعد از راه تعلیم، قرابت و تبلیغ مردم را به دور خود متحد سازید! هر قدر هم این راه دشوار و طولانی باشد، از همین راه بروید. بعد مثالی های از جنگ و خشونت و آتش که هر قدر جنگ طولانی شود، افراد آگاه به حقیقت وارد می‌شوند و شراب‌ترین افراد بر سر نوشت جامعه و مبارزه حاکم می‌شوند، بیان کرد و گفت:

فرمان مجلس شورای رهبری جواب داد: آن که جلسه رسمی اعلام شد، مردمانی غرض طلب کمک و عرض شکایات وارد آتاق شدند. من، هاشمی و قاضی مستضعف هم در این وقت داخل آتاق شده بودیم. این‌ها اکثر شان کسانی بودند که به جرم هزاره بودن از قمارات دولتی اخراج شده و بی‌کار و بی‌مهارت مانده بودند. می‌خواستند که برای افراد خانواده شان حداقل غذا داشته باشند.

استاد مولوی بلند بلند خندید و گفت: «اگر آن‌ها می‌دانند که کاملاً قفلک چپات نیستند، بگویند افشا بشود و هرگز نباید تا کار تان را از دست بدهید. زیرا ما آن قدر امکانات نداریم که همه‌ی مأموران بی‌کار هزاره را اضافه کنیم. بلکه آقای خلیلی حمایت داد که راه و چاره‌ای برای بی‌کاران روز افزون پیدا کرد.»

اسماعیل اکبر

فعال فرهنگی و سیاسی ارمنستان، و ردا و پاسوالمی آکادمی و ادبیت جوانان

پژوهش‌های ادبیات



«استاد شهید همواره کوشید تا بزرگی طلبی و تبعیض از جامعه برطرف شود. در عوض برابری و برابری جایگزین آن گردید و در همین راستا به شهادت رسید، ولی آرمان او باقی است.»

اسماعیل اکبر، فعال فرهنگی و سیاسی ارمنستان (۱۹۸۰)

مولوی دوست محمد خان

از بزرگان هزاره‌های اهل است

پژوهش‌های ادبیات

پشتازان عدالت خواهی

سردار شهید ابوذر غزنوی

شهید ابودر در سال ۱۳۳۸ ش. در قریه سسر سنگ پاتوی ولسوالی جانوری چشمه به جهان گشود. چند از دروس ابتدایی تحصیلاتش را در مدرسه تفتیش و توفیق جانوری ادامه داد. در سال ۱۳۵۲ ش. وارد مدرسه محمدیه کابل شد و درس هایش را تا رسالت و کتابخانه داد. اما با کویلی ۷ لی. ۱۳۵۷ پرورش دروس او برای خدمت به دست شهید ابودر اهل مطالعه و تحقیق بود. در خصوص تاریخ شهر، فعالیت و... مطالعه داشت. به مولوی، فردوسی، بیرونی، اقبال، لاجوری و... علاقه زیادی داشت.

با ابودر پیوندهای شوروی در افغانستان، مبارزات چریکی و مساعدهای او آغاز شد و در قریه جهاد، با یارانه پولادین مجاهدان را در نبردها و مبارزات، حق طلبانه همراهی می کرد. جسور بود و از هیچ کس جز خدا نگرانی نداشت. او در تمام محله های ابودر در یک دست کتاب و هر دست دیگر هم...

بعد از شکل گیری حزب وحدت اسلامی و مطالبه حقوق ملیت های محروم افغانستان، شهید ابودر، هم چون ابرویندی تاشق، دور شمع آرمای های مردم خویش می چرخید و در صحنه های سیاسی، نظامی و فرهنگی حضور فعال داشت. او به گفت: «ما افتخار می کنیم که حزب وحدت، حزب پیشگامی است که عدم برادر عدالت اجتماعی و تأسیس حقوق سیاسی و مدنی ملیت های محکوم در کشور است»

شهید ابودر، قریه، مطالعه، صوری، بزرگداشت، در یک مرکز و در ساحت بین شرایط و تا آخرین نفس در کنار رهبری، ماند و با رهبر شهید از زودتر معشوق نیکی داشت و آتش عشق که در سینه داشت، با وسایل به معشوق در ۲۲ حوت ۱۳۷۳ ش. خورشید کردید. نام صوری، ابودر و سایر شهیدان جهادی عقوبت هیچ کاد از دل تاریخ فراموش نمی شود و همیشه در قلب تاریخ می نهد و هم چون ستاره درخشان در قلب نسل های نازل از مردم خورشید می درخشد.

عدالت خواهی
پشتازان

شهید حجت الاسلام خلاصی

شهید حجت الاسلام خلاصی در سال ۱۳۳۵ ش. در منطقه جنوب بوسید، ولسوالی جانوری ولایت فاریاب در دودیه جهان گشود. علوم ابتدایی را در مدرسه منطقه آموخت. سپس برای کتاب علوم عالی به دبستان وارد مدرسه مهرچین بوسید می شود. شهید همیشه جاوید. برای تکمیل دروسش در سال ۱۳۵۵ راهی کابل شد و در مدرسه «شرح محمد ابن ابیشر» معشوق تحصیل کردید. این دوره یادگیری ایشین از اهمیت ویژه برخوردار است. زیرا روحیه مبارزه با مظاهر اجتماعی در این دوره، در اندیشه او شکل گرفت.

و روح کودکی دنگین مبارکبستی مسئولیت های شهید خلاصی را سنگین تر کرد و از او یک چهره فداکار، جوانی و مبارزاتی ساخت و صحنه های گرم جهاد با نفس های گرم و آتشین او درخشان می شد. شهید خلاصی، در طول چهارده سال جهاد اسلامی با دشمنان دامن شمشیر، در سست های با آبی سیاسی نظامی در تشکیلات «سازمان نهر افغانستان» ایفای مسئولیت کرد. او در عملیات های ضد روسی در فاریاب، قریه باغ و نوایان جانوری حضور فعال داشت و بی هیچ نیرو و اعزام آن مدد کابل را نیز به عهده داشت. شهید خلاصی فعالیت در پراکندگی شهید مظفری و شهید رضایی و مسئولیت در پایگاه شهید احمدزاده، معاونت کمیسیون اطلاعات حزب وحدت اسلامی و سپس عضویت شورای مرکزی حزب را در کارنامه اش دارد.

شهید خلاصی، همیشه در کنار شهید مولوی را به بود، دروش و ش او و معاهده مردان جان گرفت از حرکات و آرمایان شریعه دفاع کرد و هیچ کاد او را تنها نگذاشت و تا آخر شهادت با رهبر عزیزش به دست پستیزان افراط، موسوم به گروه «مسلان» پیش رفت. گفتار موفق می شد که به خانه و زادگاهش برگردد، تا جای که توفیق نداشت تا مرگ پدر و مادر و همسرش و هم چنین شهادت پسر برادرش را نداند.

عدالت خواهی
پشتازان

پیشگامان عدالت خواهی

در آستانه سالگرد ولادت و تولد مجدد الکاتب والمیروان لیقوم الناس بالقسط

حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی ارا، از علما برجسته و مطرح کشور و دانش آموخته حوزه کهن نجف اشرف و از شاگردان ممتاز آیت الله العظمی خویی، دارای آثار متعددی در فقه، اصول و... بود ایشان فقیه مجاهد، مبارز و استاد نامدار حوزه علمیه کابل و رکن آن حوزه محسوب می گردید و مدرسه جامعه الاسلام کاتین و مرکز شکل گیری حلقه ای فکری طلاب جوان و مبارز همچون شهید مصیر ماستانی، شهید ارمانی، رهسودی، استاد سید عباس حکیمی غزنوی و... بود.

آیت الله العظمی محقق، در دوران حضور حزب وحدت اسلامی افغانستان در کابل، ریاست شورای عالی نظارت حزب اسلامی و امامت جمعیتی شیعین کابل را به عهده داشت و بی در سال های ۱۳۷۲ تا حمایت های عادی و معنوی رهبر شهید استاد عزیزی ارا، مرجعیت دینی را عهده دار گردیده و به عنوان حلأ مردم مایه امید دینی آنان رسیدگی می کرد. بدون شک دفاتر ایشان در داخل و خارج کشور پایگاهی برای مردم محسوب می گردید.

وی در بهار سال ۱۳۶۸ در قم دار فانی را وداع گفت و با تشییع با شکوه و به زاد ماندنی مهاجران افغانستانی از شهرهای مختلف ایران و حضور شخصیت های سیاسی، نمایندگان دفاتر مراجع عظام تقلید در جرم حضرت عتصومه اسی به خاک سپرده شد. روحش شاد، یاد و خاطرات مبارزات و عبادت های علمی اش گرامی باد!

حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی

در آستانه سالگرد ولادت و تولد مجدد الکاتب والمیروان لیقوم الناس بالقسط

مرحوم آیت الله محمد عیسی محقق خراسانی، زاده سال ۱۳۰۵، در مشهد مقدس و اصالتاً اهل نعل و سرچنگ ولایت غور از علما و خطیبان سرآمد افغانستان بود. ایشان بر علم کلام، فقه، اصول و فلسفه اسلامی، تسلط کامل داشت و با فلسفه غرب نیز بیگانه نبود. از این رو، محقق استاد گری فلسفه در دانشگاه تهران بوده است. محقق خراسانی، علاوه بر کتابخانه دوشنبان علمی، در قن ختایه و سخنوری، از خطیبان معروف جهان اسلام به شمار می رفت و با قیو زبان عربی و فارسی سخنرانی های شروا، جذاب و عامی ارائه می کرد.

ایشان افزون بر این توانستند، در مبارزات و فعالیت های سیاسی زمانه خود نیز نقش اساسی و کلیدی داشتند. در دوران مبارزات انقلاب اسلامی ایران از مبارزان برجسته مرجعیت و نهضت امام خمینی ارا، در نقطه اشرف بود و پس از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان، در مخالفت فعالیت خواهان غرب کابل به رهبری ایز درد ازبک مردم ما جند الاسلام استاد شهید عزیزی ارا و مرجعیت مرحوم آیت الله العظمی محقق کابلی ارا همواره قاطعانه و صافخانه حمایت کرد. آن چه به همه این ویژگی ها و توانایی ها، این غلام فرانه رنگ و سبوی دیگری می بخشد و او را از عرفیه، فیوض و خطیبی متمایز می سازد، اهد و درمندی و عدالت خواهی اسی است که می توان رد پی آن را در همه موضع گیری ها، سخنان و آثار آن فقیه فرانه مشاهده کرد. برادران این فقیه عدالت خواه و حامی جیش عدالت خواهی، پس از یک عمر مجاهدت علمی، فکری و سیاسی در ۱۳۷۸/۱۳۷۸، چشم از جهان فرو بست و در مشهد مقدس به خاک سپرده شد. روحش شاد، یاد و خاطراتش جاودان باد!

مرحوم آیت الله محقق خراسانی





حجت الاسلام استاد سید عباس حکیم غروی

حجت الاسلام آقای استاد سید عباس حکیمی زاده قریق غزنوی، از اعضای اولیه حلقهٔ «بیدارن کائنات» و از بزرگان صمیمی رهبر شهید استاد خراسانی بوده، شهید خراسانی بهمنوی، استاد شریف بهمنوی، شهید اصفهانی بهمنوی و... بود. استاد حکیمی بعدها از اعضای رهبری «سازمان نصر افغانستان» بود و شهادت غریب را در ولایت غزنی، رهبری مرکز، از تحصیلات دینی داشت و در فلسفه و معارف اسلامی مطالعه و تفسیر کرد، بود. استاد حکیمی غزوی، دانشمند و محقق، استاد اسلامی افغانستان به خصوص برای علم نظریات این حزب بود. اما از جریان مقاومت غریب کابل از فعالیت‌های سیاسی خارج غریب کرد، استاد حکیمی، دو نفر از دانشجویان به ارباب زکات و پس از سقوط آن گروه و رفتن به افغانستان بازگشت، کوشش داد که مسئلهٔ حق سیاسی دور باشد و به فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی بپردازد. شهادت سید عباس حکیمی در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۲۲ در قتل با دین کرد و در دین باقی شهادت، رحمتی شد، یاد و خاطرات سید عباس حکیمی یاد.



پیشگاهان عدالت

پیشگاهان عدالت خواجه



حجت الاسلام شهید سید عبدالحمید سجادی

حجت الاسلام آقای شهید سید عبدالحمید سجادی زاده سال ۱۳۲۵، زادهٔ اهل و موجد کابل و نواحی ولایت غزنی، از اعضای اولیه گروه «سازمان نصر افغانستان» و از بزرگان قریق و صمیمی رهبر شهید استاد خراسانی بود، از تحصیلات دینی داشت و در معارف اسلامی مطالعه و تفسیر کرد، بود. شهید سجادی، دانشمند و محقق، استاد اسلامی افغانستان به خصوص برای علم نظریات این حزب بود. اما از جریان مقاومت غریب کابل از فعالیت‌های سیاسی خارج غریب کرد، استاد سجادی، دو نفر از دانشجویان به ارباب زکات و پس از سقوط آن گروه و رفتن به افغانستان بازگشت، کوشش داد که مسئلهٔ حق سیاسی دور باشد و به فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی بپردازد. شهادت سید عبدالحمید سجادی در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۲۲ در قتل با دین کرد و در دین باقی شهادت، رحمتی شد، یاد و خاطرات سید عبدالحمید سجادی یاد.





حجت الاسلام شهید امان الله موحدی ارزگانی

حجت الاسلام شهید امان الله موحدی ارزگانی، متولد سال ۱۳۲۸ قمری در منطقه جرد مویری واکان، دیار تاریخی ایران سابق، از روحانیان برجسته و متدین و از بانان و مجتهدان رهبر شهید استاد محرابی (ره) بود. او از پیمان گذاران «قرعه مسلمانان» بود که بعد از تأسیس مجلس خبرت انقلابی در دانشگاه تهران، قاضی موحدی، از یکی از تشکیلات گروه مسلمانان، فعال گیتی سازمان نصر و عضو هیئت امنای حزب وحدت اسلامی افغانستان، آرز و قرار داشت و فعالیت‌های وی تا انجام داد به هفته برای پیش برد کارهای مهم و برنامه‌های حزب وحدت اسلامی به رهبری استاد محرابی، در مسیر از واکان بهای کشور و دانشگاه‌ها و مراکز، عزت شریف، پادشاه ایران پیرنگ، آملی، غریب، آزاد، هرات و غیره، رهبر کرد.

شهید موحدی، در دوران‌های مختلف حکومت طالبان در کنار مردم هرات و منطقه را ترک نکرد، او در عوالم دوستاش که خارج شدن از منطقه راه او پیشرفت می‌دادند، می‌گفت: «ای من که با ملت‌های خود می‌نشینم که در بین مردم، اگر خاک نبودم و در واقع از مردم جلی‌دهم، در چنین شرایطی که طالبان همه چیز را تصرف کرده و مردم در خطر است، من دیگر مردم را از راه نجاتم کرد.» سرانجام استاد موحدی این مرد فداکار صبح روز جمعه ۲۳ سرطان ۱۳۷۸ قمری، بر شهید می‌داد جانی استوار بود و از آن روز به سوختن گویا نیست شهادت، روحش شاد و یادش گرامی باد!



کمیسیون عدالت

پیشگامان عدالت خواهی



مرحوم حجت الاسلام مصطفی اعتمادی

مرحوم حجت الاسلام مصطفی اعتمادی، زاده سال ۱۳۳۳ قمری در منطقه جرد مویری واکان، دیار تاریخی ایران سابق، از بانان و مجتهدان رهبر شهید استاد محرابی (ره) بود. او از پیمان گذاران «قرعه مسلمانان» بود که بعد از تأسیس مجلس خبرت انقلابی در دانشگاه تهران، قاضی اعتمادی، از یکی از تشکیلات گروه مسلمانان، فعال گیتی سازمان نصر و عضو هیئت امنای حزب وحدت اسلامی افغانستان، آرز و قرار داشت و فعالیت‌های وی تا انجام داد به هفته برای پیش برد کارهای مهم و برنامه‌های حزب وحدت اسلامی به رهبری استاد محرابی، در مسیر از واکان بهای کشور و دانشگاه‌ها و مراکز، عزت شریف، پادشاه ایران پیرنگ، آملی، غریب، آزاد، هرات و غیره، رهبر کرد.

شهید اعتمادی، در دوران‌های مختلف حکومت طالبان در کنار مردم هرات و منطقه را ترک نکرد، او در عوالم دوستاش که خارج شدن از منطقه راه او پیشرفت می‌دادند، می‌گفت: «ای من که با ملت‌های خود می‌نشینم که در بین مردم، اگر خاک نبودم و در واقع از مردم جلی‌دهم، در چنین شرایطی که طالبان همه چیز را تصرف کرده و مردم در خطر است، من دیگر مردم را از راه نجاتم کرد.» سرانجام استاد اعتمادی این مرد فداکار صبح روز جمعه ۲۳ سرطان ۱۳۷۸ قمری، بر شهید می‌داد جانی استوار بود و از آن روز به سوختن گویا نیست شهادت، روحش شاد و یادش گرامی باد!

عدالت خواهی
پیشگامان



شهید عسما‌الله حسینی مقصودی

حاج شهید عسما‌الله حسینی مقصودی از قوم مکتوبه بهمنی و عضوین پیشین جنتاب مردم وچکان دیوچات اسبق افغانستان یکی از بزرگان و بزرگواران این دیار است. وی در سال ۱۳۲۵ هجری قمری در روستای مکتوبه بهمنی، ولایت پکتیا، افغانستان متولد شد. وی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در جریان جنگ افغانستان و شوروی، در جریان جنگ در روستای مکتوبه بهمنی، ولایت پکتیا، افغانستان به شهادت رسید. وی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در جریان جنگ افغانستان و شوروی، در جریان جنگ در روستای مکتوبه بهمنی، ولایت پکتیا، افغانستان به شهادت رسید. وی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در جریان جنگ افغانستان و شوروی، در جریان جنگ در روستای مکتوبه بهمنی، ولایت پکتیا، افغانستان به شهادت رسید.

عدالت خواهی
پیشگامان



بسمیرا احمد دولتی آبادی

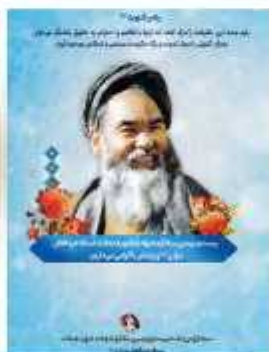
بسمیرا احمد دولتی آبادی از بانوان فرهیخته و فعالان اجتماعی و فرهنگی است. وی در سال ۱۳۵۲ هجری قمری در روستای دولتی آبادی، ولایت پکتیا، افغانستان متولد شد. وی در سال ۱۳۷۲ هجری قمری در جریان جنگ افغانستان و شوروی، در جریان جنگ در روستای دولتی آبادی، ولایت پکتیا، افغانستان به شهادت رسید. وی در سال ۱۳۷۲ هجری قمری در جریان جنگ افغانستان و شوروی، در جریان جنگ در روستای دولتی آبادی، ولایت پکتیا، افغانستان به شهادت رسید.



بنیاد آندیشه
شماره ۱۳۹



لوگو، بنر، پوسٹر، کارت دعوت و پیکسل ہمایش:



آینه در آینه

عکاس و تصویر بردار: علی محمد دانش و مجتبی علوی









از متن گاهنامه:

یکی از مهم‌ترین آرمان‌های شهید مزاری (ره)، تحقق عدالت اجتماعی برای همه مردم افغانستان بود. او نه تنها از حقوق شیعیان دفاع می‌کرد، بلکه برای تمامی اقوام و مذاهب افغانستان حق مساوی قائل بود و در این مسیر تلاش می‌کرد.

وی در برابر احزابی که به حقوق مردم بی‌توجه بودند، ایستادگی کرد و با صراحت مسئله عدالت اجتماعی را مطرح نمود. این دیدگاه او سبب شد که محبوبیتش محدود به جامعه شیعه نباشد، بلکه بسیاری از اهل سنت نیز به خاطر نگاه عدالت‌محورانه‌اش او را محترم بشمارند. اگرچه برخی کارشکنی‌ها و فتنه‌ها مانع از تحقق کامل آرمان‌های او شد، اما شهید مزاری (ره) همواره در مسیر دفاع از حقوق مردم تلاش کرد و با قاطعیت، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها را به چالش کشید.

حضرت آیت‌الله العظمی فاضلی بهسودی (مدظله)



انجمن تخصصی عدالت

آدرس ایمیل: justiceg1403@gmail.com